Xudafərin
خداآفرین
Elmi Ictimai Kultural Aylıq Dərgi
ماهنامه علمی اجتماعی فرهنگی

ترکی - فارسی
اجتماعی - مدنی آیلیق درگی
سال ششم شماره ۵۷ خرداد ۸۸
Jun 2009,Say 57 - IL 6
۱۰۰۰ تومن

خداآفرین



برج طغرل - شهرری

عکس روی جلد : آسیه جلیلی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدا آفرین ۵۷

ایچینده کی لر

سؤزلر دوشونجه نین گؤز یاشلاریدیر ۴

حمله جلوها (۲) ۵

قاراباغ تاریخی،«قاراباغ نامه» لرده ۸

فضولی سحئری ۱۰

خاطره ای از درس املاء ۱۴

آرخادا قالان ایللر ۱۸

گؤروشو سؤیله ۲۰

اوستادشهریارین ... ۲۷

حبیب فرشباف ۲۸

یوسف خیال‌اوغلو ۳۲

درینلیک اووچوسو ۳۵

خبرلر- اولایلار ۳۸

شعریمیز ۴۰

کیم کیم دیر؟ ۴۴

بیر عؤمورون ایشیغیندا ۴۶

ناراخاتین ۴۸

سئحرلی سونیول ۵۰

شاعیر آغاجان ۵۴



ماهنامه فرهنگی و اجتماعی خدا آفرین
سال پنجم ،شماره ۵۷، ۶۰ صفحه،خرداد۸۸/ ۱۰۰۰ تومان

مدیر مسئول و صاحب امتیاز : دکتر حسین شرقی دره جک
سردبیر و مدیر اجرایی : دکتر (افتخاری) صدیار وظیفه

مدیر داخلی : علی محمد نیا
صفحه آرایی : / شهریار وظیفه/ثقفی
امور تایپ : منوچهر فضلی
چاپخانه : ارسباران : تهران، خیابان ظهیر السلام چهارراه خانقاه پاساژ گوهری نسب طبقه زیرزمین همکف شماره۳ تلفن: ۷۷۵۲۲۴۳۰

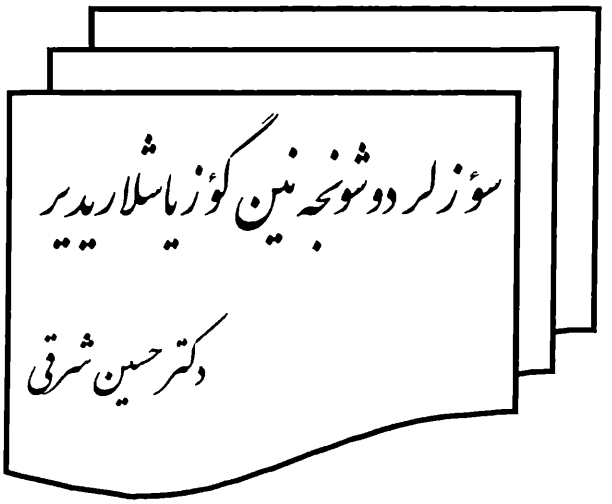
زمینه مجله:فرهنگی،مسایل اجتماعی،معلومات عمومی،طنز و سرگرمی سالم
روش مجله: آموزشی ، تحلیلی ، خبری ، اطاع رسانی ،پژوهشی
گستره توزیع : استانهای آذربایجان شرقی و غربی ، اردبیل و تهران

Xudafarin
Cultural & Social Monthly Magazine
Managing Director & Concessioner:
Dr . Hossein Sharghi Darehjak(soy turk)
Executive Editor: Dr Sadyar Vazife(Eloglu)
P.O.Box : Iran,Tehran ,131145-147
Tel: 09192281916
Email:
Khudafarin@yahoo.com

ماهنامه در ویرایش و اختصار مطالب آزاد است.
مطالب ارسالی پس فرستاده نخواهد شد.
مطالب چاپ شده الزاماً نظر ماهنامه نمی باشد.
صاحبان آگهی ها مسئول نوشته های خود هستند.
خدا آفرین نشریه ای مستقل است.

نشانی مجله : تهران ، خیابان انقلاب ، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۹ ، طبقه سوم، واحد ۵
تلفن : ۶۶۴۶۰۸۹۵/ تلفکس : ۶۶۴۹۳۰۸۴
صندوق پستی :تهران۱۴۷ - ۱۳۱۱۴۵

سوروملو مودیر...



سؤز بیزه آنلادان، گرجک اوزوموزو گؤسترن و یاراتیقلار(مخلوق) ایچینده بیزه اوزه ل وارلیق دیری قاز اندیران مفهومدور. هر بیراولانین اولوشدورانی اولان کیمی، سببین ده سببی واریمیش کیمی گورسه نن وجودی ماهیتیمیزین معنا و آنلام اعتباریله بیر باشلانقیجی واردیر. سوزده دوشونجه نین وار اولماسی نین سببی دیر. زامان و مکانلا دیر کسب ائدن، گسر قازانان و چشیدلی یوکلرآلتیندا دویغوسال و بیلیمجیل ماهیت کسب ائدن دوشونجه نین افاده طرزی «سوز» یارادیلیشین بارز نمونه سی کیمی اولو تانریدان باشلایان و اونون بوتون بشرلرینه یاییلان بارز سئوگی و اولوشوم عشقینین ان آلت یاپیسندان بیری دیر. سوزه مختلیف زامانلارادا مختلیف قیمتلر وئریلیب سوز تانرینین کلامی دیر. قرآن کریم ده ده بیرینجی باشلانقیج سوز ایله دی و اقره سوزوایله دوشونجه نین بیرالله کتیابی قدر دریا عظمتی بویدا مختلیف بویوتلاری اوزونده احتوائدن ماهیت اعتباریله تانریدان ـ یاراتیقا (مخلوق) و یاراتیقدان بیر ـ بیرلرینه جان و کونولدن باشلایاراق یاییلان معرفت اوکیانی یارانماقدادیر. بؤیوکلریمیزین کلاملاریندا سوز «جان» دیرکیمی ایفاده و عیباره لر چوخ یئر آلمیشدیر. حکیم فضولی ده سوز اولمز و ابدی ماهیت کسب ائتمیشدیر. نیظامی ده سوز تانرینین روحو و تصویری کیمی، حتی تورکون یارادیلیش داستانلاریندا اول سوزوایله باشلایان مقدس و قوتسال سوزوارلیغی میلت او؟ راق تشکول تماپماغیمزادا اونحلی ئیره صاحیب اولموشدوز.سوزدن اوزاق، گوزدن ایراق یاخود سوز ساکیتلیین نوریدیر کیمی فلسفی عیباره لر هامیلیقدا بیر مقصده خیدمت گوستریر. او ائله ثروت دیرکی یالنیز پایلاشدیقجا چوخالیر، چوخالدیجا اوجالیر، اوجالدیقجا قوجالیر، قوجالدیقجا جانلائیر،یاییلیر و سرحدسیز، سنیرسیز حالا گلیر. احمد ادیب یوکنانی دن، محمود کاشغرلی دن، دده قورقودان، فضولیدن، نسیمی دن، حتاییدن، سلطان محمد فاتح دن و بیرچوخ اولولاریمیزدان و اونلارین جان و کونوللریندن قوپوپ گلن، هاو و سو کیمی روحوموزا، یوردوموزا هوپوپ و جان ثروتی اولان مدنی وارلیق پالنیز ـ یالنیز سوز وارلیغیندان و اونو افاده ائدن اونا آنلام قازاندیران دیلدن ایره لی گلیب.دیل سوزون ایجادی دیر، سوز جانین معنا کسب ائدن فلسفی، عقلی و دوشونجه وی یه سیدیر. بشرین بوتون دوورلرده صاحیب اولدوغو یوکسک مرتبه لیلییی فقط سوزدن دوشونجه دن سوزودویو زامان اولموشدور. آنجاق بوسوزون سوزلاری دا چوخ اولموشدور. چوخ باشلار قیرمیزی دیلین قربانی اولموشدور. ائله سوز وارکی او تاریخ اولموشدور، داشلاشمیشدیر. سونسوزا قدر اوزانماق وثیقه سی آلمیشدیر. ائله گؤتوره ک آذربایجان اوغلو بابکین فاسیق، دین دن و آداب دان اوزاق معتصمه دئدییینی سارالا سارالا یاشاماقدان قیزارا، قیزارا اؤلمک یاخشی دیر. بودوشونجه نین آرخاسیندا و ارته سیندا مین ایللر تاریخ و مدنی ـ اجتماعی حادثه لر اویماقدادیر. سوزون کسری و ایتی لییی اونونن هر شئیدن قیمتلی اولماسینسدادیر. دوشونجه اؤزگورلویونو ترنوم ائدن، آزاد و برابر توپلوم و حیات سورمک اینامینی اوزونده یاشادان بوسوز سانکی صاحیبینین حجریه لرینی بوگونده بیزیم قانیمیزا داشیما قدادیر.سوزوموز شرفیمیزدیر، او آنالارین لایلالاریندا قانیمیزا هوپور، آتالارین امه یینده جان اولور، اولولاریمیزین معرفت لرینده ابدی درس اولور. یول اولور وحاقا دوعرو ایچمیزده اینام بایراقییینا چئویریلیر. همده سوز دیلمیزدن چیخان ـ حیس،هیجان و آرزولاریمیزین افاده طرزی دیر، اسکی دن بوگونه دک تاریخی وارلیغیمیزین یانسیتماقدادیر. سوزموزه صاحیب چیخاق چونکی سوز روحوموزون قیداسی ، تاریخمیزین آیناسی، وارلیغیرمیزین گوستریجی‌سیدیر.

حمله جلوها (۲)

حاج غلامحسین یزدانی



ولی کربلا بخشعلی و فیض اله ما را از همانجا عبور دادند و به آن طرف رودخانه رساندند. بقیّه-ی زنان به قسمت کم آب رودخانه رفتند و دست به دست هم دادند تا از آنجا عبور کردند. بعد از راه پیمایی زیاد خسته و کوفته به سید تاجین رسیدیم. نزدیک غروب بود، در یک خانه تاریک استراحت کردیم، ولی، نان پیدا نمی شد. مادر در جیب بغلش چند سکه اشرفی پنهان کرده بود که یک عدد به فیض اله داد ، او رفت چهار عدد نان آورد و هرکدام یک تکه خوردیه،در جای خود خوابیدیم . صبح آن روز به سوی خوی روانه شدیم ،ولی همه از طاقت افتاده بودند. مصائب چند روز ، گرسنگی و پیاده روی با پای برهنه.....

بعد از ظهر بود قریب پنج، شش کیلومتر بخوی مانده بود برادرم عبدالحسین با اسب در حال تاخت بما رسید. پس از گریه و زاری، مادر بزرگ و صاحاب خانم را سوار اسب کرده به خوی رفتیم. اول در یک سرای تجارتی ما را بیک اطاق بردند و در آنجا چای و نان پنیر صرف شد. دو ساعت بعد برادرم ما را در یک حیاط که یک اطاق تقریبا بزرگی داشت جای داد ، ولی امان از آن اطاق، که ،روزگار ما را سیاه کرد. چند روز بعد عروس برادرم صاحاب خانم مرض تیفوئید گرفت و سه چهار روز بعد وفات کرد. برادرم در وفات او بی تابی می کرد. بعد از ان مادر بیچاره ام گرفتار شد. او نیز از دنیا رفت سپس خواهر کوچک زری مریض شد. او نیز وفات کرد. بعد خود برادرم عبدالحسین گرفتار شد ،چند روزی در بستر بیماری بود . او نیز در گذشت و با وفات او خاک بر سر ماندگان گردید.قریب یک هفته نگذشته بود که آندرانیک با دو هزار قوای ارمنی از جلفا گذشت و به طرف خوی هجوم آورد. در سر راه به هر ده که می رسیدند قتل و غارت و کشت و کشتار می کردند. اهالی دهات دسته دسته به خوی پناه می آوردند. قوای آندارانیک گویا با جلوها و ارامنه سلماس تماس گرفته بودند قرار شده بود. آنها از آن طرف بیایند اول خوی بعد سایر شهرهای آذربایجان را اشغال کنند. خوی نیز مانند دیلمقان دورها دور بندر (حصار) داشت و دروازه های متعددی داشت. منزل ما نیز نزدیک دروازه جلفا بود. ارامنه به یک فرسخی خوی رسیدند . قریب شصت نفر سرباز ترک در خوی بودند دروازه ها را بستند قوای ارامنه بلافاصله به جلوی بندرها رسیدند. جنگ با شدت تمام درگرفت و سایر اهالی که اسلحه داشتند از بندرها شلیک می کردند. اهالی خوی از رسانیدن آب و غذا به جنگ جویان دریغ نمی کردند. فرمانده ترکها مردم را دلداری می داد و می گفت هرگاه شش ساعت استقامت نمائیم قوای ما خواهد رسید. طولی نکشید که از کوه غضنفر ترکها با توپ شلیک کردند و قوای ارامنه را پراکنده ساختند، بعدا سواره و پیاده نظام ترکها رسیدند و ارامن را تا کنار رود ارس تعقیب کردند و اکثر آنها را کشتند.دو سه روز بعد از جنگ ارامنه مادر بزرگم قرار گذاشت چون کربلا وهاب و مشهدی رضا و خواهرم کلثوم بعد از سقوط دیلمقان به تبریز رفته بودند، ما هم به تبریز برویم و با همراهی ایشان به کهنه شهر برگردیم. قرار شد در تبریز به آنها بگوئیم که عبدالحسین با مادرش و خانمش بکهنه شهر رفتند و ما را نیز به اینجا فرستاده اند، که ،یک ماه در اینجا بمانیم اینها را بما یاد دادند فیض اله رفت و یک گاری گرفت که ما را به تبریز ببرد. ما همگی و خانم باجی و دخترش طاووس در یک گاری سوار شدیم. بعد از ظهر بود، از خوی حرکت کردیم و شب را

در نواحی ماندیم. صبح روز بعد زود حرکت کردیم در وسط سلسله کوههایی که قخلر نامیده می شد سه نفر در حالیکه تفنگ وقمه در دست داشتند جلو ما را گرفتند و خیلی کتک زدند و هرچه داشت از دستش گرفته، بعد آمدند پیش ما و هر قدر وسایل که مرحوم برادرم در خوی برای زندگانی خریده بود، از قبیل سماور و غیره که در که توی یک خورجین بزرگ بود، گرفتند، و ما هر چه گفتیم که ما اسیرهستیم ،رحم نکردند. بعداز اینکه وسایل ما را گرفتند به سوی کوه رفتند. گاریچی با سرعت رفت و به کاروانسرای قخلر رسیدیم که در آنجا چند نفر از عسگرهای عثمانی را نگهبان گذاشته بودند. همینکه به آنها گفتیم که وسایل ما را گرفتند فورا سوار اسب شدند و به تعقیب آنها رفتند.

در کاروانسرا آب گل آلود بود، به رنگ تقریبا قرمز ، ناچارا مقداری نوشیدیم پس از کمی استراحت از آنجا به سوی کوکسرای در نزدیکی مرند حرکت کردیم. وقتی به مرند رسیدیم از یک نفر که گویا اهل سلماس بود سراغ اهالی کهنه شهر را گرفتیم، آنها خانه بزرگی را نشان دادند که گویا کهنه شهری ها در آنجا بودند ما در بزرگ با فیض اله وارد آن خانه شدند و بعد ما را نیز صدا کردند یک خانم بلند قد فهمیده با مادربزرگم مشغول صحبت بودند خانم مزبور عیال کربلا سید علی بود و نامش هما بود، او گفت که تمام کهنه شهری ها در اینجا بودند ولی چند روز قبل همه شان به کهنه شهر برگشتند. و ما چون دامادمان میر عبدل مریض است برای آن مانده ایم انشاالله تا چند روز دیگر ما هم خواهیم رفت. در این میان گاریچی گفت که باید زود حرکت نماییم و به صوفیان برسیم تا راه ما به تبریز نزدیکتر باشد. از مرند حرکت کردیم نزدیک غروب به صوفیان رسیدیم. در یک کاروانسرا در اطاقکی استراحت نمودیم و صبح زود به سوی تبریز حرکت کردیم. موقع عصر به تبریز وارد شدیم فیض اله آدرس گرفته بود به خانه حاج سلمان رفتیم قبلا کربلای وهاب ومشهدی رضا آنجا بودند و همای خانم به علت مریضی در بستر بیماری خوابیده بود. همانطوری که قرار بود بگوییم، گفتیم و آن بیچاره ها با نگرانی باور کردند و نگفتیم که ما آمدیم شما را ببینیم بعد با هم به سلماس برگردیم. خانه حاج سلمان دو حیاط اندرونی و بیرونی داشت که حیاط بیرونی را در اختیار کربلای وهاب گذاشته بودند. ما هم در یک اطاق بزرگ نشستیم. قبلا چون فرش و سایر وسایل زندگی ما در تبریز بود همه اش را آورده بودند . اطاقها را مفروش کرده بودند. کمال آسایش بود ولی جگرها پر از خون بود. در این وقت طاووس دختر کربلا وهاب مریض شد و چند روز بعد وفات یافت. بعدا خود کربلا وهاب مریض شد و چند روز بعد او نیز فوت کرد. مرحوم مشهد حسینعلی برادر حاج عبدالعی که جوان بلند قد و توانا بود تمام زحمات ما را قبول می کرد و هر چیزی که لازم می شد فیض اله را با خود می برد و خرید می کرد و او می آورد. اجناسی که برادرم در تبریز گذاشته بود، در اثر جنگ بین الملل، ازنظر قیمت ترقی کرده بود. از حیث مالی نگرانی نبود. بعدا مشهدی رضا و کلثوم مریض شدند که، بحمداله ایشان شفا یافتند.

کم کم تدارک حرکت به سوی سلماس را می دیدم. در یکی از روزهای مرداد فیض اله و مشهدی رضا یک گاری بزرگ کرایه کردند تا ما را به کهنه شهر ببرد. از تبریز حرکت کردیم ولی همای خانم بسیار بیتابی میکرد بطوریکه ضعف نمود. خلاصه پس از دلداری و روبوسی از تبریز به سوی تسوج حرکت کردیم شب به میرزا کوه رسیدیم و در آنجا استراحت نمودیم. صبح از آنجا حرکت کردیم و موقع غروب به کاروانسرای قزلچه تسوح رسیدیم. شب در آنجا ماندیم صبح زود از آنجا به سوی کهنه شهر روانه شدیم. گاریچی با سرعت گاری را می راند و عصر به کهنه شهر رسیدیم. بیچاره کلثوم از همه جلوتر دوید به خانه بتصوّر اینکه، مادرش و برادرش در آنجاست، صدا کرد مادر- مادر، که سایرین رسیدند و گریه و زاری شروع شد. همسایه هایی که قبلا آمده بودند ، دستهای کلثوم را می گرفتند و نمی گذاشتند خودش را بزند. واقعا واویلا بود. ساختمانهای حیاط سوخته بود غیر از یک باب راهرو و یک ایوان واقعا بزرگ و یک طویله..... روز دیگر مشهدی رضا و خانم باجی و کلثوم به خانه خویش رفتند و مادر بزرگ ، محمد حسین فیض اله و من در خانه خودمان ماندیم.

این وقایع همه گذشت و این آتش افروزی، کشت و کشتار، و قتل و عام، خرابیها و ویرانگریها را تماما اسماعیل آقا به وجود آورد. درست است در خونخواری و شقاوت جلوها و ارامنه شکی نیست، ولی اگر آن روز اسماعیل آقا، مارشیمون و یارانش را غافلگیر نکرده بود، قوای ترکیه که بیست روز بعد رسیدند مارشیمون و همراهانش را تار و مار می کردند و کار بدانجا نمی رسید. تا ارامنه ای که همیشه فکر تصرف قسمتی از خاک آذربایجان را در سرمی پروراندند ،از جلفا وارد ایران بشوند و به قوای جلوها بپیوندند. شاید اگر آنروز قوای عثمانی بداد ما نرسیده بود الان هم قسمتی از آذربایجان در تصرف

ارامنه بود. به هر حال آن موقع من کوچک بودم و عقلم نمی رسید که آن بیچاره مادر بزرگم چه ها کشید. در همان خانه ای که کربلا حسن آقا همسر و دخترش ماهی خانم و نوه اش عبدالحسین و عروس آن و نوه کوچک اش زری و دو خواهر کربلا حسن آقا شوکت و نرگس و نوکر و کلفت و آن ساختمان های مجلل مفروش با تزئینات و سه برادرش امین الرعایا و مشهدی کاظم هم اینها را از دست داده بود، حالا در یک باب قهوه خانه با دو پسر صغیر زندگی می کرد . واقعا مصیبت جانکاهی بود . اکنون وقتی آنروزها را و احوال مادر بزرگم را به خاطر می آورم جگرم کباب می شود. به هر تقدیر قریب یکسال و نیم در همهان خانه سکونت کردیم..... فعلا به کهنه شهر بازگشتند دستخالی، بدون خوراک و پوشاک، همه جا ویرانه و خرابه شده بود. سال هزار و سیصد و سی و شش هجری قمری بود.در پائیز همان سال ترکها سلماس را تخلیه کردند و به سوی کشور خود ترکیه حرکت کردند. از افراد ترک قریب صد نفر در نزد اسماعیل آقا ماندند. افراد جسور و جنگ آزموده بودند. اسماعیل آقا به آنها کمک مالی کرد و محل سکونت داد و عده ای از آنها در کهنه شهر سکونت کردند و بعدا در کهنه شهر ازدواج نمودند. اینها باز باعث تقویت سمیتگو گردید. یکسال از تخلیه ترکها گذشته بود، در اول مهر ماه در قره قشلاق تقریبا دویست نفر تفنگچی بود. اسماعیل آقا به آنها سفارش داده بود که اسلحه هایشان را بیاورند و به او تحویل دهند. در پاسخ نامه او جوانان قره قشلاق و سلطان احمد جواب دندان شکنی به او داده بودند. سمیتگو بعد از شنیدن این جواب چنین تصور کرد که به آنها از دولت مهمات قابل توجهی رسیده است. یک نفر به نام ملا بزرگ و یکی به نام پاشا بیگ هر دو خدا نشناس و مانند عمر ابن عاص بودند. آنها را احضار کرد و گفت بقره قشلاق سفارش دهید که ما می آئیم. بین شما و اسماعیل اقا سازش برقرار کنیم. وقتی که آنها استقبال کردند بروید و چند روز در قره قشلاق و چند روز در سلطان احمد مهمان باشید و تمام قوا و مهمات آنها را بسنجید و بدانیدکه چند نفر تفنگچی دارند و مهمات شان چقدر است. همان که فهمیدید خداحافظی کرده برگردید و گزارش خود را به من بدهید. تمام دستورات اسماعیل آقا را آنها مو به مو اجرا کردند و رفتند از تمام نفرات آنها و مقدار مهمات شان مطلع شدند و برگشت، به سمیتگو گفتند که یک مقدار اسلحه پنج تیر شرمن آورده اند و همان دویست نفر تفنگچی را دارند. همانکه سمیتگو گفته آنها را شنید به تمام روسای طوایف خبر داد که با طایفه خود سوار و مسلح در چهریق حاضر شوند و به نفرات ترک هم فرمان داد که آماده جنگ باشند. همان که فرمان به تمام روسا رسید تمامی اکراد سواره وارد دیلمقان و کهنه شهر شدند. کدخدا دسته دسته افراد را به خانه ها مهمان می داد بعد از حاضر شدن تمام اکراد خود اسماعیل آقا هم آمد و به سوی قره قشلاق حرکت نمودند . مردم قره قشلاق و سلطان احمد در برابر حمله ناجوانمردانه سمیتگو دفاع می کردند و جنگ با شدت ادامه یافت. روز اول نتوانستند فاتح شوند ولی در روز دوم افراد ترکها شبانه زانو به زانو تا نزدیکی سنگرهای مدافعین پیش رفته بودند و اول صبح یک مرتبه حمله کردند. اول سلطان احمد را تسخیر نمودند و کوپه های یونجه را آتش زدند از هر طرف قره قشلاق را به محاصره در آوردند سر دسته قره قشلاقیان مسعود دیوان بود. همان که دید چند نفر از یارانش شهید شدند و اکراد میخواهند وارد خانها شوند و هر لحظه نزدیکتر می شوند و زنان واحسینا میکشند، مسعود دیوان با اسلحه کمری خودش را زد و به رحمت خدا پیوست. همان که مسعود دیوان شهید شد، تمام اکراد به خانه ها ریختند و کشت و کشتار و غارت شروع شد. آنقدر گاومیش و گاو گوسفند و بز و ... به غارت بردند که وقتی از کهنه شهر عبور می کردند کوچه ها گنجایش آنها را نداشت، بعلاوه مقدار زیادی منقول نیز به همراه داشتند.و شاید به ناموس مردم آنجا هم تجاوز کرده بودند.این هیاهو سایر شهرها رسید. قریب دویست نفر افراد در اطراف خوی و مرند و غیره به صورت متفرق به کهنه شهر آمدند از طرف دولت نیز یک افسر روس که در ارتش ایران خدمت می کرد و درجه سرهنگی داشت به نام خلیل اف با عده ای قزاق سوار بدیلمقان وارد شدند و اهالی کهنه شهر نیز بدیلمقان پناه بردند. فصل زمستان بود و خلیل اف با قزاقها در دیلمقان ماندند و سربازان به سردستگی میر هدایت مرندی و میرزا موسی خان در کهنه شهر ماندند. در این موقع وقتی سربازان می خواستند به کهنه شهر بروند در بین راه با اکراد زد خورد می کنند و عده ای از زنان و غیره به خیال اینکه اکراد حمله کرده اند به امامزاده پناه می برند. مادر بزرگ ما نیز در امام زاده بود. همانکه خبر آوردند کردها حمله کردند .همه سعی می کنند خودشان را داخل حرم امامزاده برسانند که از فشار جمعیت مادر بزرگ بیچاره ام سکته میکند. من با فیض اله در خانه سلطان خالا بودیم که خبر دار شدیم و .....(ادامه دارد)

قاراباغ تاریخی، «قاراباغ نامه» لرده

یازان:**یونس حسین اوف**
الیفبامیزا کؤچورن:**بابک دلالی ممقانی**

قاراباغ خانلیغی نین سیاسی،ایقتیصادی و مدنی تاریخینی اؤیرنمک اوچون میرزه آدی گؤزل به یین «قاراباغ نامه»، میرزه جمال بیک جوانشیر قاراباغی نین «قاراباغ تاریخی» ،احمد بیک جوانشیر «۱۷۴۷– ۱۸۰۵اینجی ایللرده قاراباغ خانلیغی نین سیاسی وضعیّتینه دایینر»، میرزه یوسف قاراباغی نین «تاریخ صافی» ،میر مهدی خزانی نین «کتاب تاریخ قاراباغ»، رضاقولو بیک میرزه جمال اوْغلونون «پناه خان و ابراهیم خانین قاراباغدا حاکیمیّتلری و او زامانین حادیثه لری»، میرزه رحیم فنا نین «تاریخ جدید قاراباغ»، م. باهارلی نین «احوالات قاراباغ»، حسن ایخفا علیزاده نین «شوشا شهری نین تاریخی»، حسنعلی خان قاراداغی نین «قاراباغ ویلایتی نین قدیم جدید کیفیّت و اؤوضاعلاری» و عبّاسقولو آغا باکی خانوفون «گولوستانی ارم» اثرلرینده اوْلدوقجا قیمتلی معلوماتلار وار.

بونلاردان علاوه ۱۸اینجی عصرین ایکینجی یاریسیندا و ۱۹اونجو عصرین اوّللرینده قاراباغ خانلیغی نین سیاسی و ایقتیصادی تاریخینه عائد سندلرده،تاریخی منبعلرده و سوْنراکی دؤورلرده خانلیغین سیاسی و ایقتیصادی تاریخینه حصر اندیلن علمی اثرلرده قاراباغین ایّامی قدیم دن بری آذربایجان توْرپاغی و دؤولتی اوْلدوغو و اوْنون محض آذربایجان تورکلرینه سؤیکندیگی ثبوت ائدیلمیشدیر.

«قاراباغ نامه» لرده و هابئله سایسیز – حئسابسیز تاریخی منبعلرده گؤستریلیر کی،قاراباغ خانلیغی نین مئیدانا چیخدیغی کور – آراز آراسی توْرپاقلاردا اهالی،دئمک اوْلار کی،باشدان – باشا موسلمان اهالیسی اوْلموش،اوْنون یارادیجیلاری آذربایجانین قدیم تورک بوْیلاری نین نومایینده لری سیراسیندان چیخمیش،بو خانلیق تورک اهالیسینه سؤیکه نن سیاسی قوروم کیمی تخمیناً ۱۷۵ایل فعالیّت گؤسترمیشدیر.

«قاراباغ نامه» لر سالنامه خاراکتئری داشیدیقلاری و عینی تاریخی دؤورده باش وئرن حادیثه لری عکس ائتدیردیکلری اوچون بیر- بیرینی،اساساً،تکرار اندیر. باشقا جور ده اوْلا بیلمز.سالنامه لرین دیقّتله تحلیل اندیلمه سی بئله بیر نتیجه یه گلمه یه ایمکان وئریر کی،بوتون باشقا آذربایجان خانلیقلاری کیمی قاراباغ خانلیغی نین دا مئیدانا چیخماسی سوسیال – ایقتیصادی و ایجتیماعی – سیاسی پروسسلرین قانونی نتیجه لریندن بیری ایدی.

«قاراباغ نامه» لرین اوزون مودّت ایشیق اوزو گؤرممه سی ده اوْنلارین تاریخچی عالیملرین نظریندن کناردا قالماسینا سبب اوْلموشدور.بو قیمتلی تاریخی سالنامه لری دیقّتله آراشدیرارکن گؤروروک کی،اوْنلاردا ۱۸اینجی عصرده و ۱۹اونجو عصرین اوّللرینده قاراباغین،هم ده بوتؤولوکده قوزئیلی – گونئیلی آذربایجانین،هابئله بوتون جنوبی قافقازین و اوْن آسیانین حیاتیندا باش وئرمیش مورکّب ایجتیماعی–سیاسی پروسسلرین اوبیئکتیو شکیلده ایشیقلا ندیر یلماسی،بیر سیرا قارانلیق مطلب لره آیدینلیق گتیریلمه سی،بدنام ارمنی لرین دونیایا سپه له دیکلری مکرلی یالانلاری پوچا چیخارماق اوچون قیمتلی معلوماتلار وار.

قایناقلارین تحلیلی بیر داها عیانی شکیلده ثبوت اندیر کی،قاراباغ خانلیغی آذربایجان فئودال دؤولتی کیمی یارانمیش،اثله بو شکیلده ده روسیا ایمپریاسی نین ترکیبینه قاتیلمیشدیر.۱۴مای ۱۸۰۵اینجی ایل تاریخلی کوره ک چای موقاویله سینه سیسیانوف لا بیرلیکده قاراباغ خانی ابراهیم خلیل خان جوانشیر ده قوْل چکمیشدیر

سالنامه موآلیفلری قاراباغین تاریخی جوْغرافیاسینی، اوْنون داخیلینده و خاریجینده باش وئرن سیاسی حادیثه لری،هابئله پناهعلی خانین و ابراهیم خلیل خانین دؤورلرینده تیکیلن شهر و تاریخی آبیده لرحاقّیندا گئنیش معلومات وئریلیر.بو معلوماتلار خالقیمیزین تاریخی،معیشتی،تصرّوفاتی،او زامانکی حیات طرزی نین بیر سیرا موهوم مطلب لرینه ایشیق سالماغا، ۱۸اینجی عصرین ایکینجی یاریسیندا بو بؤلگه لرده گئدن طالع یوکلو پروسسلرین اوبیئکتیو منظره سینی یاراتماغا ایمکان وئریر.

میرزه آدی گؤزل به یین و میرزه جمال بیک جوانشیر قاراباغی نین اؤز سالنامه لرینی روسیا ایمپریاسی نین جنوبی قافقازداکی جانیشینلری نین سیفاریشلری ایله یازدیقلاری موطلق نظره آلینمالی دیر.هر ایکی تاریخچی روسیا ایمپریا سی نین دؤولت ایداره لرینده قوللوق ائتمیشدیر.محض بو مقام روسیا سیاستی ایله باغلی بیر چوْخ حال لاردا بو قیمتلی قایناقلارین معلوماتلارینا

دیقّتله یاناشماغئ،اؤنلارئ باشقا مأخذلرله توتوشدورماق حئسابینا اصل حقیقتی آشکارا چیخارماغئ طلب ائدیر.

میرزه آدئ گؤزل به یین «قاراباغ نامه» اثری تاریخی مضمونونا گؤره خوصوصیله فرقله نیر.

میرزه جمال جوانشیر قاراباغی نین «قاراباغ تاریخی» اثری ده باشقا سالنامه لرله موقاییسه ده اؤلدوقجا زنگین دیر. موآلیف پناهعلی خان و ابراهیم خلیل خان دؤورلرینی داها دؤلغون تصویر ائدیر،تاریخی حادیثه لری آردیجیللیقلا وئریر.میرزه جمال بیک جوانشیر اؤز اثرینده قاراباغین ایجتیماعی–ایقتیصادی وضعیّتینی ،کند تصرّوفاتینئ، سووارما شبکه سینی،بئجه ریلن بیتکیلری، خانلارین و اؤنلارین قؤهوملارئ نین املاکینئ،مداخیل و مخاریجلرینی،حربی قووّه لرینی و سایر اطرافلئ گؤستریر.میرزه جمالین سالنامه سی موآلیفین یاشادیغئ دؤورون تأثیریندن ایره لی گلن محدود جهتلرینه باخمایاراق،دیگر «قاراباغ نامه» لرله موقاییسه ده بؤیوک اوستونلوکلره مالیک دیر.

میرزه یوسف قاراباغی نین «تاریخ صافی» اثری اؤزوندن اوّلکی سالنامه لردن او قدر ده جیدّی شکیلده فرقلنمیر.او،میرزه آدئ گؤزل به یین و میرزه جمال جوانشیرین قئید ائتدیکلری تاریخی حادیثه لری تکرار ائدیر.موآلیفین اثری نین فرقلی جهتی اؤندان عیبارتدیر کی،او،اؤز اثرینده ارمنی میلّتچیلیگینه داها چوْخ اوستونلوک وئریر.اؤنا گؤره ده میرزه یوسف قاراباغی نین اثرینه داها چوْخ تنقیدی یاناشماق لازیمدیر.

احمد بیک جوانشیرین ۱۷۴۷– ۱۸۰۵اینجی ایللرده قاراباغ خانلیغئ نین سیاسی وضعیّتینه دایبر اثری ده دیگر سالنامه لر ایچه ریسینده اؤزونه مخصوص یئر توتور.اؤنو دا قئید ائده ک کی،احمد بیک جوانشیر اؤز اثرینده دانیشارکن قئید ائدیردی کی،ایستیفاده ائتدیگیم منبع لر میرزه آدئ گؤزل به یین،میرزه جمالین اثرلری و دیگر منبع لر اؤلموشدور.احمد بیک جوانشیرین اثری نین فرقلی جهتلرینده بیری ده اؤندان عیبارتدیر کی،او کوره ک چای موقاویله سینه ده موعیّن قدر دیقّت یئتیرمیشدیر.احمد به یین اثرینده ابراهیم خلیل خانا قارشئ غرضچیلیک اؤزونو آیدین صورتده گؤستریر.موآلیف هئچ بیر سبب اؤلمادان محمّد بیک جوانشیره حاقّ قازاندیرماغا چالیشیر.

میرزه مهدی خزانی نین «کتاب تاریخ قاراباغ» اثری دیل و اوسلوبونا گؤره بیر قدر چتین اؤلسا دا،تاریخی باخیمدان چوْخ اهمیّتلی دیر.او اؤز اثرینده قاراباغین مدنیّت ایله باغلئ مسأله لره داها چوْخ یئر وئرمیشدیر . ۱۹اونجو عصرین اوّللری آذربایجان مدنیّتی نین دؤلغون منظره سینی یاراتماق اوچون بو،چوْخ موهوم مأخذ دیر.

رضاقولو بیک میرزه جمال اوْغلونون «پناه خان و ابراهیم خانین قاراباغدا حاکیمیّتلری و او زامانین حادیثه لری» اثری، اؤزونون اعتیراف ائتدیگی کیمی،آتاسئ نین اثری نین ییغجام خولاصه سیندن عیبارتدیر.لاکین هر حالدا رضاقولو به یین سالنامه سینده بیر سیرا ماتریال لار وار کی،اؤنلار دؤرون تاریخی نین داها دؤلغون یازیلماسئ اوچون فایدالئ اوْلا بیلر.

میرزه رحیم فنا نین «تاریخ جدید قاراباغ» اثری نین بعضی حیصّه لری الده ائدیلمه دیگیندن اؤنون حاقّیندا تام تصوّور یاراتماق ایمکان خاریجینده دیر.بو اثرده ده موآلیف اؤزونون اوّل یازیلان سالنامه لری سانکی تکرار ائدیر.هر حالدا میرزه رحیم فنانین سالنامه سی ده قاراباغین دؤلغون تاریخی نین یازیلماسئ باخیمیندان بیر سیرا مزیّتلره مالیک دیر.اثرده قئید ائدیلن معلوماتلار،او دؤورون ایجتیماعی – سیاسی وضعیّتینی درک ائتمک باخیمیندان خوصوصیله ماراق دوغورور.

قاراباغ خانلیغئ نین تاریخینه حصر ائدیلن سالنامه لردن بیری ده م. باهارلئ نین «احوالات قاراباغ» اثری دیر.موآلیف اثرینده قاراباغین تاریخیندن داها چوْخ اؤنون معمارلیق آبیده لرینه،تاریخی شخصیّتلرینه،عادت و عنعنه لرینه ، ائتنوقرافیاسینا یئر وئریر.

آذربایجان مدنیّتی،خوصوصیله ده،اؤرتا عصرلر مدنیّتی تاریخی اوزره قایناقلارین کاسادلیغئ شراییطینده بو،چوْخ قیمتلی منبع دیر.حسن ایخفا علیزاده ده «شوشا شهری نین تاریخی» اثرینی یازمیشدیر.او،اثرینده قاراباغ خانلیغئ نین مرکزی شوشا شهری نین بونؤوره سی نین قؤیولماسیندان بری باش وئرن حادیثه لری ایزله میش و مسجیدلرین اوزه رینده‌کی داش کیتابه لری ترجومه ائتمیشدیر.قاراباغ تاریخینه حصر اؤلونان سالنامه لردن بیری ده حسنعلی خان قاراداغی نین «قاراباغ ویلایتی نین قدیم جدید کیفیّت و اؤوضاعلارئ» اثری دیر.بو اثر یاریمچیق و چوْخ قوصورلودور. موآلیف اثرینده قاراباغین تاریخی آبیده لرینه عائد آز دا اؤلسا، معلومات وئریر.عبّاسقولو آغا باکئ خانوف «گلستان ارم» اثرینده قاراباغین تاریخینه عائد خئیلی تاریخی معلومات تؤپلامیشدیر.موآلیف قاراباغین تاریخی جوغرافیاسئ و ائتنوقرافیاسئ حاقّیندا تؤپلادیغئ چوْخلو معلوماتئ اثری نین بئشینجی فصلینده چوْخ ماراقلئ و اوْخوناقلئ شکیلده سیستم لشدیرمیشدیر.ع.آ.باکئ خانوف قئید ائدیر کی،موستقیل دؤولتلر اوْلان خانلیقلار دؤورونده آرا موحاریبه لرینه باخمایاراق، محصولدار قووّه لرین اینکیشافئ ایستیقامتینده خئیلی ایره لیله ییش اؤلموش،۱۹اونجو عصرین ایلک اوْن ایللیکلرینده وطن تورْپاقلارئ نین رومانوف لار و قاجارلار آراسیندا پارچالانماسئ ایسه آذربایجانا،اونون سوسیال – ایقتیصادی و مدنی – سیاسی حیاتینا آغیر ضربه لر وورموش،روس موستملکچیلری نین الی ایله بوگونکو بلالاریمیزین ان بؤیوگوندن اساسئ قؤیولموشدور.«قاراباغ نامه» لرده ارمنی عونصورو حاقّیندا صؤحبت گئتمیر. قاراباغا ارمنی عونصورو ۱۹اونجو عصرین اوّللرینده روسیا موستملکچیلری نین الی ایله گتیریلمیش، سوْن ۱۵– ۲۰ایل عرضینده خالقیمیزین باشینا آچیلان اؤیونلارین بونؤوره سی محض او دؤورده،۱۹اونجو عصرین اوّللرینده آذربایجان تورْپاقلارینا،او جومله دن ده ، قاراباغا ارمنی لرین کؤچورولمه سی ایله قؤیولموشدور..



میرزه رسول اسماعیل زاده

نئچه ایل بوندان اول ادبیاتجی و دیلچی دوستلاریمین بیری ایله اوزون مدتلی بیر موضوع حقینده مباحثه میز اولدو. ایل یاریم داوام ائدن بو مباحثه فضولی ایله نباتی-نین خصوصیت لری باره سینده ایدی. دوستوم فضولی نین اوستونلویونو ثبوت ائتمگه سعی گؤسترديگی حالدا من نباتی نین اوستونلویونه دایير ثبوتلار ایره لی سورووردوم. او منی قانع ائده بیلمه دیگی کیمی من ده اونو قانع ائده بیلمیردیم. تخمیناً هرگون ایش یئرنیده و ایشدن چیخاراق ائوه دؤننده مباحثه لریمیز قیزغین و گرگین گئد یردی. هر بیریمیز ده ائوده مطالعه لریمیزله نوبتی مباحثه یه حاضرلاشیردیق. بونون اوستوندن اوزون مدت کئچدی، نه او منی قانع ائده بیلدی و نه ده من اونو. هر کس اؤز ادعاسیندا دیره ندی قالدی. بیرگون دوستوم گؤزله نیلمه دن چوخ حرارتلی و تعجبلو شکیلده منه مراجعت ائدرک نباتی نین چوخ بؤیوک شاعر و عارف اولدوغونو و حتی بعضی شعرلرنیده فضولی دن اوستون اولدوغونو سؤیلدی.

او نباتی نین فضولی استقبالیندا یازدیغی غزلینده ایلیشیب قالمیشدی. او بو غزلین مراجعت بیتینی، یعنی: *«یئتدی عؤمرون آخیره سن بیر نباتی بیلمه دین، کیمدی بو گؤزدن باخان یا دیلده بو گویا ندور»* بیتینی شاهد چکره ک نباتی نین داها اوستون اولدوغانا اینانمیشدی[1].

---

[1] - فضولی نیده غزلی –

اؤیله سرمستم کی، ادراک ائتمزم دنیا ندور؟
بن کیمم، ساقی اولان کیمدور، مئی صهبا ندور؟
گر چی جاناندان دل شیدا اوچون کام ایسترم
سورسا جانان بیلمزم کام دل شیدا ندور؟
وصلدن چون عاشقی مستغنی ائیلر بیر وصال
عاشقه معشوقدن هر دم بو استغنا ندور؟
حکمت دنیا و ما فیها بیلن عارف دگول
عارف اولدور، بیلمه یه دنیا و ما فیها ندور؟
آه و فریادین فضولی اینجیدیبدور عالمی
گر بلای عشقیله خشنود ایسن غوغا ندور؟

نباتی ایسه دئییر:

اویله مستم بیلمزم کی، مئی ندور، مینا ندور؟
گول ندور، بولبول ندور، سونبول ندور، صحرا ندور؟
اود توتوب جانیم سراسر یاندی اما بیلمه دیم
دل ندور،دلبر ندور، باشیمده بو سئودا ندور؟
دورد صافی گؤزلمک واختی دگول، ساقی آمان شیشه وئر پیمانه
وئر ساغر ندور صهبا ندور
دور گؤزون قوربانی یم مستانه گل رندانه وئر

دو غرودان دانباتی نین بو بیتی بوتون عرفان و خصوصیله مذهبی عرفانین و طریقت لرین ایدئیالاری نین اؤزه یی دیر." *و مارمیت اذ رمیت و لکن الله رمی*" آیه سیندن الهام آلان شاعیر ایلاهی بیر سیر و سلوک واسیطه سیله دینی واجب لری یئرنیه یئتیریب ایلا هیدن باشقا هرنه دن قیراراق یالنیز تک آللها نشانلاناراق تام ایلاهیله شیر و امام خمینی حضرتلری نین سؤیله می ایله دئسک: آللهین گؤردیو گؤزو ائشیدن قولاغی دانیشان دیلی، آددیملایان آیاغی و چالیشان الی اولور. اونا گؤره ده شاعیر اؤزونو تجاهله ووراراق سؤیله ییرکی، گویا بو شعرلری سؤیله یه نی و بوگؤزدن باخانی تانیمیر. اصلنیده بیلیرکی، اونون گؤزلری و دانیشان دیلی بوتون وجودی ایلاهی لشمیشدیر.[۲]

دوستوم منیم غالب گلدیگیمی گمان ائدیب سؤزومو حاقلایاراق نباتی نین اوستون اولدوغونو سؤیله بیردی، بیرحالدا کی، بیلیمیردی من ده اؤز فکریمدن دؤنوب فضولی نین داها اوستون اولدوغونا اینانمیشدیم و من ده اونون غالب گلدیگینی دوشونوردوم. من فضولی نین:

" شفای وصل قدرین هجریله بیمار اولاندان سور ذلال ذوق
شوقون تشنه دیدار اولاندان سور

لبین سرین گلیب گفتاره مندن اؤزگه دن سورما بوپنهان نکته نی بیر واقف اسرار اولاندان سور.
گؤزی یاشلیلارین حالین نه بیلسین مردم غافل کواکب سیرینی شب تا سحر بیدار اولاندان سور"

بیتلری واله ائدیب درین فکره جومدور موشدو.

دو غرودورکی، نباتی یارایجیلیغیندا صمیمی لیک، طبیعی لیک، آشکارلیق، عشق و اویناقلیق اساس یئری توتور آمما فضولی نین یارادیجیلیغیندا محبت، پنهان کارلیق، آغیرلیق، استحکام، فلسفی لیک داها خاراکتئریکدیر.

نباتی ایله سن گؤیلره چیخیرسان، یوکسک لیک لره قالخیرسان، سمایا معراج ائدیرس، عالم بالایه دیکله-نیرسن، " چیخمیشام بیر ئیره کی گونیز خضرا گؤرونور." فضولی ایله سن درین لیکلره، کؤکلره واریرسان، اینجی کیمی درینلیکلرده گیزله نیرسن، غواص کیمی اوجقارلاردا دیبلره جومور سان، آغاج کیمی کؤتویه گوونیرسن.

منی سونسوز جذبه ایله جلب ائدن و دریا کیمی اینجیلرینه جومدوران نه ایدی؟ بونون جوابینی تاپماق اوچون همین غزلدن بوایکی بیتی تحلیل ائدیب و اونون بطنلرینی و قاتلارینی آچماغیمیز گرهکدیر.

"لب" دئدیکده نه یی بیز باشا دوشوروک. عرفان عالمینده و مجاز لار دنیاسیندا هرسؤزون اؤز معناسی و آنلاییشی وار. مادی عالم معنوی عالمی اؤزونده تام عکس ائتدیره بیلمه مه سینه گؤره و باشقا سؤزله معنوی آنلاییشلار مادی سؤزلرله ایفاده ائدیلمه سی غیر ممکون حده چتین اولدوغونا گؤره عارفلر لیریک و ستاتیک و بدیعی تصویر لر و سؤزلرله او آنلاییشلاری باشا سالماغا و بونونلا انسانی مادی عالمدن آییراراق بدیعی، متافیزیکا، احساسلار،

چوخ دئمه جمشید دن اسکندر و دارا ندور؟
«یئتدی عؤمرون آخیره سن بیر نباتی بیلمه دین،
کیمدی بو گؤزدن باخان، یا دیلده بو گویا ندور»
ماراغالی دخیل ایسه دئییر:
اؤیله مستم بیلمزم کی مئی ندور، مینا ندور؟
من کیمم، ساقی اولان کیمدور مئی صهبا ندور؟
زینبیم یاددان چیخیب بیلمم سکینم هاردادور
جلوه گاه عشقده دنیا و ما فیها ندور؟
باش وئرن من، باش کسن سن، قیل وقال ائتمک نئچون؟
بیر نفر مظلومی اؤلدورمکده بو غوغا ندور؟
ایندی یئل طوفان ائدر توز توپراغی ائیلر کفن
عاشق سرگشته یه بو خلعت دیبا ندور؟

[2] امام خمینی آداب الصلوة کتابی

دویغولار عالمینه قالدیرماغا چالیشیرلار. بورادا لب دئدیکده بیر گئنیش معنانی افاده ائتمک اوچون او آنلاییشلا بو سؤز آراسینداکی علاقه تئل لرینی مثلا تشبیه صنعتی نی تاپاراق اونو بزه ییب ظهورا گتیریرلر.

"لب عارفلرین دئییمینده بسم الله سؤزونون ب" حرفیندن عبارتدیر. اونون آلتینداکی نقطه نی ایسه عارفلر قاراخال آدلاندیریرلار.

امام خمینی حضرتلری بویورور:

" من به خال لبت ای دوست گرفتار شدم چشم بیمار ترا دیدم و بیمار شدم.

امام همین موضوع ایله علاقه دار آداب الصلوة کتابیندا بویورور: قرآن بوتولوکله بیر سوره ده جمع لشمیشدیر، او سوره ایسه حمد سوره سی دیر. حمد سوره سی بیر آیه ده یعنی" بسم الله"- دا جمع لشمیشدیر، او آیه ایسه بیرحرفده یعنی "ب" حرفینده جمع اولموشدور. و او حرف ده بیر نقطه ده خلاصه اولموشدورٰ او نقطه ایسه حضرت علی (ع) - دان عبارتدیر و دئمک بوتون قرآن او نقطه دن عبارتدیر.

باشقا بیر یوزومدا او حرف "ب" حرفی پیغمبردن و نقطه ایسه حضرت علی دن عبارت اولدوغو گؤستریلیر. نباتی ده همین معنایا اشاره ائدرک دئییر:

بسم اللهی درک ائیلمه میش حمده یوگورمه

ای زاهد گمراه

سر کرده سیز آیا گؤرونوب باغلانا سانجاق

لشگر تاپا رونق.

امام خمینی و فضولی حضرتلری نین ده خال و لب دئدیکده مقصدلری همین یوزومدان عبارتدیر.

و اونا گؤره ده فضولی دئییر: بولبین سرینی باشقاسیندان، اؤزگه لردن، نامحرملردن، و رمزلری بیلمه ینلردن سؤروشما، بوندا بیر پنهان نکته وارٰ او پنهان نکته "ب" حرفینده (لب) خال دیر و او آدام دان بولبین سرینی سوروش کیٰ او پنهان نکته یه واقف اولسون.

فضولی اؤزباجاریق و صنعتینی او بیری بیتده داها محکم گؤستریر:

گؤزی یاشلی لارین حالین نه بیلسین مردم غافل

کواکب سیرینی شب تا سحر بیدار اولاندان سور.

بوبیتین بیرینجی بطنی و ظاهری معناسی بوندان عبارتدیر کی،: گوزی باشلی اولان شخصلرین حالینی غافل مردم و جاماعات نه بیلیر؟

کواکب و اولدوز لارین سیرینی گئجه سحره جن اویاق اولان شخصدن سوروش، گئجه نی اویاق اولمایان و سحره جن یاتان آدام اولدوز لارین گئجه سیر ائتمه سینی نه بیلیر؟

بوییتین باشقا و داها درین بطنی و ایچ قاتی دار واردیر. او بوندان عبارتدیر.

گؤزو یاشلی لارین یعنی اوره گین حالینی شعورو اولمایان گؤز ببه یی نه بیلسین؟ بورادا مردم غافل یعنی غفلتده اولان، شعورو اولمایان گؤز مردمکی و گؤزون ببه یی گؤزو باشلی لارین حالینی نه بیلسین ؟ اونا گؤره کی ،کواکب لرین یعنی گؤزیاشی نین سیرینی گئجه سحره جن بیدار اولان اورک بیلر، گؤز بیلمز. یعنی آغلایان اورکدیر، گؤز دئییلدیر، اورک اونا گؤره آغلاییرکی شعورو وار، گؤزون شعورو یوخدور.

بورادا گؤزو یاشلی اورک دئمکدیر، مردم غافل، گؤزون ببه یی دیر، کواکب ایسه گؤزیاشلاری دئمک دیر. نئجه کی قافقازین بؤیوک قصیده شاعری خاقانی دئییر:

(ریزم ز مژه کوکب بی ماه رخت شبها

تاریک شبی دارم با این همه کوکبها)

بودور فضولی نیز قرآن سایاقلی شعر دؤزومو، بودور فضولی نین درین لیکلری، قیمتلی خزینه لری.

بورادا مقصد یمیز ایکی شاعیری بیر ـ بیری ایله توتوشدورماق، هانسی نی اوستون اولماسینی بللندیرمک دئییل. اصلنیده شاعرلر باشقا ـ باشقا میدانلاردا اؤز خیال آتلارینی چاپدیر میشلار. اوناگؤره ده اونلاری قارشی ـ قارشییا قویماق اولماز. عکسینه مقصد یمیز اونلاری مقایسه لی شکلیده اؤیرنمک دیر. مقایسه لی شکیلده صنعت و هنرلرینی بیان ائتمکدیر. عارفلرین هربیری اؤز ادبی، عرفانی، بدیعی و دئییم خاراکتئرلرینه گؤره بیر ـ بیرلریندن فرقلندیکلری حالدا عینی مقصد، عینی مفهوم و آنلاییشی اوزه چکمکده دیرلر. اونا گؤره ده هر بیری نین مخصوص دادی، لذتی، رنگی وار.

نباتینی اوخویاندا آدام قاناد آچیر اوچماغا، روح تاپیر پرواز لانماغا، قدرت تاپیر خیالینی سه ییرتمگه، الهامینی جوشدور ماغا. فضولینی اوخویاندا محبتله دولورسان، معنا و مفهوملارین دولغونلوغو ایله آغیرلاشیرسان، آغیر ـ آغیر ـ بیرغالانیرسان، سینماز ـ سارسیلماز قالایا دؤنورسن. روحون دنیادان اوجا عالمدن گئنیش اولور. دنیائین، کائناتین گؤتوره بیلمه دیگی غمی، مسئولیتی، وظیفه نی گؤتوره بیلیرسن.

دیل و بدیعیات اعتباری ایله نباتینی اوخویاندا دئییرسن کی: هه بوندان اوستون شاعیر یوخدور، فضولینی اوخویورسان، گؤرورسن کی، فضولی داها اوستوندور، قاییدیرسان نباتی یه ،حیران قالیرسان، هانسینا اوستوتلوک وئره سن.

دوغرودان دا فضولینی هرهانسی نقطه نظردن تحلیل ائتسن، اونون داهی لیگینی و یوکسک شخصیت اولدوغونو گؤرورسن.

نییه بئله دیر؟

اصلینده ده بئله اولمالی دیر. آخی فضولی حکمت، کلام و فلسفه عالیمی دیر. او بیرینجی دفعه اولاراق شیعه کلامینی درسلیک فورماسیندا" مطلع الاعتقاد الی المبدا و المعاد "ـ کتابینی یازمیشدیر.

فضولی مرثیه شاعیریدیر. بیرینجی دونه اولاراق آذربایجان مقتلینی – حدیقه السعدا یازمیشدیر و بو اونون شاه اثری دیر.

او عرب، فارس و تورک دیل لرینده اوچ مدنیت له اوچ دیوان یاراتمیشدیر.

آمما بونلارلا برابر فضولی نین تورک دیوانیندا کی غزل و قصیده لرینده اولان هنر، باجاریق، علم، فلسفه، منطق باشقا بیرشئی دیر. بوباخیمدان دئمک اولارکی، فضولی جامع بیرشاعردیر.

و اونون شعر لرینده اولان بو استحکام، آغیرلیق، ثبات، نظام ـ انتظام، قورولوش معجزه سی ده اونون بوعلمی، معنوی مقامیندان ایره لی گلیر ـ آشاغیداکی بیتلری گؤز اونوندن کئچیرمگه ده یر:

زهی ذاتین نهان و اول نهاندان ماسوا پیدا

بحار صنعونه امواج پیدا قعر ناپیدا

دمادم عکس آلور مرآت عالم قهر و لطفوندن

اونونچون گه کدورت ظاهر ائیلر گه صفا پیدا

گهی توپراغه ائیلر حکمتین مین مهلقا پنهان

گهی صنعون قیلور توپراقدن مین مهلقا پیدا

نشان شفقتوندور کیم اولور اظهار حمدینچون

فضولی تیره طبعیندن کلام جانفزا پیدا



اونودولماز ایللرین ده ، اونودولماز حادیثه لری ،اونودولمازگونلری اولورموش . هئچ ده بئله بلیمزدیم کی ، اؤتن گونلردن اوزاقلاشدیقجا ، اوگونلره آنجاق گؤزیاشی تؤکه بیلرسن ،او کونلرین سئوینجینه ده ، کدرینه ده یالنیز آغلایا بیلرسن. دونیاسینی دگیشدیکده، سندن و میلیون – میلیون اینساندان آیریلان بیر دوستون ، بیر تانیشین، بئله، قوش اولوب گئتدیی بیر سیزی گؤینرتی کیمی همیشه دامارلاریندا دولان - بادولان گزیشمه ده، سیزی بیر حسرت کیمی .....

اونودولماز دوستلاریمین بیری اولموش و هئچ واخت اوزونو یاخیندان گؤره بیلمه دیگیم ، آنجاق اؤلکه دن اؤلکه یه مکتوبلاشدیغیم و بعضن تئلفونلا قونوشا بیلدیگیم، اون یئتدی ایل اؤنجه دونیاسینی دگیشن " حسین عاریف "دیر.

بوتون ادبیات عالیملری نین دئدیکلرینه گؤره، او ، تپه دن دیرناعا بیر شاعیرایدی. یارادیجیلیق ایللرینده اونا آذربایجانین دیری" صمد وورغون"و دئیه ن عالیملر ، حسین عاریف ین سئحیرلی صنعت دونیاسینی آراشدیردیقجا، اونو تایسیز شاعیرلریمیزدن بیلمیش لر. اؤتن اون ایللیکلرده حسین عاریف له آرامیزدا اولان ادبی علاقه لری ائشیدیب – بیلن تانیشلار، بو خوصوصدا اولان خاطیره لریمی یازیب درج ائتمه ییمی همیشه مندن ایسته ییردیلر.

ژورنالین بو سایییندان، حسین عاریف له اوزاقدان اوزاغا شعرله دئییشمه لریمیزی ، بیر بیریمیزه حصر ائتییمیز قوشمالاری، گرایلالای ،پوئیمالاری و بعضن تئلفونلا دانیشیقلاریمیزی اولدوغو کیمی یازیلی ادبیات فوندوموزو ایزله ینلره سونورام .

بیرداها قئید ائتمک ایستردیم کی ، اؤتن ایللرده ایلک دؤنه چاپدان بوراخیلان و ایلکین شعیرکیتابیم کیمی سایییلان " قوشمالار " آدلی شعر لرکیتابیمی دا، حاقلی اولاراق اونودولماز دوستوم حسین عاریف ین عزیز خاطره سینه سونموش و"حسین عارف "ه یازدیعیم شعرلرین بعضی لرینی اورادا درج ائتمیشم.

رحمتلیک حسین عارف ایسه، منه یازدیغی شعیرلرینی سون اثری اولان " دونیا فیکیر دونیاسی دیر"آدلی شعر کیتابیندا چاپ ائتدیرمیشدی(۱۹۹۲ باکی/ ص ۳۴و۲۳۰).ائله جه ده، بعضن ده ، او تای- بو تای درگیلری نین شعیرصحیفه لرینده درج ائدیلمیشدیر. ایندیسه اوخویاجاغینیز بو سئریال مقاله نی ده ، حسین عارف" ین ۸۵ – ایللینده، اونون عزیزخاطیره سینه حصر ائدیرام.



۱۳۵۹ –جی ایلین شهریور آیی ندا تبریزده یاییناانان ددقورقود ژورنالینین ۲ جی سایییندا چاپ اولان شعرلریمی، کیمینسه وسیله سی ایله الده ائدیب، اوخویان حسین عاریف ، او گونلرده باکیدا اولان بیر آذربایجانلی ادیب دن، منه بیر کیتاب گؤندرمیشدی . او ددقورفود ژورنالیندا آنجاق گنجلیک ایللریمین دویغولارینی اینعیکاس ائتدیرن شعریمی اوخویوب ، سؤز گئدن عالیمیمیزه- بو شعرین شاعیرینی گؤرموسونوزمو دئیه ، سوروشور.

تبریزلی عالیم ایسه : او ۲۰ یاشیندا بیرگنج دیر دئیه، جواب وئریر.

حسین عارف او ادیب عالیمدن منه بیرشعر کیتابینی گؤندریر. کیتاب تبریزده الیمه چاتدی. اولدوقجا سئویندیم . کیتاب الیمه چاتان گئجه بیر چوخ شعرلرینی اوخویوب کؤورلدیم و همن گئجه حسین عاریفه بیر شعر حصر ائتدیم.

" حسین قارداش گلیب چاتدی کیتابین
پاسلی زینجیر پارچالامیش تبریزه
فلک ییخا آیریلیغین ائوینی

ساوالاندا بیر اوتوراق گؤز- گؤزه"
باشلیقلی پارچایلا یازیلان شعری یازیب بیر آی سونرا کیتاب آل- وئری اوچون باکییه قاییداسی اولان او وطنداشا چاتدیردیم . بیر آی سونرا ،حسین عارف ین منیم قوشماما یازدیغی جاوابیینی باکی رادیو وئرلیشیندن ائشیتدیم. حسین عارف ، منه بئله بیر شعر حصر ائتمیشدی:

قاراداغین فراغینا دوشموشم
ماراغانین ماراغینا دوشموشم
یئنه آراز قیراغینا دوشموشم
ال اوزاتدیم ، قول گؤدکدی ائل اوغلو

تاماشادیر سئللر سولار داشاندا
داشلار گلیب قایالاردان آشاندا
آخشام صاباح ساوالانین باشیندا
چاخان شیمشک نه شیمشکدی ائل اوغلو

ائله دانیش ائله دولان ائله یان
کرم کیمی ائله آلیش ائله یان
گؤرن دئسین نه دئمکدی ائل اوغلو

گئییب بایرام لیباسینی بو یئرلر،
تاماشادی قیزیل باکی گؤی خزر
"شهریار"لا قوناق گلین بیر سحر
قدمینیز موبارکدی ائل اوغلو

داها نئیلر قارا بیزه ، آغ بیزه
اینصاف دییل حصرت قالا، گؤز- گؤزه
بالالارین توی گونونده تبریزه
" عاریف" دوستون گله جکدی ائل اوغلو

بو احساسلسی قوشما حسین عاریفین منه ایلکین پوئتیک موراجعتی ایدی. بیر چوخ بوتایلی هوسکار دوستلار شعری لئنته یازیب، ال به ال دولاندیریردیلار. من ده، شعری ائشیتدیگیم گون چوخ سئویندیم و اؤز دویغولاریمی آشاغیداکی میصرع لره بوکوب ، بیر داها آذربایجان اوره کلی شاعیره چاتدیردیم.

یوللارینا گول سپه‌رەم گل باشینا دولاندیغیم
گل‌کی، اوزوندن اوپه‌رەم گل باشینا دولاندیغیم
ائللر تانیر سیرداشیمی منیم هیجران آتشیمی
گل منیم‌ده گؤزیاشیمی سیل باشینا ولاندیغیم
قانادلاندیم اؤتوشمگه قارداشیملاؤپوشمگه
گؤده‌گ اولدو گؤروشمگه قول باشینادولاندیغیم
غم باغریمی بیچه ـ بیچه گؤزیاشیمی ایچه ـ ایچه
دؤزمه‌لی‌یم نئچه ـ نئچه ایل باشینادولاندیغیم

قاقیه سینی کلاسیک آشیق ادبییاتیمیزدان گؤتوردویوم بو شعر، او زامان، او تایدا یاییلان بیر جوخ مطبوعات اورگانلاریندا و بوتایدا ایسه شعر اوجاقلاریندا اؤز کؤیرک تاثیرینی اوزون سوره ده گؤسترە بیلدی.(بو شعره اوخشار یازان شاعیر لریمیز ده اولدو اونودولماز دوستلاریمدان اولان شاعیر قافلانتی نین شعری داها دا گؤزل ایدی.) ماراقلی ایدی کی ، حسین عارف " باشینا دولاندیغیم " ردیفلی بو شعیره داها دا گؤره ک دویغولارلا پوئتیک بیر جاواب قایتاردی

داستانینی واراقلادیم،
بیل، باشینا دولاندیغیم.
نه دوغمادیر، نه شیریندی،
دیل، باشینا دولاندیغیم.
قوربانینی سالدیم یادا،
ددە قاسیم دوشدو اودا ،
ایکیلشدی بیر دونیادا ،
یول، باشینا دولاندیغیم
نه توفاندی یازیمداکی،
عشقیمده کی، آرزیمداکی،
تبریز! دئییر سازیمداکی،
تئل، باشینا دولاندیغیم.
ساوالانی چیسگین آلیب .
دلی قوشقار فیکره دالیب،
بیر – بیرینه حسرت قالیب،
ائل، باشینا دولاندیغیم.
دؤیوش حاقدی ،حاقی دوشون،
دؤنمز اوزو حاق دؤیوشون،
اؤلنده ده وطن اوچون،
اؤل، باشینا دولاندیغیم.

دئیه بیلرم کی، او بؤیوک شاعیر، منیم کیمی او گونلرین بیر بیر چیلغین گنجینی بو کیمی احساسلی میصرعلریله نه گونه قویدوغونو، آنجاق، بو گونه قالانلار بیله بیلرلر . اونون جاواب اولاراق یازدیغی بو دولغون و شاقراق بندلری منی داهادا یازماغا چاغیریردی آشیقلاریمیز و سازلاریمیز داهادا سوسقون گونلرینی یاشاییردی. بو شعر یازیلان گونلر. اوستادین ،تبریز دئییر سازیمداکی تئل باشینا دولاندیغیم میصرعسینی اوخویاندا ، اؤته سی هفته یاندیریلان کیتابلارین گونونه قالان بیر ساز ماجراسی گؤزومون اؤنونده بیر داها جیلوه لندی. و آشاغیداکی

ساز،
اوره‌کدن آسیلی‌دیر.
اوره‌ک سازدان.
منیم اوزان بابالاریم
سارایلاردا، یئمه‌دیلرچؤره‌ک سازدان
سازو، قورقودون اوره‌کلره آتش آچان
دویغولارا ایشیق ساچان
مرمی‌لردن گوجلو سسی،سوسماز دیلی
سازین‌سیزی‌جان‌نغمه‌سی
ساز، ماهنی‌لار اؤلکه‌سی‌نین‌یاراشیغی، خزینه‌سی
ساز، «بستی»، نین
کوللار اوسته قیزیللانمیش بیرچگی‌دیر
اوره‌گی‌دیر
ساز، «بستی» نین آغ‌لچگی
قیزیل تئلی
سازگونشین‌رایحه‌سی
دویغولارین‌اینجه سسی
ساز، قورقودون سوسماز دیلی
ساز، «کرم» ین اوره‌گینده یانار کؤزو
ساز، «پری» نین اینجه بئللی
سرو بویلو
گوموش تئللی
شیرین دیللی
ماهنی قیزی،
باخت اولدوزو
ساز، یانیقلی
ساز نسیگیللی
ساز، «دیلقم» ین،
ساز، «قریب» ین
عصیرلردن ـ عصیرلره
کسیلمه‌یه‌ن اینیلتیسی،
اوره‌ک سیزی
سرو بویلو «شاه‌صنم» ین
ماهنی قیزی، باخت اولدوزو
تئللی‌سازی قورقود بابا
مجلیسلرده، مغرور ـ مغرور، چالا ـ چالا
اؤز چینیندن آسلیارمش
تئللی‌سازی عاشیق «جنون»
ظفرچالان بیر اوغول‌تک

اؤپوب، اؤپوب
اؤز باغرینا باساریکن‌چاغلایارمیش
اوزانلارین قیزیل‌سازی،توی دوگونده
قیزیللانمیش هئیکلینه
آل‌گونشین زرتئلیله ایلمه‌لنمیش
مخمر یه‌لین گئیریش
دؤیوش واختی، عاشیقلارین‌تئللی سازی
قلینج اولدو،قالخان اولدو
سسه‌گلدی اوردو ـ اوردو
أر عاشیغین قیزیل‌سازی
هوجوملاردا، دؤیوشلرده
زیره‌لردن گئیدی کونیک
ساز شیغیدی دؤیوشلرده،اؤن سیرادا
یارالارین آجیسینی دادا ـ دادا
ساز شیغیدی،اؤن سیرادا بیر اوغول تک
ساز اؤزوده،دؤیوشلرده یاراق اولدو
اوره‌کلرده چیراق‌اولدو
دؤیوشلرده سازدا گره‌ک
تئللی‌سازین آیاغینا
دویونلرده توکولرمیش
خزانه‌لر اتک ـ اتک
ساز گولرمیش،
ساز گولرمیش
آغلاماقدا،
آغلایارمیش اوره‌ک ـ اوره‌ک
ساز، «دیلقم» ین آلاولانان اوره‌گی‌سه
کوراوغلونون، قنیملره قان آغلادان
قیلیج کیمی گره‌گی‌سه
علعسگرین بیرقرینه
آییق قالان ببگی‌دیر،
اوره‌گی دیر
ساز، «گویچه» نین دوواقلاری
چیچکلرله ایلمه‌لنمیش گلینی‌دیر
ساز، «آلی» نین امگی دیر
ساز دیننده،
اوره‌کلرده ماهنی گولر
الهام جوشار،
دالغالانار پرده ـ پرده
آشار، داشار
خان «آراز»دا، ده‌لی «کور»ده
ساز دیننده،قوچاقلارین أللرینده

دؤنوب قالان پاسلی قیلینج
اوره کله‌نر، اوره‌کله‌نر
اینام دوغار قیلنج‌لارین کسرینده
هجوم چکسه کؤنوللره قارانلیقلار
سازین‌قیزیل ساچاغیندان
قارانلیقلار اوردوسونا اوچوب‌گئده‌ر،
کلمه‌لردن آلولانمیش قیغیلجیم‌لار
قارانلیغی یاندیرارلار
رز ساچاقدان اوچوشانلار
میضرابلارین‌قانادیندا یاتیشانلار
ساز، اودلارا قالاقلاندی،
أریمه‌دی
مضرا بلارلا قامچی‌لاندی کیریمه‌دی
بلکه‌ده ساز تورپاقلارا کوک سالاندا
بیر آغاجین گؤوده‌سینده
عینی دؤزوم هئیکلی‌ایدی
ساز آسیلدی ایگید کیمی
دیزی ـ دیزی یئریمه‌دی
آنجاق، سازین آسلاناغی
عاشیقلارین اگیلمه‌ین قامتی‌دیر
ساز اوره‌کدن آسیلی‌دیر
اوره‌ک سازدان
ساز آسیلدی غملی ـ غملی
مین اوره گین نغمه آخان تئللر ایله
نئچه ـ نئچه اوره‌ک تئلی
مئیدانلاردا اؤلدو کندیر
عاشیقلارین
اراده‌سی پولاددادیر، ده‌میردندیر
او مئیداندا اوغول کیمی
آددیمینی قویماز گئری
ساز اوره‌کدن آسیلی‌دیر
اوره‌ک سازدان
ساز ازیلدی چیلیک ـ چیلیک
اوره‌کلرده قالدی یئری
ساز ازیلدی چیلیک ـ چیلیک
هرتاختاسی بیرساز اولدو
تاپان باسدی سینه سینه
اوبا ـ اوبا، اویماق ـ اویماق
یاشا منیم سازیم، دئدی.
قوچ آنالار
نئجه دؤیوش مئیدانیندا،

دؤنه ـ دؤنه
ساچاقلاری قانا باتمیش
قیزیل سازا
سازیم دئدی،قیزیم دئدی
گؤزوم، دئدی
نازیم، دئدی،
ساز نئیله‌دی؟
ساز نئیله‌دی؟
آنجاق سازین‌کؤکدن دوشمز ساچاقلاری
آخدی سازین تئللرینده
مللتیمین ایلک عصیانی
ایلک هارایی
داغ نفسلی عاشیقلارین
بارماقلارا سیغیشمایان میضرابلاری
ایلمه‌له‌دی ـ
نئچه دؤیوش چوخاسینی
زامان ـ زامان، پرده ـ پرده
شوش داغلارین قلینجلانمیش هئیکلینه
أر اوزانین
قیزیل‌سازی دیللەننده
پولادلاری یونتالایان ایراده‌لر
بوز داشلارین
قینتاسینی ایتیلده‌رلر
قوش قونمایان زیروه‌لرده
قانلی- قانلی دؤیوشلرده
سازین قیزیل تئللرینه داراق چکن
ساده‌جه بیرمیضراب دئیل
بلکه، اینام قایناغیندا
سواریلمیش بیرقلینج‌دیر
بیرقلینج‌کی،
حقیقتین گئری دؤنمز کسریندن یونولوبدور
بیر قلینج‌کی، نئجه‌گونش جیغیریندان
اوزه‌رینه جان سورولور
اویناغیندا جان دورولور
ساز گونش دیر
ساز گونش دیر.....

خاطره ای از درس املاء صمد بهرنگی



عزت اله دلالی ممقانی

در تدریس کتاب فارسی برخلاف معمول به کتاب فارسی اکتفا نمیکرد.املا را مانند درسهای دیگرتدریس میکرد.وی معتقد بود املا را در قالب دروس دیگر نیز باید آموخت.بریده های روزنامه را بین دانش آموزان پخش میکرد و فرصت می داد تا همه بخوانند،به معنی جملات دقّت کنند و سپس از مطالب روزنامه املا می گفت.توصیه میکرد در نقطه گذاری و علائم دستوری بیشتر دقّت کنند.بطور مثال در مورد علامت «ویرگول» می گفت:هر جا ضمن خواندن یک متن نیاز به نفس کشیدن بود علامت ویرگول بگذارید و این ساده ترین و بهترین روش برای گذاشتن علامت ویرگول در نوشته بود و ضمن تدریس املا به علائم نقطه گذاری اشاره میکرد.متن املا بیشتر از نوشته های خودش یا مطالبی بود که خود آماده میکرد و هرگاه میخواست مطلب جدیدی بیاموزد در قالب املای فارسی می گفت و هرگاه به کلمه ی نامأنوسی برمیخورد در تخته سیاه می نوشت.آنچه در زیر می آید متن املایی است که در کلاس هفتم در قالب املا گفته شده و من این نوشته را از دفتر املای دوران محصّلی ام نوشته ام.

گفتاری درباره شعر نو ایران

شعر نو چیست؟بهتر است ابتدا ببینیم شعر چیست:شعر بیان خیال انگیز طبیعت و اجتماع انسانی است بوسیله کلام.شعر رابطه مرموزی است میان اشیای طبیعت که به ظاهر رابطه ای ندارند.وزن و قافیه همچون لباسی است برتن این دختر خیال نه بیش.یعنی «به علی گفت مادرش روزی که بترس و کنار حوض مرو» کلامی است دارای وزن و قافیه،امّا شعر نیست چون در مخیّله ی کسی تأثیری به جای نم گذارد.امّا حتّی دیده اید که داستانهای زیبا را گاهی با عنوان شعر منثور می ستایند،چرا که آن چهره لطیف و سحرآمیز شعری در آنها هست مانند «بوف کور» صادق هدایت.

بحث درباره کلامی است که جوهره ی شعری دارد و بسا اوقات دارای وزن و قافیه است.شعر پدیده ای انسانی و طبیعی است و مانند هر پدیده ی دیگر دستخوش تغییرات است.چون شعر از زندگی بوجود آمده،همپای زندگی نیز به راه می افتد و تغییر می کند و بسوی تکامل می رود.

پیش از انقلاب مشروطیّت شعر عبارت بود از تکرار یک عده وصفهای بسیار ساده که شاعران قرن پنجم تا هشتم هجری ابداع کرده بودند مانند ابروی کمانی – خنجر مژگان – قدّ سرو و از این دست.این تشبیهات که در شعر کسانی مانند حافظ و نظامی زیبا می نماید با همه زیبایی در اثر استعمال زیاد فرسوده و بیفایده شده بودند.به قول «پل والری» شاعر فرانسوی آنکه اوّلین بار صورت معشوقه را به گل تشبیه کرد،شاعر بود ولی همه ی آنهایی که این تشبیه را دوباره به کار بردند،ابلهانی بیش نبودند.

موضوع شعر در نظر آنها یا پندیات بود و یک مشت نصیحت های خشک و بیمزه یا غزلیّات با همان تشبیهات فرسوده.حتّی بازگشت ادبی شعرای دوره قاجار گره از کار فروبسته شان نگشود.چراکه بازگشت بود نه پیشرفت.شنا در جهت عکس جریان سیل تند گذر زمان بود.در نهضت مشروطه برای نخستین بار شعر از کاخهای اشرافی بیرون آمد و به میان مردم رفت یا به عبارت دیگرمردم کوچه و بازار وارد شعر شدند و این اوّلین گام بود به سوی پیشرفت.چه،می بایست زنجیر اشرافیّت را از دست و پای شعر گسست.مضمون اشعار این دوره به تناسب اوضاع،هجو آدمهای پلید و ریاکار و ترغیب مردم به کوشش و مبارزه بود.سیل مشروطه که فروکش کرد،شعر را می بایست از گل و لای آنهمه مطلب جستجو کرد.از همین زمان است که آدمی به اسم «علی اسفندیاری» به سرودن شعرهایش می پردازد.این آدم بعدها نام «نیما یوشیج» را به خود گرفت.(نیما نام پهلوان مازندرانی و یوشیج یعنی اهل یوش،دهی از مازندران).

«افسانه» اوّلین شعر بلند نیما در سال ۱۳۰۱ منتشر شد و چنان غوغایی به راه انداخت که در ادبیّات ایران سابقه ای نداشت.بسیاری از ادبای استخواندار به تکفیرش پرداختند و شعرش را بی ارزش خواندند.امّا کسانی هم بودند که قدرش را شناختند و ارج نهادند.شعر افسانه یک شعر غنایی است.به قول محمّدضیاء هشترودی غزلی است نو.در این شعر جوان عاشقی با افسانه رازو نیاز می کند:

ای فسانه،فسانه،فسانه !
ای خدنگ تورا من نشانه!
ای علاج دل!ای داروی درد
همره گریه های شبانه!
با من سوخته در چه کاری؟
* * *
دربر گوسفندان شبی تار
بودم افتاده من زردو بیمار
تو نبودی مگر آن هیولا
آن سیاه مهیب شرربار
که کشیدم ز بیم تو فریاد

در شعر افسانه لطافت کوهسارهای مازندران،نغمه ی خواب آور آب،خنده ی خیال انگیز ماهتاب مثل چیزی قابل لمس احساس میشود:

عشقا خیز کآمد بهاران
چشمه کوچک از کوه جوشید
گل به صحرا درآمد چو آتش
رود تیره چو توفان خروشید
دشت از گل شد هفت رنگه

افسانه به رغم مخالفان پیرو پاتالش ماند و بالید.چرا که موجود طبیعی بود و می بایست رشد کند.امّا این آغاز راه بود.به گفته ی احمد شاملو:نیما با افسانه گوشهایی را که به وزنهای سنگین افاعیل (وزنهای قدیم شعری) عادت کرده بودند،به راه می آورد آنگاه نوبت شعرهایی بود که وزن و قافیه در آنها به حساب دیگری مراعات میشد.نیما میخواست به شعرهارمونی و وزن طبیعی ببخشد.مثلاً قطعه شعر «مهتاب»

امروز شعر از نظر شکل و محتوی و مضمون دگرگون شده است،زیرا به گفته ی احمد شاملو:موضوع شعر امروز موضوع دیگری است.

امروز شعر حربه خلق است
زیرا که شاعران
خود شاخه ای از جنگل خلقند
نه یاسمین و سنبل گلخانه ی فلان.
بیگانه نیست شاعر امروز
با دردهای مشترک خلق
او با لبان مردم لبخند میزند
دردو امید مردم را
با استخوان خویش
پیوند میزند.

درحالیکه شاعران گذشته به زلف معشوقه و کمان ابروی او بسنده میکردند:

موضوع شعر شاعر پیشین
زندگی نبود
در آسمان خشک خیالش او
جز با شراب و یار نمیکرد گفتگو.

از نظر شعر نیز لازم نیست با سانتیمتر مصراع اوّل و دوم را اندازه گرفت و اگر یکی درازتر آمد برید و اگر کوتاه بود با کلمات زایدی لایش را پر کرد.باید حرفی داشته باشی که از دلت برآمده باشد تا بتوانی شعری بسرایی وگرنه با شیر و پنیر زیر هم نوشتن و برای هر کدام کلماتی جور کردن دیگر امروز شعر خوانده نمیشود.

روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۵

باش ساغلیغی

کلاسیک ادبیات تاریخیمیز اوزره ،آذربایجانیمیزین قوجامان بیلیجیلریندن اولان ، بیرچوخ کلاسیک شاعیرلریمیزین آنتولوگییالارینی و اونلارین پوئتیک نمونه لرینی توپلایان اوستاد عزیز دولت آبادی اؤتن آی تبریزده وفات ائتدی. بو آغیر ایتگینی ادبییات عالمینه و اونون عایئله سینه و او رحمتلیگین قارداشی حؤرمتلی قارداشی جناب بهروز دولت آبادی حضرتلرینه باش ساغلیغی دئییریک.

اردبیل شهرینده آنادان اولوب تهراندا یاشایان نهنگ ترجومه چی و قدرتلی یازار رضا سید حسینی اؤتن آی دونیاسینی دگیشدی. بو آغیر ایتگینی هنر و ادبیات هوسکارلارینا و او رحمتلیگین پرستشکارلارینا باش ساغلیغی دئییریک.

اوزاق ایللردن بری شعر و فولکلوروموزون اوغروندا اؤز چالیشقانلیغینی گؤسترن وآنادیلیمیزده نشر اولان درگی لرده عامیانا شعرلری له تانینان شاعیر حسین توفارقانلی خرداد ایی نین اوللرینده دونیاسینی دگیشدی بو واختسیز ایتگینی ادبیات سئورلره تسلیت دئییریک .



پروفئسور حسینبالا میر علم اوو

گؤروشو سؤیله

(چینگیز تئرئک اوویچ آیتماتوولا مصاحیبه)



روحونو گؤزلرینده گؤردویوم صنعتکار

«هر کسین اؤز دیلی قارشیسیندا بیر اؤولادلیق بورجو وار ... » (. چ.آیتماتوو)

چینگیز تئرئک اوویچ آیتماتوو ... موعاصیر دونیا ادبیاتی نین ان گؤرکملی کاریفئیلریندن بیری. ساغلیغیندا افسانلشن داهی. ..

هله تقریبن ۴۰ ایل بوندان اول چینگیز آیتماتووون ایلک قلم تجروبه لرینی اوخویان مشهور فرانسیز شاعیری لوی آراقون یازیدی: «جمیله»، هئچ شوبهه سیز کی، ۲۰-جی عصرین ان بؤیوک محبت داستانی دیر. **دنییارین** سئوگیسی قارشیسیندا سحرلنمه مک مومکون دئییلدیر. اثری اوخویوب قورتاراندان سونرا لئیلی و مجنون حاقیندا پوئما یازماق هوسینه دوشدوم و حیسس ائتدیم کی، شرقین قودرتلی صنعتکارلارینین تئز-تئز موراجیعت ائتدیکلری بو ازهلی و ابدی مووضوعو جذب ائدیجی اولدوغو قدر ده چتیندیر...».

او واخت لوی آراقون کیمی قودرتلی صنعتکارین ادبیاتدا ایلک آددیملارینی آتان گنج بیر یازیچی حاقیندا سؤیله دیگی بو یوکسک فیکیرلر قربلی بیر شاعیرین ائکزوتیک شرقه وورغونلوغو کیمی باشا دوشولدو و مذاکره مووضوعوسونا چئوریلمه‌دی، آما بونا باخمایاراق، تاثیرسیز ده قالمادی، ایستر-ایسته‌مز، ادبیات سئورلرین قلبینده ماراق اویاتدی و یادداشلارا هوپدو...

آرادان ایللر کئچدی: «آنا تارلا»، «الویداع، گول ساری»، «دنیز کناری ایله قاچان آلاباش»، «آغ گمی» پووئستلری، «گون وار عصره برابر» رومانی یاراندی و چینگیز آیتماتوو دونیانین ان آزمان سؤز اوستالاریندان بیرینه چئوریلدی.

سهو ائتمیرمسه، ۱۸۸۹-جو ایلده قرب اؤلکه‌لرینده کئچیریلن بیر سورغو نتیجه‌سینده معلوم اولدو کی، آوروپادا «بیبلییا»دان سونرا ان چوخ اوخونان محض چینگیز آیتماتووون اثرلریدیر. ماراقلیدیر کی، بو ادبی فاکت دا واختیله لوی آراقونون سؤیله‌دیگی فیکیر کیمی سوسقونلوقلا قارشیلاندی. آما بو دفعه‌سبب تامامیله باشقا ایدی: ادبی ائجتماعیت چینگیز آیتماتوو حاقیندا بو قناعته چوخدان، لاپ چوخدان گلمیشدی...

***

اعتیراف ائدیم کی، من چینگیز آیتماتووو همیشه افسانه‌لرده کی قهرمانلار کیمی تصوور ائتمیشم: الچاتماز، اون یئتمز و قودرتلی!

ائله بیلمیشم کی، او، یئر اوزونده کی بوتون قیرغیزلارین آتاسی، آغساققالی و خیلاصکاریدیر. بلکه ائله بونا گؤره ده، سووئت ایمپئرییاسی داغیلاندا، ایستر-ایسته‌مز، دوشوندوم کی، بو داهی صنعتکار قلمی یئره قویاجاق، خالقینی کابوسدان قوروماق اوچون موباریزه مئیدانینا آتیلاجاق - سیاسی لیدئره چئوریله‌جک. لاکین بئله اولمادی- «ادبیات ایمپئرییاسی»نین سولطانی قلمینه صادیق قالدی و باشا دوشدوم کی، منیم او

بلی، چینگیز آیتماتوو اؤز یولوندان دؤنمه‌دی. اونون اوچون یارادیجیلیق حیاتدا باش وئرن حادیثه‌لرین هامیسیندان یوخاریدا، ائله بیر اوجالیقدا ایدی کی، اوندان آشاغیدایئر کوره‌سی آدلانان پلانئتین اوستونده اینسان دالغالاری چارپیشیردی، بیر-بیری‌نین کسینه، بیر-بیری‌نین ضیدینه گئدن کوتله‌لر سئلی توققوشوردو، آنجاق بو چارپیشمالارین، بو توققوشمالارین هئچ بیری چینگیز آیتماتوو یوکسکلیگینه قالخا بیلمیردی.

اونون میسسییاسی باشقادیر. او، اینسانلارین گله‌جگینی دوشونور و بو گله جگین دوغرو، دوروست ایستیقامتینی اؤزونون سؤز آدلی سلطنتینده سِحرلی-افسونلو بیر شکیلده گؤسترمه‌یه چالیشیر...

***

عاغلیما دا گلمزدی کی، من نه واختسا چینگیز آیتماتوولا اوزبه وز أیلشه‌جم. اونونلا یاخین موصاحیب، صمیمی دوست اولاجاغام. هر شئی - تواضعؤکارلیقدان اوزاق اولسا دا دئییم - «خجالت» پووئستیمدن باشلادی. بو اثریم بیر ایل بوندان اول بیر قدر ایشلنمیش یئنی واریانتدا «پوکایانیی» آدی ایله روس دیلینده نشر اولونوب. کیتابین بیر نوسخه‌سینی اصلا باکیلی اولان، حاضیردا آلمانییادا یاشایان دوستوم داوید کوستیوکووسکی قیرغیزیستانین بئلچیکاداکی سفیری، موعاصیر دونیا ادبیاتی نین جانلی کلاسسیکی چینگیز تئرئکولوویچه چاتدیریب. بوندان بیر نئچه گون سونرا ایش اوتاغیمدا تئلئفون زنگ چالدی. دستگی گؤتوردوم. چینگیز آیتماتوو ایدی!

بلی، اثرلرینی سئو-سئو اوخودوغوم، یارادیجیلیغینا و شخصیتینه حؤرمت ائتدیگیم، نه گیزله‌دیم، اولده ده قئید ائتدیگیم کیمی، افسانه‌لرده کی‌قهرمانلارتک الچاتماز و اون یئتمز سایدیغیم چینگیز آیتماتوو بیردن-بیره، قفیلدن، گؤزلمه‌دیگیم حالدا منه زنگ ائتمیشدی. دوغروسو، برک هیجانلاندیم. اونون تئلئویزییا ایله چیخیشینی بیر نئچه دفعه‌دینله‌میشدیم. سسی یادداشیما حک اولونموشدو. بلی، بو، همین دوغما، مونیس سس ایدی!

چینگیز آیتماتوو «خجالت» پووئستیمی اوخودوغونو، قاراباغ مووضوعوسونون بئله رئال جیزگیلرله بو تئزلیکده ادبیاتا گتیریلمه‌سی‌نین یاخشی حال اولدوغونو دئدی. سونرا او، یارادیجیلیق پلانلاریملا ماراقلاندی. داها هانسی مووضوعولاردا اثرلر یازدیغیمی سوروشدو.

ایندی دقیق خاطیرلایا بیلمیرم: همین هیجانلی آنلاردا اونا نه کیمی جاوابلار وئرمیشم. صؤحبتیمیزین سونوندا دئدی کی، نه واخت بئلچیکایا یولون دوشسه، موطلق گؤروشک. بو تکلیفی ائشیدنده، دوزو، چوخ سئویندیم. سونرالار بیز تئلئفونلا بیر نئچه دفعه‌ده دانیشدیق. اؤزو ده، اساسن، او، زنگ ائدیردی.

***

خوشبختلیکدن ۲۰۰۵-جی ایلین یانوار آیی‌نین آخیرلاریندا ایش ائله گتیردی کی، بئلچیکایا ایشگوذار سفریم اولدو.

آئروپورتدا منی آلمانییادان گلمیش دوستوم داوید کوستیوکووسکی قارشیلادی. هوتئلده یئرلشدیک. اشیالاریمیزی بیر قدر قایدایا سالان دان سونرا چینگیز تئرئک اولوویچه زنگ ووردوم. بروسسئلده اولدوغومو بیلنده چوخ سئویندی:

- آها، چوخ یاخشی، ایندی گؤروشه بیلریک، - دئدی.

تئلئفونلا خئیلی دانیشدیق. باکیداکی وضعیتی، آب-هاوانی سوروشدو. عئینی زاماندا، من ده اوندان حال-احوال توتدوم، صححتی ایله ماراقلاندیم. بروسسئلده نه قدر قالاجاغیمی بیلندن سونرا تکلیف ائتدی کی، صاباح، یعنی، بازار گونو ساعات اوچده قیرغیزیستان سفیرلیگینده، اونون ایش یئرینده جه گؤروشک.

سحری بؤیوک هیجان و نیگارانچیلیقلا گؤزله‌دیم. یانوارین ۲۹-دا بازار گونو ساعات اوچه اون دقیقه‌قالمیش قیرغیزیستان سفیرلیگی‌نین قارشیسیندا ایدیک: من و دوستوم داوید کوستیوکووسکی. سفیرلیگین قاپیسینا یاخینلاشدیق. قاپیلار باغلی ایدی. ناراحات اولدوم. دوشوندوم کی، یقین چینگیز آیتماتوو هانسیسا بیر سبب اوزوندن گؤروشه گلمه‌یه ایمکان تاپماییب. تأسوف حیسسی ایله فیکیرلشدیم کی، گرک هوتئلدن چیخاندا بیر ده زنگ ووراییدیم. بو نیگارانچیلیغیم اون دقیقه‌چکسه ده، منه اون ایل قدر اوزون گلدی. گون وار عصره برابر» ایفاده‌سی‌نین حیکمتینی بیر داها عیانی شکیلده آنلادیم). دوز ساعات اوچ تامامدا سفیرلیگین قاپیسینا بیر آوتوموبیل یاخینلاشدی. آوتوموبیلدن هوندور بویو، دوز قامتی، هارمونیک بدن قورولوشو، غوروروو و عظمتلی یئریشی ایله دیقتی جلب ائدن چینگیز آیتماتوو دوشدو. الینده عادی بیر چانتا وار ایدی.

***

بئلچیکانین طبیعتی ایله آذربایجانین طبیعتی آراسیندا

***

کؤهنه دوستلارکیمی چوخ صمیمی گؤروشدوک. سونرا چینگیز آیتماتوو داویدله منی ایچرییه دعوت ائتدی.

اونون ایش اوتاغیندا بیر خانیم‌چوخ گومان کی، سفیرلیگین ایشچیسی ایدی‌بیزه قوللوق ائتدی. سوفره‌یه چای، مئر-مئیو قویدو. بورادا بیر- بیریمیزدن یونگولواری حال-احوال توتدوق. سونرا چینگیز آغا بیزی ناهارا دعوت ائتدی. شهرین اوجقار بیر سمتینده، ساکیت بیر فرانسیز رئستورانیندا سوفره آرخاسیندا آیلشدیک. یادیما باکی‌نین دبدبه‌لی، های-کویلو، آغیز دئیه‌نی قولاق ائشیتمه‌یه ن رئستورانلاری دوشدو. حیسس ائتدیم کی، آوروپادا آداملار رئستورانلارا، اساسن، ایستیراحت ائتمک اوچون گلیرلر. هر جور سس-کویدن اوزاق، آرخایین بیر یئرده آیلشیر، حیسسلرینی بؤلوشه-بؤلوشه آیله‌نیرلر...

هردن دئییرلر کی، باکییا بو های-کوی آوروپادان گلیب. آما من آوروپانین ساکیت، تمکینلی باخیشلاری آلتیندا دوشونورم کی، قرب یاخشی اولان نه وارسا، ساخلاماغی باجارير، پیس اولان نه وارسا، اوندان دا ایمتیناع ائدیر. بو، طبیعیدیر، ائله بئله ده اولمالیدیر؛ کیم نه یی ساخلادیغینی، نه یی آتدیغینی بیلمه لیدیر. چینگیز آیتماتوولا صؤحبتیمیز، اساسن، آذربایجان ادبیاتی ایله باغلی اولدو. بلکه کیمه‌سه‌ائله گلیر کی، آز قالا، بوتون دونیا اوچون افسانه‌یه چئوریلمیش بو یازیچی آنجاق اؤز یارادیجیلیق عالمینه قاپیلیب. یوخ، بئله دئییل. او، آذربایجان ادبیاتی‌نین چوخ گؤزل بیلیجیسیدیر. مثلن، بختییار واهابزاده‌نین یارادیجیلیغینا چوخ یاخشی بلددیر. اونو موعاصیر دونیانین ان بؤیوک شاعیرلریندن بیری حساب ائدیر. چینگیز آیتماتوو صؤحبت اسناسیندا ائلچینله، آنارلا ماراقلاندی. اونلارین آذربایجانین طالعیی ایله باغلی ناراحاتلیقلارینی باشا دوشدویونو دئدی و حیسس ائتدیم کی، هر ایکیسینه خوصوصی حؤرمتی، احتیرامی وار. هم ائلچی‌نین، هم ده آنارین یارادیجیلیق عالملری‌نین فورمالاشماسیندا آذربایجان ادبی موحیطیندن باشقا، اونلارین آتالاری‌نین - ۲۰-جی عصر آذربایجان ادبیاتی کلاسسیکلری‌نین - رسول رضانین و ایلیاس افندییئوین بؤیوک روللاری اولدوغونو خوصوصی وورغولادی.

من بورادا بیر مقامی خوصوصیله قئید ائتمک ایسته‌ییرم: چینگیز آیتماتوو آذربایجانین گؤزل شاعیری، وطنپرور ضیالیسی شاهمار اکبرزادنین واختسیز اؤلومونو بؤیوک اورک یانغیسی ایله دیله گتیردی. اونون دئدیگی سؤزلر ایندی ده قولاقلاریمدا سسله‌نیر: «شاهمار قاراباغلا باغلی چوخ هیجان کئچیریردی. آخیردا اورگی وطن دردینه تاب گتیرمه‌دی و سوسدو».

چینگیز تئرئک اولوویچین حیات یولداشی‌ماریا اورماتوونا آیتماتووا دا بیزیمله بیرلیکده ایدی. اونو دا دئییم کی، ماریا اورماتوونا آیتماتووا سون درجه کوبار، گئنیش دونیاگؤروشونه مالیک بیر ضیالیدیر، هم ده مشهور کینوسسئناریستدیر. دئمک اولار کی، چینگیز آیتماتووون بوتون اثرلری اونون سسئناریلری اساسیندا ائکرانلاشد یریلیب. ماریا اورماتوونا آیتماتووانین حیات یولداشینا - چینگیز تئرئک اولوویچه قارشی نئجه حسساس اولماسی‌من بونو بؤیوک محبت آدلاندیراردیم (مشهور فرانسیز شاعیری لوی آراقونون «جمیله» پووئستی حاقیندا دئدیگی سؤزلر یادا دوشور)درحال حیسس اولونور... صؤحبت اساسیندا او دا شاهماری حدسیز آغرییلا، نیسگیلله یادا سالدی و من باشا دوشدوم کی، شاهمار، آیتماتوولار عایله‌سی‌نین دونن اولدوغو کیمی، بو گون ده سئویملیسیدیر.

سونرا چینگیز تئرئک اولوویچ شاهمار اکبرزادنین اونون دوشنبه ده کئچیریلن‌ایللیک یوبیلئییننده کی‌چیخیشینی خاطیرلادی:

- شاهمار نئجه ده وورغونلوقلا دانیشیردی، - دئدی.

من فورصتدن ایستیفاده ائدیب، قاراباغ پروبلئمی‌نین حللی ایله باغلی اونا سوال وئردیم:

- چینگیز تئرئک اولوویچ، سیزجه، بو مسئله نئجه حلل اولونمالیدیر؟

او، بیر آنلیق فیکره گئتدی. سونرا آیدین، قطعیتلی بیر سسله دانیشماغا باشلادی:

- قاراباغ آذربایجان تورپاغیدیر و هئچ شوبهه سیز کی، بو پروبلئم حلل اولونارکن آذربایجانین اراضی بوتؤولوگو گؤزله نیلمه‌لیدیر. بین الخالق حوقوق نورمالاری دا بونو طلب ائدیر. تورپاق مسئله سی ایله باغلی خالقلارین طالعیی ایله اویناماق اولماز. آنجاق من ایستردیم کی، بو پروبلئم حرب یولو ایله یوخ، صولح یولو ایله حلل ائدیلسین. ایندی دونیادا قان

البتته، من دونیانی نور ایچینده گؤرمگی باجاران بیر داهی‌نین گلدیگی بو قناعتله تام راضی ایدیم. آنجاق نه ائدسن کی، ائرمنیلر نورا یوخ، ظولمته همیشه ایستیناد ائدیبلر...

سونرا چینگیز آیتماتوو حیدر علییوین بو ایستیقامتده گؤردویو ایشلری یادا سالدی. لاپ آخیردا ایسه دئدی:

- ایلهام علییو حیدر علییوین اوغورلو سییاستینی داوام ائتدیره بیله جک. او چوخ عاغیللیدیر، دونیانین نبضینی توتا بیلیر. من سئوینیرم کی، آذربایجان خالقی اونو پرئزیدئنت سئچیب. عوموميتله، ایلهام علییو تیپلی سییاستچیلرین حاکیمیته گلمه‌سی چوخ یاخشیدیر. اونوتماق اولماز کی، ان بؤیوک قانون‌معنویاتدیر و هر بیر شخص اونو اؤز اجدادلاریندان قالما موقدس ایرث کیمی قبول ائدیر و بورادا دا واجیب مسئله اودور کی، بو قانونانورمایا سؤزسوز عمل ائدسن، اونون داها دا مؤحکملنمه‌سینه چالیشاسان.

من حیدر علییوین سیاسی پورترئتینی عکس ائتدیرن بیر نئچه کیتاب مؤلیفی اولدوغومو و بو یاخینلاردا تانینمیش روس پوبلیسیستی ویکتور آندریانوولا بیرلیکده «گؤرکملی آداملارین حیاتی» سئریياسیندان موسکوادا «حیدر علییو» آدلی کیتابیمین چاپ اولوناجاغینی دئینده، او چوخ سئویندی. تکلیف ائتدی کی، بو ایل مارتدا آوروپادا کئچیریله‌جک بین الخالق کیتاب یارمارکاسیندا همین اثریمله ایشتیراک ائدیم. من ده بیلدیردیم کی، بو چوخ یاخشی اولاردی، آما تأسوف کی، واخت آز اولدوغونا گؤره چاتدیرا بیلمرم، ساغلیق اولسون.

همین گون بیز بئش ساعاتدان چوخ بیر یئرده اولدوق. خداحافیظ لشیب آیریلاندا چینگیز آغا دئدی کی، یئنه گؤروشک. حیسس ائدیردیم کی، قلبی دولودور، دانیشماق ایسته‌ییر. آرامیزدا ائله صمیمی موناسیبت یارانمیشدی کی، سانکی بیز بیر-ایکی گونون یوخ، یوز ایللرین دوستو ایدیک. قرارا گلدیک کی، صاباح ائله ناهار واختی گؤروشک. سحری گون آخشام ساعات یئددیده چینگیز آیتماتوولا ائله هوتئلین فویئسیندجه گؤروشدوک. بورادا بیر خئیلی صؤحبت ائتدیک. منه بیر یازیسینی باغیشلادی. اوستونو ده اؤز خطی ایله ائله اوراداجا یازدی: «بو الیازمانی، ائهتیزازلی دویغولارلا، چوخ حؤرمتلی قلم قارداشیم حوسینبالا میراعلم اووا باغیشلاییرام

چینگیز آیتماتوو منه داها بیر کیتاب دا باغیشلادی. بو، اونون یارادیجیلیغینی عکس ائتدیرن «آیتماتوو ایمپئریاسی» آدلی کیتاب ایدی. روس دیلینده چاپ اولونموشدو. مؤلیفی روستم رحمانه علیئو ایدی. دونیا ادبیاتی‌نین بو جانلی کلاسسیکی‌نین حیات و یارادیجیلیغینی اؤیرنمک اوچون بوندان دیرلی نه اولا بیلردی؟!.

***

بیز هوتئلدن چیخیب بیر چین رئستورانینا گئتدیک. بورادا دا ساکیتلیک منی حئیران ائتدی. سانکی آداملار سسسیز، سوکوتلا بیر-بیرینی باشا دوشوردولر. بیز بیر طرفده آیلشدیک. چینگیز تئرئکولوویچ یئنه ده خانیمی ایله گلمیشدی. نئجه اولدوسا، من قابریئل قارسییا مارکئسی سوروشدوم. چینگیز آغا قابریئل قارسییا مارکئسله دوستلوغوندان خئیلی دانیشدی.

من چینگیز آیتماتوودان اونا نوبئل موکافاتی نین وئریلمه‌سی‌نین سببینی سوروشماق ایسته‌ییردیم. آنجاق بو، بلکه ده، منیم اوچون دونیانین ان آغیر سوالی ایدی. بیلمیردیم بو سوالی نئجه وئریم کی، دونیا اوخوجولاری‌نین قلبینی ائله نوبئل موکافاتچیسی قدر فتح ائتمیش بو بؤیوک اینسانین قلبینی گؤینتمه ییییم. هر حالدا، من اؤزومده جسارت تاپیب بو سوالی وئره بیلدیم:

- چینگیز تئرئکولوویچ، سیزه چوخدان نوبئل موکافاتی وئریلمه‌لی ایدی. حتّی «تاورو کاسساندری» رومانینیزدان اول...

او ساعات مندن سوروشدو:

- سن بو اثری اوخوموسان؟

- بلی، چینگیز تئرئکولوویچ.

- آنجاق چوخ آغیر اوخونور...

حقیقتن ده بو اثرده چوخ گوجلو فلسفی عوموميلشدیرمه لر وار. بورادا دونیانین و بشرین طالعیی یازیچی تخییولونون گوجو، یازیچی اورگی نین آغریسی ایله سؤزه چئوریلیب.

چینگیز تئرئکولوویچ خانیمینا دئدی کی، بو اثری اوخوماغا هامی‌نین حوصله‌سی چاتمیر. آما گؤرورسنمی، دوستوم اوخویوب.

او همین اثرله باغلی منیم فیکیر و مولاحیظه‌لریمه شریک چیخدی.

سونرا چینگیز آیتماتووون دیگر اثرلرینی یادا سالدیق: «گون وار عصره برابر»، «قییامت» رومانلارینی، بیر چوخ پووئستلرینی... ق، «مانقورت افسانه‌سی» و «ساری اؤزک» حاقیندا دانیشدی. ماراقلی احوالاتلار یادا سالدی:

- بیر دفعه موسکوادا توئرسکوی کوچه‌سی ایله گئدیردیم. اورتا یاشلی، گومراه، آغساچلی بیر قادین منه یاخینلاشدی،

بلی، او قادین هامیمیزین هئیرانلیقلا اوخودوغوموز «قییامت» رومانی‌نین اساس اوبرازی آغ بؤرونو نظرده توتورموش...

من درحال دئدیم:

- چینگیز آغا، یئری گلمیشکن بیر مسئله‌یه توخونماق ایسته‌ییرم: آغ بؤرو بوستونون کیچیک اوغلونو آپاریر. علاجی کسیلن بوستون اونا گوللـه آتیر، آما گوللـه آغ بؤرو ایله یاناشی اوشاغا دا دییر - هر ایکیسی اؤلور. اگر بوستون گوللـه آتماسایدی، آغ بؤرو اوشاغی آپارسایدی، آنا قورد افسانه سینده اولدوغو کیمی، تربییه ائدیب بؤیوتسه ایدی، رومانین سونو باشقا جور آلیناردی...

چینگیز تئرئکولوویچ بیر قدر فیکره گئدندن سونرا دئدی:

- بیلیرسینیز، هر بیر میف اؤز- اؤزلوگونده خالق دوشونجه‌سی‌نین گوجونو عکس ائتدیریر و هر دفعه‌اونا موراجیعت ائتدیکده، بیز ائله بیل کی، موعاصیر اینسانین داشیدیغی هر هانسی بیر معنوی کئیفیتین تاریخی کؤکونه قاییدیریق. مانقورتو یادینیزا سالین. ایندی بو اوبراز اؤز- ؤزونو ترک ائتمیش مینلرله اینسانین عوموميلشدیریلمیش آدینا چئوریلیب.

البتته، بوتون میفلر کیمی بوزقوردلار حاقیندا تورک میفی ده (بو تیپلی میفلر هیند و لاتین آمریکاسی خالقلاری آراسیندا دا گئنیش یاییلیب)، گؤرونور، تصادوفی دئییل. یقین کی، قدیم واختلاردا بئله حادیثه‌لر اولوب دا. لاکین قورد سورولری آراسیندا بؤیوین همین اوشاقلار تاپیلدیقدان و یاخود خیلاص ائدیلدیکدن سونرا اینسانلارا مخصوص کئیفیتلرینی برپا ائده بیلمیرلر و بو تیپ حادیثه‌لر میفیک معنا کسب اندیر. میفلره نه قدر مئییل ائتسک ده، بیلمه‌لییک کی، ادبیاتین اساس پرئدمئتی اینساندیر.

چینگیز تئرئکولوویچ اؤز حیاتیندان باشقا ماراقلی حکایتلر ده دانیشدی. بو حکایتلرین هر بیری ائله اونون اثرلری قدر افسانوی ایدی:

- نئچه ایللر بوندان اول — س س ری دؤورونده نومایینده هئیتی‌نین ترکیبینده پئکینه گئتمیشدیم. بیر گون آخشام هوتئلده تئلئفونوم زنگ چالدی. دستگی قالدیردیم، گنج بیر اوغلان دئدی کی، سالام، منیم آتام، خوش گلمیسینیز پئکینه. بو گنج ائله صمیمیتله «آتام» دئدی کی، من چاشیب قالدیم. آخی، بورادا منیم اوغلوم یوخ ایدی. اوغلان سانکی منیم تعجوبومو حیسس ائتدی. او ساعاتجا دئدی کی، من سیزین «آغ گمی» پووئستینیزین قهرمانی اولان اوشاغام. بلی، من او واخت همین او افسانوی چایلارلا اوزه- اوزه ایسسیک-گولدن کئچیب گلمیشم بورایا. ایندی پئکینده اوخویورام.

حقیقتن همین اوغلانین سؤزلری منی خئیلی هیجانلاندیردی. دانیشدیق کی، صاباح پئکینده اوخویان اورتا طلبه‌لرله هوتئلده گؤروش کئچیرک.

صاباحی گون هوتئلین فویئسینه اللییه قدر گنج اوغلان و قیز توپلاشمیشدی. هامیسی دا بیر- بیرینه اوخشاییردی. هامیسی ایله ده بیر-بیر ال وئریب گؤروشدوم. لاپ آخیرینجی اوغلانا چاتاندا دئدیم کی، «منیم اوغلوم سنسنمی؟». او دئدی کی، بلی. آز قالا، منیم گؤزلریم دولموشدو. او واختدان بری من او دوستلاریملا علاقه ساخلاییرام. هر ایلین یاییندا بیر آی ایسسیک-کولا گئدیرم. ماراغی اولان گنجلری اورایا دعوت ائدیرم. بیر آی اونلارین ایستیراحتینی تشکیل ائدیرم، اونلارا موحاضیره‌لر اوخویورام. منیم اوچون چوخ واجیبدیر کی، تورک خالقلاری بیر- بیرینه یاخینلاشسین. بیز بیر کؤکدنیک، بیر آغاجین بوداقلاریییق، دیلیمیز نه قدر یاخیندیر بیر- بیرینه... مثلن، من قازاخ دیلینی یاخشی بیلیرم. چونکی قازاخ دیلی‌نین قیرغیز دیلی ایله بیر فرقی یوخدور. تاتار دیلی ایله ده هئچ بیر پروبلئمیم یوخدور- آنام تاتاردیر. باشقیرد دیلینه گلدیکده ایسه، مسئله غلیظلشیر - سؤزلرین معناسینی آنلاماق اوچون قارشیلیغینی بوتون تورک دیللرینده آختارمالی اولورام. آما اینانین کی، ان ماراقلیسی تورکمن دیلیدیر. بئله کی، بعضی آداملار دانیشاندا چوخ آسان باشا دوشورم، بعضی آداملار دانیشاندا ایسه چتین. بو، بلکه ده تورکمن دیلینده لهجه‌لرین چوخ اولماسیندان ایره‌لی گلیر. بیر تورکمن دوستوم وار، تانینمیش کینو رئژیسسورخوجا نارعلییئو. بیر سؤزونو ده باشا دوشمورم. هردن ظارافاتلا دئییرم: «ائله دانیش کی، بیر شئی آنلایا بیلیم». آذربایجانجا دانیشاندا دا، یقین کی، چتینلیک چکمرم، چونکی تورکجه آز-ماز بیلیرم. تورکییه ده چوخ یوخ، بیرجه هفته قالان کیمی‌راحاتجا دانیشیرام. یادیمدادی، حتّی بیر دفعه‌تورکییه ده رادیو ایله قاریشیق قیرغیز-تورک دیلینده چیخیش ده ائتمیشم. آوروپا اؤلکه لرینده اولاندا دا تورکلرله تئز- تئز گؤروشورم. یاشلیلارلا دیل تاپماق آسان اولور. جاوانلارین آراسیندا ائلسی وار اؤز دیلینی بیلمیر، ائلسی ده وار بیلیر، آما ائله-بئله، اوزدن. چونکی اؤلکه،

بیز اؤز دیلیمیزی بیلیریک، فرقی یوخدور - آز و یا چوخ. آما بو آزدیر. بیز بیر- بیریمیزین دیلیندن بهرلنمه‌لی، لازیمی سؤزلری، تئرمینلری‌البته، هئچ بیر صونیلییه یول وئرمه‌دن - گؤتورمه‌لییک کی، دیللریمیز آراسینداکی قارشیلیقلی علاقه‌مؤحکملنسین. هئچ شوبهه سیز کی، بو ایشده علم آداملاری موهوم رول اویناماليديرلار.

او، بیر آنلیق سوسدو و من فورصتدن ایستیفاده ائدیب سوروشدوم:

- چینگیز تئرئکولوویچ، سیز دیله قارشی چوخ حساسینیز، اودور کی، بیر مسئله‌یه موناسیبتینیزی بیلمک ایستیردیم: تورک خالقلاری نین تاریخیندن، ادبی و مدنی ایرثیندن بحث ائدن «سووئتسکایا تورکولوگییا» ژورنالی‌نین روس دیلینده درج اولونماسینا نئجه باخیرسینیز؟

او بیر قدر فیکره گئدندن سونرا دئدی:

- هه، یادیما دوشدو، بو سوالی منه، سهو ائتمیرمسه، ائله همین ژورنالین باش رئداکتورو آیدین ممدوو دا وئرمیشدی. بیلیرسینیز، تورک دیللری دونیانین ان بؤیوک دیل عاییله لریندندیر و آوراسییانین چوخ گئنیش بیر حیصه‌سینده یاییلمیشدیر. بو عاییله‌یه داخیل اولان دیللر بؤیوک تکامول یولو کئچمیشدیر. اونلارین هر بیرینده ادبی-بدیعی ایرث یارانیب، عوضسیز تاریخی معلوماتلار توپلانیب. تورکدیللی خالقلارین شیفاهی و یازیلی ادبیاتلاری‌نین تاریخی چوخ قدیم اولسا دا، تورکولوگییا علمی و بو علمی آراشدیران، تبلیغ ائدن ژورنال سون دؤورلرده یارانمیشدیر. البته، تورکولوگییانین اساسلی کونسئپسییالارا سؤیکنن موستقیل علم کیمی فورمالاشماسی فرحلی حالدیر. تورکولوگییا ایله مشغول اولان علمی موسیسه‌لر چوخ ایش گؤروب. ایندی اونو داها دا اینکیشاف ائتدیرمک لازیمدیر.

بورادا دا کی، اساس ایش عالیملرین اوزرینه دوشور، اودور کی، من هم تورکولوگییانی یارادانلارا، هم ده اونون فداکار تبلیغاتچیسی اولان ناشیرلره بؤیوک حؤرمتله یاناشیرام. البته، بیز یازیچیلار دا موعین ایشلر گؤرورۆک و گؤرمه‌لی ییک. من ائله ایندی ده موتخصیص کیمی یوخ، یازیچی کیمی بعضی مسئله‌لر حاقیندا اؤز موشاهیده و مولاحیظه‌لریمی سؤیله‌مک ایسته‌ییرم.

بایاق سیز حاقلی اولاراق دئدینیز کی، «سووئتسکایا تورکولوگییا» ژورنالی دا، تورکولوژی اثرلرین بؤیوک بیر قیسمی ده (تورک دیللی رئگیونلاردا آپاریلان بیر چوخ تدقیقاتلار دا داخیل اولماقلا) روس دیلینده‌دیر.

بو، ایلک باخیشدا سون درجه پارادوکسال گؤرونور. آنجاق نظره آلماق لازیمدیر کی، دونیا تجروبه‌سینده بو جور حاللار چوخ اولور - بیر دیل داها چوخ اینکیشاف ائدن و گوجلو اولان باشقا دیلین کؤمکلیگی ایله اؤیره نیلیر و تبلیغ اولونور. مثلن، هیند دیلی اوچون بئله بیر فونکسییانی اینگیلیس دیلی ایجرا ائدیر. شیمالی آفریکا خالقلاری‌نین دیللری ایله باغلی همین ایشی فرانسیز دیلی گؤروب و ایندی ده گؤرمکده‌دیر.

منه ائله گلیر کی، بیزده ده عئینی وضعیتدیر. بو قارشیسیالینماز بیر گئرچکلیکدیر، بونو باشا دوشمه‌لی و یارانمیش وضعیتده اؤز آنا دیلیمیز اوچون ماکسیموم خئییر الده ائتمگین یولونو تاپمالییییق. تأسوف کی، تورک دیللی خالقلارین هر بیری‌نین دیلینه عئینی درجه ده یاخین اولان عوموومی بیر دیلی یوخدور. طالع بو دیللرین هر هانسی بیرینی موعاصیردؤورده تورک دیللی خالقلارین هامیسی‌نین ایستیفاده ائده بیله‌جگی عوموومی اونسیت واسیطه‌سینه چئویره بیلمه‌ییب. اوزاغا گئتمه‌یه‌ک، گؤتورک ان یاخین قونشوموز قازاخلاری. دیللریمیز اولدوقجا یاخیندیر. آما بونا باخمایاراق، علمی صؤحبتلری اؤز آرامیزدا روس دیلینده آپاریریق. حالبوکی، بورادا وضعیتدن باشقا چیخیش یولو تاپماق اولاردی. ایندیکی تاریخی شرایطده ایسه روس دیلی خالقلاری بیرلشدیرمک فونکسییاسینی اؤز اوزرینه گؤتوروب. بونونلا علاقه دار اولاراق، دیللریمیزین بیر-بیرینه باغلیلیغی یئنی سجیییه قازانیر و روس دیلی کیمی گوجلو بیر پارتنیورلا پارالئل فعالییت گؤسترن هر بیر تورک دیلی‌نین یئرینی، مووقعیینی و فونکسییاسینی دقیق معین لشدیرمک ائحتییاجی اوزه چیخیر. تورک دیللی رئگیونلار اوچون بو گون ده، یئنی موستقیللیک الده ائتدیگیمیز بیر واختدا دا قوشادیللی لیک تاریخی ضرورتدیر و اونسوز کئچینمک چتیندیر. دئمه‌لی، روس دیلی ایله پارتنیورلوق قاچینیلمازدیر. بو اؤز-اؤزلوگونده هم بؤیوک، هم ده مورککب مسئله دیر. بیز - یئنی طرفلردن بیری - اؤز دیلیمیزین لاییقلی پارتنیور اولماسی‌نین قئیدینه قالمالییییق کی، روس دیلی ایله امکداشلیقدان زیان یوخ، خئییر گؤرک.

بونون اوچون دیلیمیزین اوزرینده بؤیوک یارادیجیلیق

- چینگیز تئرئکولوویچ، نئجه بیلیرسینیز، بو پارتنیورلوق آنا دیلی‌نین گله‌جک عاقیبتی اوچون تهلوکه یاراتماز کی؟

- البتته، بورادا هر شئی نئجه پارتنیورلوق ائتمگیمیزدن آسیلیدیر. ائله گؤتورک میللی ادبی دیلین اینکیشافینی. بورادا هانسی پروسئسلر باش وئریر؟ بیر دیلین باشقاسیندان ایقتیباسی‌نییسه گؤتورمه‌سی طبیعی شکیلده باش وئریر، یوخسا کونسئرواتیو دوشونجه طرزیندن، عاغلین تنبللیگیندن، منخانیکی ایطاعتکارلیقدان ایره‌لی گلیر؟

بو باخیمدان واختیله قیرغیز دیلینده چیخان ایکی قزئتی نومونه گتیرمک پیس اولمازدی: اونلاردان بیری‌نین آدی «ایسسیک-کول پراوداسی»، دیگری ایسه، «نارین پراوداسی» آدلانیردی. بو منی حددیندن آرتیق اینجیدیردی. یعنی مین ایللرله تاریخی اولان بیر خالقین دیلینده «حقیقت» سؤزو یوخدور؟ روس دیلی‌نین بئله کورلانماسی، قیرغیز دیلی‌نین ایسه بئله آلچالدیلماسی کیمه لازیم ایدی؟ آخی، قیرغیز دیلینده «حقیقت» سؤزونون ائله اونا قدر سینونیمی وار. بیر ده، توتاق کی، بو سؤز قیرغیز دیلینده هئچ یوخدور. نه اولسون؟ بیز، ایلک نؤوبه ده، باشقا تورک دیللرینه موراجیعت ائتمه لییک. تورک دیللری‌نین بیر-بیریندن سؤز و یا تئرمین آلماسی پروسئسینی اینکیشاف ائتدیرمک لازیمدیر. بورادا قورخولو هئچ نه یوخدور. سادجه، بیر قارداش او بیری قارداشین معنوی ثروتیندن ایستیفاده ائدیر. آما بونو علمی یوللا، اؤزو ده هر دیلین اینکیشاف خوصوصیتلرینی نظره آلماقلا حیاتا کئچیرمک لازیمدیر.

بلا بوراسینیدادیر کی، بو جور موهوم مسئله‌لره توخونانلارا خوصوصی تیپ دئماقوقلار - تریبونا های-کویچولری درحال میلتچیلیک دامغاسی ووروردولار.

- چینگیز تئرئکولوویچ، ائسپئرانتویائیر اوزونده یارادیلاجاق واحید دیله ده موناسیبتینیزی اؤیرنمک ایستردیم...

- بیز نظری جهتدن قرارا گلنده کی، نه واختسا دونیادا بوتون دیللرین عوضینه بیر دیل اولاجاق، ندنسه، هئچ فیکیرلشمیریک کی، آخی، همین «قالیب» دیل اوللر قیدالاندیغی موحیطی ایتیرر، بشریت ایسه بوندان هئچ نه قازانماز. یئکرنگلیک هئچ واخت اینکیشافی تامین ائده بیلمز. اونا گؤره ده دیللرین عؤمرونو اوزاتماق، رنگارنگلیکلرینی قوروماق لازیمدیر.

هر بیر دیل اؤز خالقی اوچون بؤیوکدور. و هر کسین اؤز

***

... چینگیز تئرئکولوویچ دانیشدیقجا، تورک دونیاسیندان نئچه مین کیلومئتر اوزاقدا - بیر آوروپا شهرینده اؤز یازیچی طالعییینی یاشایان صنعتکارین، بو اوزاقلیغا باخمایاراق، تورک دونیاسینا نئجه یاخین اولدوغونو چوخ آیدین حیسس ائدیردیم....

او، هردن منیمله قیرغیزجا دانیشیردی. من ده آذربایجانجا جاواب وئریردیم. سانکی هر ایکیمیز دئمک ایسته‌ییردیک: بیز بیر-بیریمیزه نئجه ده یاخینیق، بیز بیر-بیریمیزی نئجه ده آیدین باشا دوشوروک...

بلی، بوتون تورک دونیاسی‌نین قلبینه حاکیم کسیلن بو داهی صنعتکار بیزه، بیزیم قدر یاخیندیر و حیسس ائدیرم کی، او، روحوموزا ابدی هوپوب.

***

... بیلمیرم، روحلاری گؤرن اولوبمو؟ آنجاق من چینگیز آیتماتووون - دونیانین فخر ائتدیگی بو داهی اینسانین روحونو گؤزلرینده گؤردوم ...

پ.س. بو گونلرده «حیدر علییو» آدلی کیتابیمین نشری ایله علاقه دار چینگیز آیتماتوو منه زنگ وورموشدو. موسکوادا اولدوغومو بیلن کیمی دئدی: سنه هدییه گؤندرمیشم، چاتدیراجاقلار. سونرا بیر تئلئفون نؤمره‌سی وئردی. زنگ ائتدیم. سورونبای آدلی بیر نفر جاواب وئردی، سونرادان اؤیرندیم کی، چینگیز آیتماتووون دوستودو. عونوانیمی سوروشوب یانیما گلدی. بیر باغلاما وئردی. آچدیم. ایچینده چینگیز آیتماتووون ۷۵ ایللیک یوبیلئیی موناسیبتیله بوراخیلمیش یئددیجیلدلیگی واردی. بو گون دونیادا ان چوخ اوخونان بیر یازیچی‌نین بئله بیر هدییه‌سی طبیعی کی، منی حدسیز سئویندیردی...

چوخ ایستردیم کی، اونون بو یئددیجیلدلیگی تئزلیکله اونون چوخ سئودیگی آذربایجان تورکجه‌سینده اوخوجولارا چاتدیریلسین.

۳۰ یانوار ۲۰۰۵."

اوستاد شهریارین دیوانیندا اولمایان بیر شعری

رضا همراز

دوز اللی آلتی ایل بوندان قاباق آذربایجان و تورک ادبیاتیندا بویرک بیر ادبی حادیثه اؤز وئردی. بو ادبی حادیثه نین یارادانی او گون ۴۷ یاشلی اوستاد سید محمد حسین شهریار ایدی. اوستاد شهریار او گوئلر، یا داها دوغروسو او ایللر اوز آناسنین سفارشی و تاپشیریغی ایله آذربایجان ادبیاتینا چوخ ده یرلی بیر اینجی آرتیرابیلدی. بو قیمتلی،ده یرلی و زنگین مجموعه بو گونه قدر ایستر ایراندا، ایسترسه ده ایراندان قیراقدا اوئلار دفعه چاپ و ماراقلا اوئلار دیله چئوریلیب و اونونلا ماراقلانانلار اونلار نظیره اونا قوشموشلار. بوارزیشلی و شاه اثر «حیدربابایا سلام» باشلیقلی آذربایجانجا بیر شعر یاداها دوغروسو بیر پوئما ایدی.

کیم نه بیلیردی کی بو شاه اثر او آغیر آتمسفرده قوشولوب، چاپ اولاندان سونرا بو درجه ده آلقیشلاناجاق؟ او دوورون شاعیر و یازیچی لارینین دئدیک لرینه گؤره «حیدربابایا سلام» منظومه سی چاپ و یایلاندان سوئرا توپ کیمی سسله نیب، آز بیر زاماندا سینیرلاری با سیب ک ئچیب و اوستادین سسینه چوخلاری سس وئرمیش دیلر.یقین کی،بو ایش ده بیر چوخلاری نین داقارین لارینه سانجدی دولاجاغیدی و حله بو گونه کیمی یاخالارین آچیب شهریارین دوستلوق داشین سینه لرینه ویرانلارین بیر چوخلاری همین اثره دایر بیر کلمه یازمادی لار. باخین نشریه دانشکده ادبیات مجله سینه کی تبریزده یایینلانیردی. بو مجله ده گئدن فارسجا مقاله لری کی گاهدان بیر شهریار حاقدا قلمه آلینمیشدیر، اوستادین فارسجاپوئزیاسی حاقدا یازیلمیشدیر و تاسف له تورکجه شعر لرینه دایر بوگؤنه قدر ایستر اوژورنالدا، ایستر سه ده باشقا سیندا اوستادین منم ـ منم دئین دوستلاری طرفیندن بیرمقاله قئید اولونمامیشدیر، اوستاد شهریارین طالمیندن، یوخسا ادبیاتیمیزین طالعیندن، اوستادین تورکجه شعرلری انقلابدان قاباق ائله سینه لرده گزه ردی. انجاق آی دولاینیب، ایل دولانیب اوستادین تورکجه شعرلری ۶۰ اینجی ایلده تبریزده قوجاماق ژورنالیست اوستاد یحیی شیدانین همتی ایله ایشیق اوزو گؤره بیلدی، داها سوئرالار اوسکولو اسماعیل تاجبخش ین ده همتی ایله بیر سیرا تورکجه شعرلری فارسجالاری ایله برابر چاپ و یایینلادی. داها سونرالار اوستادین اؤز سفارشی و تا پیشیردیغی ایله رحمتلی پروفسور حمید محمد زاده،بوتون الده اولان تورکجه شعرلری توپلاب یئکونلاشدیریب و بیر گوزه ل باشلانیش لا چاپا یئتیرمیشدیر. چوخ تاسف لر اولسون کی اوستاد شهریارین عومورو بو اثرین گؤرمه یینه وفا قیلانمادی. داها سونرالار و بیر نئچه ایل بو اثرین چاپیندان اوتندی اصغر فردی نین همتی ایله اوستادین بیر سیرا چاپ اولمایان شعرلری ده پروفسور محمد زاده نین ایشینه آرتیریلدی و بئله لیک له اصغر آغا فردی نین ترتیب وئردی یی اوستاد شهریارین تورکجه دیوانی اؤنجه چیخان دیوانلارا نسبت ۱۶۲ بیت علاوه اولاراق بین الخالق الهدی ناشرلییی طرفیندن ایشیق اوزو گؤره بیلدی. نه ایسه بو شعر توپلوسوندادا اوستادین یئرده قالان شعرلری اولموشدور. واختی ایله بیلگین عالیم و تانینمیش متن شناس و ادبیات شناس رحمتلی پروفسور حمید محمد زاده ایله دانیشاندا، نیسگیل ائده‌ردی کی «کاشکی اوستادین تورکجه دیوانین ناشیری یئنی دن بو شعرلری تایپ ائله دییره بیلسین تا شهریارین یئرده قالان شعرلرین کی سونرالار تاپمیشام اونا علاوه ائدیم» یازیق لار اولسون کی، بو آرزدی دا اوستاد محمد زاده نین باشقا آرزی لاری کیمی گوزونده قالدی.

فاصله

بیر گؤن من ایله یار آراسیندا گله دوشدو

اولمازدی گلایه آرادا ایش بئله دوشدو

تاب ائتمه زایدیم آیریلیغا بیرجه دقیقه

گوندن گونه، آیدان، آیا، ایلدن، ایله دوشدو

فیکیریم بو ایدی دوشمه یه دردیم دیله هرگز

آمما نه قیلیم چاره کی، دیلدن ـدیله دوشدو

دوشدون یادیما آی گؤنه بنره رلی نیگاریم

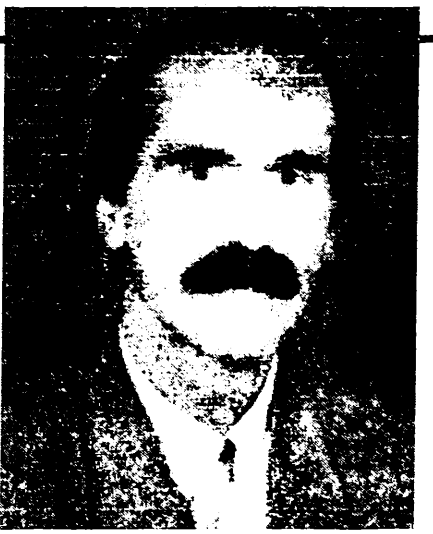
گؤلشنده گؤزوم بولبوله، تازه گؤله دوشدو

تک قویما منی، گل گیله گاهی منی یوخلا

بیرگون گوره سن تاپدی اؤلوم، فاصله دوشدو.

حبیب فرشباف

دوکتور محمدرضا کریمی



معاصر ادبیاتیمیزین گؤرکملی سیمالاریندان بیریسی ده حبیب فرشباف دیر. او، گؤزه ل یارادیجیلیغی ایله ادبیات تاریخیمیزده قالارقی یئر آلمیشدیر. فرشباف ۴۰ -۵۰ ایللرینده –شاه رژیمی نین بوغونتو یاراتدیغی بیر دؤورده الینه قلم آلیب ائلیمیزین دردلرینی سؤیله مه یه جان آتمیشدیر. اسلامی انقلابینا زمینه یارادان شاعیرلریمیزدن بیری ده همین شاعیر اولموشدور.اونون شعرلرینده، غدار شاهین سیماسی، شاهلیق رژیمی‌نین چیرکین چؤهره‌سی آیدینلاشیر. خالقیمیزدا بئله بیر چیرکین نظاما نیسبت نفرت یارادیر. حبیب ایلک آددیملاردان اوخوجولارینی گونش کیمی نورساچماغا وقارانلیق گئجه‌لرین گوندوزه ساری قاپیلارینی آچماغا چاغیریر و بئله دیله گلیر:

بو نئچه گون عؤموردە، گونش تکی نورساچاق
قارانلیق بو گئجه‌یه، گوندوز قاپیلارین آچاق.

حبیب دونیا گؤروشلو بیر شاعیر کیمی چیخیش ائدیر، اونون وطنی دونیا بویوندا و خالقی بوتون میللت‌لر و اینسانلار دیر. او، جانینی بشریت عالمینه قوربان ائتمک اوچون بو دونیایا گلمیش و اؤزونو «دونیا اوغلو» آدلاندیراراق دئییر:

بو گئنیش سولار ایچینده
نه کی وار قورولوق، دونیادیر آدی.
وطنیم دونیا دیر، من دونیالی یام
دونیا ایشچی لرینه
من قوربان اولمالی یام.
مطلب بعدی

حاخلی اینسانلارا قارا بیر قولام
بشریت جانلی بیر جسم دیرسه
من ده وجودوندا بیر آغ قولبولام.

حبیب ۱۳۲۳ ده تبریزده آنادان اولوب و تبریزین ان بوغونتولار چاغلاریندا موبارز معلیم‌لر جرگه‌سینه قاتیلیب و خالقیمیزین مبارزه سینده اؤن سیرالاردا ، آذربایجان شئعری‌نین متعهد ادبییاتینی قوللاناراق، شعرین مبارز قولوندان یاراتماغا جان آتمیشدیر. شاهین، خالق آراسیندا دووارلار چکدیگی بیر زاماندا، شاعیر دووارلاری ییخماغا چالیشیر و بئله اینانیرکی:

دووارلار اولماسایدی — گونش پنجره میزده
سحر اثرکن دوغاردی. — دووارلار اولماسایدی
منه گتیره‌ن سلامدان — مین سعادت یاغاردی.
دووار آیریلیق سؤزو — دووار هیجران آیه‌سی.

شاعیر بونو دوشونورکی چوخلو دووارلار، تاریخ بویو یارانان دووارلار، اینسانلارین جومجومه لریندن، اینسانلارین قول-قیچلاریندان یارانمیش و هر بیر کرپیچی اینسانین ال-آیاغیندان دوزه‌لمیشدیر و یئنه اینانیرکی:

دوستو دوستدان آییرمیر — نه اوجا داغ، نه دره
لاکن شوبهه دووارى — آییرمیشدیر مین کره.

بئله بیر دوروم اولورسا، شاعیر دوستلارینی بئله چاغیریر:

مؤحکم اولسون الیمیز،
دیرناقلار گئچسین اته
قویمایاق دووار چکه
شوبهه، بو صداقته.
قویمایاق کی بین توتا
دوشمن دسیسه‌سی، بیز.
قوی بیر گولسون گؤزوموز،
بیر دؤیونسون قلبیمیز.

حبیب خالقینی اوره‌کدن سئویر. هر زاد خالقینی اوندان اوزاقلادیرسا، شاعیر اونونلا قارشی- قارشییا دایانیر. او، ساده سامانچی قیزینی – اؤز ائلیندن اولدوغو اوچون – بوتون دونیا

سن ای گؤزه‌ل ملک، سامانچی قیزی
هئچ سن بیلیرسن می، اگر بیر کره
ژوکوند گؤرسئیدی سنین اوزونو-
جیران باخیشینی- شوخ گولوشونو-
داها عؤمور بویو گولومسه‌مزدی؟
لوور موزه‌ییننده داها او زامان
باشین تیکردی یئره،
سن یادینا دوشنده.

شاعیر حبیب‌ین شئعر دونیاسیندا ایکی موضوع دالغالانیر، بیر طرفدن شاه رژیمی نین منفور سیماسی و خالقین دوشمنلریله چیرپیشما و مبارزه و بیر طرفدن اینسان دویغولاری، درین محبت، سئوگی و اوره‌ک چیرپینتی‌سی . داها درین باخدیقدا، بونلار بیر- بیریندن آیری دئییلدیر، بلکه بوتون شئعرلرینده بو ایکیسی با هم گئدیرلر:

سئوینج و نیفرت بیرگه ایره‌لی گئدیرلر. آنجاق دوشمنلره نفرت و اونلارلا مبارزه، دوغما خالقینا، ایشچی خالقلارا محبت و سئوگی و اونلارین یولوندا فداکارلیق و جاندان کئچمک. بو دئدیگیم سؤزو شاعیرین بوتون شئعرلرینده گؤرمک مومکوندور. «اوره‌ک» آدلی شئعرینده بیر بیتده بونو آچیقلاییر:

گؤزلریمین شئوینجی ایسته‌یین حایلی‌سا
دیشیمین قیجیرماسی نفرت نتیجه‌سی دیر.

شاعیر، «عشقین زیروه‌سی» آدیندا شئعرینده اینسان وارلیغینا اوز توتوب، اونون دویغو- دیلک لریندن آسیلی اولان احوال – روحیه نی آچیقلایاراییر .او، شئعرینی بئله باشلاییر:

عشقین زیروه‌سینه چاتاندا اینسان
نه سئومکدن قورخار، نه سئویلمکدن.
شخصی خیر و شرری آتاندا اینسان
نه اؤیمکدن قورخار نه اؤیمه‌مکدن.

و آردیجا بئله دئییر:

حق اولسا اینسانین آرزی- دیله‌گی
نه سؤیمکدن قورخار نه سئویلمکدن.

و نهایت بو جمله‌لرله سونوچا چاتدیریر:

کمالا- یئتنده اینسان بیلیگی،
آتار آغالیغی، نوکر چیلیگی.
خالق عشقیله دولسا قانی، ایلیگی
نه اؤلمکدن قورخار، نه اؤلدورمکدن.

حبیب ایشچی‌لر جبهه‌سینده‌ن مودافیعه ائده‌رک، اونلارین چتین معیشتی‌نی، آجیناجاقلی دؤروملارینی تصویره آلیر، اونلارلا سیزلاییر، اونلارا اومود ایشیغی ساچیر و بیر لیگه چاغیریر.

او، ائل گوجونه اینانارا‌ق، بیلیرکی حتا داهی رهبرلرده ائله آرخالانا‌ندا، بختیار اولورلار.

حبیب آزادلیق جارچیسی کیمی وظیفه‌نی اؤز شئعرلری نین بوینونا قویموش و سئچدیگی موضوعلارین چوخو ایشکنجه‌لره دؤزموش مبارزلرین یاشاییشی و دایاناقلار اولموشدور. او «دوشونجه نین مکانی» آدلی شعرینده بیر مبارز ایله ایشکنجه‌چی‌لر آرالاریندا‌کی دانیشیقلاری یازیر. ایشکنجه‌چی‌لر بو مبارزین قارشیندا سارسیلیب و اربابلاریندان تکلیف‌لری نین نه اولدوغونو و نه ائتدیکلرینی ایستیردی. اربابین گؤستردیگی تکلیف بودور:

سورشون دوستلاری‌نین آدرسینی سؤیله سین

- نه قده‌ر دانیشدیردوق آغزین آچیب دینمه‌دی!
دیر ناقلارین دا یولدوق بیرجه کلمه دئمه‌دی!

آنجاق ارباب مجبور قالیب اؤزو دانیشماغا اوز گتیریر و مبارزله بئله دانیشیر:

- سؤزون دوزونو دئسن
آللاها آند ایچیرم
گوناهیندان گئچه‌رم.
دوزونو گر دئمه سن
یقین بیل اؤلمه‌لی سن.

جواب وئردی مبارز:

- کس سسین قودوز حیوان
بیر چرده‌ک اکیلمه‌سه
بارلی آغاج گؤوه‌رمز.
اینسان اوغلو سنین تک آلچاقلارا اگیلمز.

آنجاق ایشکنجه چی‌لر، مبارزدن قورخو جانلارینا اوتورور. دستور اوزره مبارزین دیلین کسیرلر. گؤز لریندن قورخولار، اونلاری دا چیخاردیرلار. ایشکنجه‌چیلر ایندی چیخاریلمیش گؤزلردن ده قورخولار. اربابدان یاردیم دیله ییرلر. ارباب دئییر:

- محو ائدین دوشونجه سین!

آنجاق دوشونجه‌نین یئرینی تاپماق اوچون یالوارماغا دوشورلر و نهایتده مبارزی قانا بله‌ییرلر. بورادا شاعیر بئله دیله گلیر:

کؤرپه بیر قوزو کیمی اتی یاپیشدی ساجا،

یئنه بیر قان لکه‌سی، آرتیردی قیزیل تاجا.
یئنه بیر حق عاشقی، عشقین اودونا یاندی
«نسیمی» تک دایاندی.
دوشونجه‌نین قوخوسو ماحاللارا یاییلدی
ائل‌لر بوتون آییلدی.

شاعیر گؤزه‌ل بیر شئعرینده بونو شاعیرانه و مباریز دویغولارلا شئعره چکمیش دیر. شاعیر بوتون شعرلرینده خالقین عشقیندن و نفرتیندن سؤز آچیر و بونو آنلاییرکی:

من بو لحظه آنلاییرام
خالق سؤزونون معناسینی
- عشقی ائله آلودوکی،
گونشدن باج آلیر!
نفرتی ائله گوجلوکی،
شاهدان تاج آلیر.

حبیب ائله بیر شاعیر دیرکی شاه رژیمی ایله دؤیوشنلرله چیگین چیگینه چالیشیر. اونلار اله سیلاح آلان زامان، شاعیر الینده قلم ایشله ییر. قهرمان ایران میللتی نین هیممتی ایله، شاه رژیمی قارا محبسلریندن آزاد اولموش باجی – قارداشلارینا «خوش گلدیز!» دئییر و بئله سؤزه باشلاییر:

هارای ائللر،
گؤزوز آیدین!
باشی اوجا، آلنی آچیق.
قاییتدیلار ایگیدلریز.
دئیین گلسین قورقود ددە، بوی بویلاسین
بو عدالت ووروشوندا غالب گلن دومرول‌لره
قوشما دئسین، سؤی سؤیله سین.

بئله بیر زماندا، شاعیر دوستلارینی، بیرده آنا وطنی بیرگه یاد ائدیر:

گلین دوستلار،
آنا تبریز قول آچیبان،
انتظار دیر بوگون سیزه.
ائللریزین گؤزو حسرت
امید وئره‌ن گؤزلرینده.
***
گلین دوستلار، سیزده‌ن آلسین،
اونو دولماز شهیدلرین قوخوسونو،
آنا یوردوم.
***
گلین دوستلار، همتیزله
سعادته آددیملاسین،
بو بویانمیش قانا یوردوم.

شاعیریمیزین «دان یئری» اثری، ۱۵ ایللیک ۱۳۵۷-۱۳۴۲ایللری آراسیندا ایرانین مبارزه تاریخی دیر. مباریزه ده زحمتکش‌لر، قالی توخویانلار، مختلیف کرخانالاردا ایشچی‌لر، معلیم‌لر ال – اله وئریب، شاهی تختدن یئره سالماغا بیرگه چالیشیرلار. شاعیرده بونلارین شاعیری دیر. بونلارین اراده‌لرینی، گوجلرینی، هیم بیر لیک‌لرینی سؤیله‌ییر و بونلارین اوره‌ک سؤزلرینی شعره چکیر. او، قالی توخویان بیر ایشچی‌نین دیلیجه بئله دئییر:

بو، ساده بیر قالی دئییل
بو، قارانلیق کارخانادا،
حزین- حزین نغمه‌لرین
بیر لیگیندن یارانمیش بیر سمفونی دیر
بئله اسگیک نظر قیلما!
***
بو ساده بیر قالی دئییل
قلم- قلم بارماغیملا
الوان – الوان بویالاردان
یاراتدیغیم تابلودور بو،
اوز- گؤزومون قانی ایله بزه‌میشم.
بوساده بیر قالی دئییل،
بو گول لرین هر بوتاسین
گؤزلریمین ایشیغی ایله
سووارمیشام، بئجر میشم.
بو ساده بیر قالی دئییل،
بیر غزل دیر، بیر قوشما دیر،
قانیم ایله یازمیشام من.
ای دونیانین صنعت سئوه‌ر اینسانلاری
بو هونر، بو صنعت‌له، گؤرون منیم آلدیغیمی:
یاریم قارین چؤره‌ک اوچون
گئجه- گوندور، پی‌در ایلمه چالدیغیمی...

همین زحمتکش عائله سیندن، صنعتکارلار ایچینده‌ن مباریزلر باش قالدیریب، خالقیندان مودافیعه ائتمک اوچون دوشمن قاراشیندا سینه‌گه ریب جانلارینی فدا ائتمیشلر. بو قهرمانلار، شاعیریمیزین شئعرلرینده یئنی دن جانلانیب هنر گؤسته ریرلر. شاعیر بونلارین خاطیره سینه شعرلر قوشور. نغمه‌لر اوخور. بو جانبازلارلار شاهین تییه‌سی‌نین دال- قاباغی

آنجاق آذربایجان و تبریز ایگیدلری بوسسه سس وئردیلر:
ائله بو آن
دو ققوز ایگید
آذربایجان اؤلکه سیندن
شرافتلی اوغوللاری یاخالانیر.
هر بیریسی، قوچاق نبی
هر بیریسی، اؤز عصری نین کوراوغلوسو.
هر بیریسی، بیر دایانیش حماسه‌سی قوشان اینسان
بیرجه کلمه سؤز چیخماییر هئچ بیری نین دوداغیندان.
سون سؤزلری بوسؤز اولور:
-«قان اوجالدار، قان یئتیره‌ر آزادلیغین نهالینی»
بئله لیکله،
خالیقیمیزین بو شرفلی باالالاری
آزادلیغا، سعادته
بخش ائدیر جانلارینی.
***
شاعیر، اسلامی اینقیلابیندا یئغینجاقلاری، همان شهیدلرین فداکارلیقلاری اساسیندا اولدوغونو بیلدیریر:
دوستلار بوگون
بوشهیدلر قانیندان دیر
دان یئرینین قیزارماسی.
بو شهیدلر قانیندان دیر بوگون بوردا
آچیق- آشکار جمع اولموشوق بو مجلیسه.
لاکن بونا اینانیریق
خالقیمیزین اوره‌گینده
ابدی لیک یاشایاجاق بو ایگیدلر، بو شهیدلر.

عصریمیزین کوراوغلولارینی، اونا باغلی اولان نیگار خانیم‌لاری، دمیرچی اوغوللارینی، آیوازلاری، بللی احمد لری، چنلی بئلی تاپیپ تانیتدیریر؛ ها بئله حسن پاشالار، کئچل حمزه‌لر تانینمالی دیرلار. حبیب بیر اوزون پوئمادا «بیزیم عصرین کوراوغلوسو» آدیندا اثرینی یارادیر. ایلک اؤنجه «کوراوغلونون وطنی»نی توصیف ائدیر:

نه چنلی بئل داغی دیر
نه ارزروم شه‌هه‌ری،
آرازدان خلیجه ده‌ک اوزانان بیر اؤلکه دیر،
سؤیله دیگیم بو دیار.
تورپاغی‌نین آلتی دا، اوستوده نعمتلی دیر.
هر اووج تورپاغی دا
هر بیر دامجی سویو دا
قیزیلدان قیمتلی دیر.

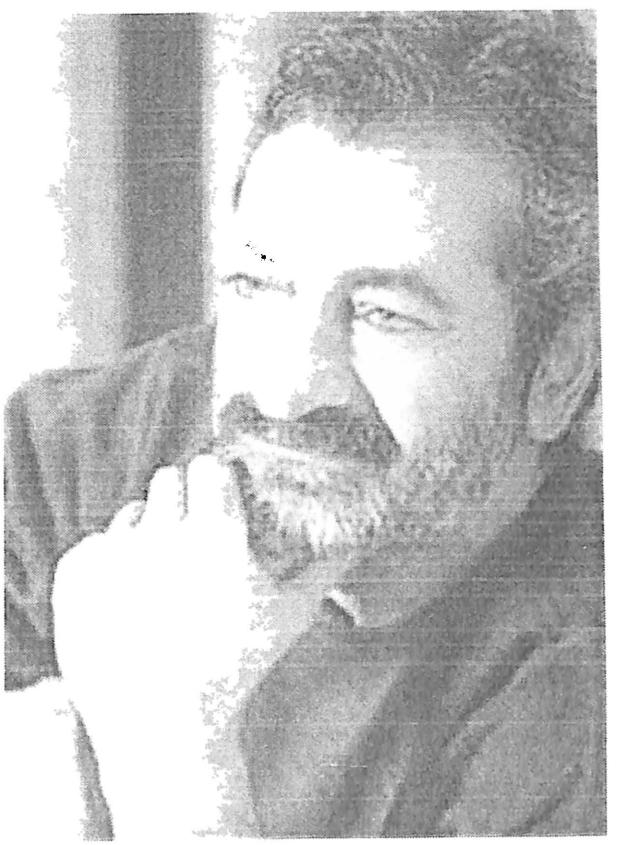
فرشباف یارادیجیلیغی بورادا بیتمیر؛ شاعیر زامان ایستک لرینه دوزگون جواب وئرمه‌لی دیر. زامان اولای‌لارینا دوزگون توخونورسا دیری قالاجاقدیر. شاعیریمیزده بوسیرا شاعیرلردن دیر. فرشباف چاغداش شعریمیزین یوکسک پیلله‌لرینده بئر توتان و اینسان سئوه‌ر شاعیرلریمیزدن دیر. بوگونه قده‌ر ایکی شئعر دفتری چاپ اولوب، بیری اینقیلابدان قاباق اولان «دان یئری» و ایکینجی سی «قره داغ کندلی‌لری» اینقیلابدان سونرایا عاییددیر. اوشاق ادبییاتیمیزا دا ده‌یرلی شئعرلر آرتیریب و بوتون یارادیجیلیغی ایله اوخوجولارینی فیکیر لشمه‌یه چاغیریر. او، گله‌جه‌یه اومود گؤزویله یاناشیر.

فرشباف رئال اجتماعی حیاتیمیزی اونودولماز مصرع لریله قلمه آلیر و آیدین – اینسانی دویغولارینی، اینجه خیاللار قانادیندا اوچوشا گتیریر و اوخوجوسونون اوره یینده یئر سالیر. او، صاف اوره‌ک، تمیز وجدانلی بیر معلیم کیمی اوشاقلارین الیندن یاپیشیب حیاتین درینلیک لرینه آپاریر.شوبهه یوخدورکی شاعیرلریمیز آراسیندا زامانلا آددیملایان شاعیرلر جیرگه‌سینده دایانان شاعیر لریمیزین بیری ده گؤرکملی شاعیر حبیب فرشباف‌دیر. حبیب فرشباف حاققیندا مقاله‌میزی اونون «اینسان» آدیندا شئعریله بیتیریک:

هاوا قیرخ درجه سویودو بیردن،
اینسان یاشادی.
هاوا قیرخ درجه قیزیشدی یئنه،
اینسان سارسیلمادی،
اینسان یاشادی.
تکجه یارپاق اولدو کئچینه‌جه‌یی
اینسان یاشادی
قاراتورپاق اولدو یورغان- دؤشه‌یی
اینسان یاشادی.
هر چتین بیر گونه، پیس شرایطه
او آلیشا بیلدی، او دؤزه بیلدی
تکجه کلمه بویدا عدالت سیز لییه
نه آلیشا بیلدی، نه دؤزه بیلدی!
آخی او، اینسان کیمی یاشاییردی
آخی او اینسان آدی داشییردی.

یوسف خیال اوغلو

عوصیان اؤزگور



اؤزونو هئچ تعریف ائتمه‌میش بیر اینسان‌دیر. ۱۷-۱۸ یاشینا قدر آماجسیز و بیر او قدر دَیرسیز کئچن گنجلیییینی آنلادیر.

آردیندان گلن دَرین بیر آراشدیرما، اؤیرنمه دؤنمی... آنجاق نه آراشدیرما... قورآندان مارکسیزمه، مائوایزمه، بودیزمدن فرویدا قدَر بوتون فلسفه‌لر و دوغمالار... «بوتون بو فلسفه‌لرین حیاتی تام آچیقلامادیغی و زورلادیغینی گؤردوم. بونون نده‌نینی (عیللت) آراشدیردیم و دوغانین (طبیعت) حیرتلندیریجی دنگه سینده (تعادول) قوصورسوزلوغوندا تاپدیم. دوغایا قارشی هئچ بیر شئی مومکون دئییل. دَییشدیرمک مومکون دئییل. عملده نه‌ایسه اونو آنلامالی‌سان. اونو زورلایاراق دَییشدیره بیلمزسن. بیردن ایچ شمسیّه‌نی (چتیر) تاپدیم و ناتورالیست اولماغا قرار وئردیم.» دئییر خیال‌اوغلو. «اؤزومه بیر ایچ شمسیّه آختاردیم. بونو تاپمایینجا هئچ بیر اؤرگوته، درنه‌یه گیرمه‌دیم».

هم شاعیر، هم رستام، هم ده موسیقی آدامی دیر «یوسف خیال‌اوغلو». آنجاق ایل‌لرجه گؤزله‌دی. امه‌یینین گئرچک قارشیلیغینی تاپماسی اوچون گؤزله‌دی و او قیمت وئریله‌دی، ساده‌جه دوققوز شعری اوچون یوزایگیرمی‌بئش مین دولار آلدی. کاسئته اوخودو و ۲۰۰۲- جی ایلین مایس آیینده چیخاردیغی «گؤزلری اینتحار ماوی» کیتابی دؤرد آیدا (آغوستوس آیینین سونوناجان) اون دؤنه تکرار چاپ اولوندو.

«آرزینجان»دا دونیایا گلن شاعیر بیر سوره بؤیوک اوستادی «یئلماز گونئی»ین یانیندا چالیشمیش. آیریجا شعر، موسیقی دیشینده هئیکل و رسیمله اوغراشان بیر آدام‌دیر.

«یوسیف خیال‌اوغلو» دَرین دویغولارین شاعیری‌دیر. آنجاق بو دویغولاری قوجاقلایان و ایچینده یئرلشدیرن آخارلی بیر دیلین دَرینلییینده اولوشان (تشکیل تاپان) یئنی و چارپیجی ایمگه‌لر (تصویر) اونون شعرینین باشلیجا اؤزه‌للیک-لریندن‌دیر.

خیال‌اوغلونون شعرلری یاشادیغی چوخ زورلو آن‌لارین ال دَیمه‌میش اورونودور(محصول). او هر زامان اؤز دویغولارینی سربست بوراخماق و تخیول قووه‌سینی سینیرلاییجی (محدود ائله‌ین) اتکن‌لردن (عامل) آریتلاماقلا قاورام (مفهوم) باخیمیندان بعضن بیر بیریله فرقلی اولان شعرلر یازسا دا، بوتون بو شعرلرین گؤزه‌للیک قایناغی و ائتگی‌له‌ییجی گوجو اونلاردا سطیر-سطیر آخان شاعیرین ایسلاق و چیلخا دویغوسودور. خیال اوغلونون شعرلرینده ان اؤنملی اولان، اونلارین هر سطیرلرینده باشاری ایله یاییلان دویغو اؤگه‌سی دیر. بو شعرلرده، قاورام فرقلی‌لییی اساس توتولارسا، بعضن چئشیدلی حال‌لاردا یاشایان بیر راوی ایله قارشیلاشیریق. بو راوی بیر یاندان اونون اختیارینداً اولان و اونا وئریلن حیات فورصتیندن داها آرتیق فایدالانماغا و سئوگینی و خوشبختلییی چکدییی نفس‌لرینده بئله ایچینه دولدوراماغا چاغیران؛ اؤته یاندانسا اونو

(رئالیست) شاعیری‌دیر. اونون یازی‌لاریندا ایتیریلمیش آرخاداشلیق‌لار، اونودولموش گؤزه‌للیک‌لر، باش قالدیری (عوصیان)، سئودا و دوستلوق اوزه‌رینده اولان شعرلر یئر آلماقدادیر.

ایلک آچیدان باخدیغیمیزدا، گئریییه حسرت دویان و شاعیرین یاشادیغی بوتون دویغولارینی لیریک و یوموشاق بیر دیل ایله اؤزونده سیزدیران شعرلرله راستلاشیریق. خیال‌اوغلو بو شعرلرده، روحونو چولغالایان بوتون آغریلارینی و بو آغری‌لاردان تؤره‌نن سئوگی و کده‌رلرینی اوزاقدان سئیر ائدیب باخان بیر ایزله‌ییجی کیمی ثبت ائدیر. و یئنه ده اؤز اؤزلم‌لرینی (حسرت) و جوشغون دویغولارینی دیری و چاغداش بیر رومانتیزم ایله ایمگه‌لندیرن بعضن بیر قارامسار (بدبین) شاعیر کیمی گؤرونور. شاعیرین بو سیرا شعرلرینده یاراتدیغی بویالی و شیددتلی دویغولارین ایچینده‌کی قالغی‌لی ایمگه‌لر بعضن چوخ حئیرتلندیریجی‌دیر:

بیر یئر تاپا بیلسم کاشکی
بیر یئر
سنی خاطیرلاتمایان
قان تارلاسی، گلینجیک شافاغیندا.

ایکینجی آچیدان هر شئیه باش‌قالدیران و یاشادیغی چتینلیک‌لره اؤدون (باج) وئرمه‌ین و هئچ بیر زامان سوسمایاجاق کیمی گؤرونن بیر شاعیرین ایچیندن قوپان‌لاری چوخ ایتی بیر دیل ایله اؤزونده عکس ائتدیرن شعرلرله اوز-اوزه گلیریک. نه وارسا چئوره‌سینده‌کی سئوگی‌سیز و فردچیلییی آجیماسیزجا یاخان بیر دئو توپلومو هده‌له‌ین شاعیرین ایچینه چؤکن خینج‌لاری و چوخ دَرینه گئتمیش ایضطیراب‌لارینین آچیق آیدین بیر گؤسترگه‌سی‌دیر بو شعرلر:

جاواب وئریرم
الی بؤیرونده آنالاردان
محبوس‌لاردان و آجی‌لاردان
چوخجا بحث ائدیرم
چونکی باشینی قوما ساخلایان‌لاردان
دیکسیندیم، باش قالدیریرام.

«یوسیف خیال‌اوغلو» ایچینده‌کی اؤزونه بئله بیلینمز دونیاسی ایله کاغیذ اوستونه گتیردیک‌لرینین آراسیندا اولان فاصیله‌لری آرادان قالدیرماق اوچون هر شئیدن فایدالانیر. شعرلرینده‌کی بول-بول بنزه‌تمه‌لر، یئنی استعاره‌لر، آلاجالانان بویالی دویغولار و خالق اسطوره‌لریندن یارارلانمالارین هامیسی بو اوزدن دیر. او یاراتدیغی خیالی دونیالارینین گئرچکچی

«خیال‌اوغلو» یازدیغی مودئرن و دونیا اؤلچه‌یینده (مقیاس) اولان بوتون شعرلرینه رغمن خالق شعری ده یازیر. او هر زامان یوردونون صنعتچی‌لرینی ده بو ایشه چاغیریر: «صنعتچی هر شئیدن اؤنجه یاشادیغی یئرین اینسان‌لارینین آجی‌لارینی و اینیلتی‌لرینی دیله گتیرمه‌لی و خالقدان آیری اولمامالی‌دیر. شعریمده بونا دیقّت ائدیرم. کاغیذ قلمی آلینه آلدیغیندا ذاتن اؤز- اؤزونه بونلاری ائتمیش اولورسان. آزیلمیش خالقین ایچینده اولماغیم بونو گؤرمه‌یی ساغلاییر.» یوسیف خالق شعرینی بؤیله ساوونور: «خالق شعری یازماغین ضرری یوخ. نه دئییرلرسه دئسین‌لر، من خالقی سئویرم. دئمک، ناتورال و عاوام یاشاماغی سئویرم. زامانیندا کالئج معادیلی اوخودوم، آکادئمی اوخودوم، باتی مدنیتی اوخودوم، شئکسپیر، مارکس اوخودوم. دئمک، سونوجدا هئچ بیر شئی دئییل. هئچ بیر یئره وارا بیلمیرسن. یعنی گلیب- گله‌جه‌یین نؤقطه بیر قارا تورپاقدیر. سونوندا خالقین دنیزینه.» و سونوندا «یوسیف خیال‌اوغلو»نون دونیاسینی اؤز دیلیندن اوخویوروق: «بو آندا دونیانی بیر اوچاقدان سئیر ائدر کیمی‌یم. اوردان تیکانلی تئل‌لر گؤرونمور. یوخاریدان باخدیغین زامان، دئو بیر جوغرافییا... اینسان‌لار بیر سورو کیمی، ائولر کیبریت قوتوسو کیمی، آیریلیق‌لارین آنلامی اولمادیغینی گؤردوم. هامیمیز دوغانین پارچاسی‌یق. اولا بیلدییینجه سئومک، یاخشی یاشاماق، اخلاقلی و اردَملی اولماق لازیم.»



بیز اوچ نفر ایدیک

بیز اوچ نفر ایدیک
بدیرخان، نازلیجان و من
اوچ آغیز.. اوچ اوره‌ک.. اوچ آندلی فیشنگ!
آدیمیز بلا دئیه یازیلمیشدی داغ‌لارا، داش‌لارا
بوینوموزدا آغیر وابال، قوینوموزدا چارپاز توفنگ...
آل تتیکده، قولاق کیریشده
و آرخامیز تورپاغا امانت ...
بالدیرقان آجیسییلا اووراق اوشوین آل‌لریمیزی
اولدوز یورغانی آلتیندا بیر-بیریمیزه ساریلیردیق...
دنیز چوخ اوزاقدایدی
و توخونوردو یالقیزلیق...
گئجه ایرماق بوی‌لاریندا
اوزاق چاققال سس‌لری
اوزوموزه، چؤره‌ییمیزه
ماهنی‌میزا چارپار کئچردی.
کؤکسونه ککیک سوره‌ردی نازلیجان
توتَردی بورام ـ بورام
گیزلیجه اونا باخاردیق
اوره‌ییمیز کؤچَردی...
بلکه بیر چوبان نئییینده ایتیردیک نازلیجانی
اود بؤجَک‌لری ایله بیر اولدو، قیرپیشاراق توکَندی...
بیر نارین کَپه‌نک اؤلوسو بوراخیب تام اورتامیزا
قورشون کیمی، مین کیمی توتوشاراق توکَندی...
اوی، نازلیجان... وحشی بایبرلارین مارالی...
اوی، نازلیجان... ساچ‌لاری فیرتینایلا دارالی...
سن ده بؤیله گئدرمییدین اولدوزلار اؤلکه‌سینه؟
اوی، نازلیجان اوی... جان ائویندن یارالی...
سرین یایلا چیچه‌یی، اوی نازلیجان...
دَلی ـ دولو هیجان، اوی نازلیجان...
کؤکسومده بیر سئودا کپه‌نه‌یی
اؤلومه سوندوغوم جان، اوی نازلیجان ...
آرتیق، یئنیلمیش اوردولار قده‌ر
اَزیک ایدیک، صاحیبسیز ایدیک...
کئچیب گئتدیک، پارکا و اوره‌ک پارام پارچا
گئریسی اؤلوم دویغوسو،
گئریسی ساغیر، سس‌سیزلیک
کئچیب گئتدیک، نازلیجان بوشلوغو آرامیزدا..
بدیرخانی بیر گدیکده، آرخاسیندان ووردولار
یاریب چیخمیشکن نئجه بؤیوک آبلوکالاری
چیییندن سوروشن بیر توفنگ کیمی، یاواشجا
تیتره‌دی و ایکی یانا دوشدو قول‌لاری.
اؤلوم بیر گیجیتکن اودو کیمی، سارمیشدی هر یانینی...
دئوریلمیش بیر آغاجدی، آی ایشیغیندا گؤوده‌سی...
اوزانیب، بیر داملا یاش ایله توخوندوم کیپریک‌لرینه..
کؤکسومو چاتلادارکن نبضینین توکَنمیش سَسی..
سانکی بیر شوخلوق ایدی بو!.. بیر آزدان اویاناجاقدی
بیر آزدان اودو قاریشدیریب بیر سیقارا ساراجاقدی...
اویسا اؤلوم، صادیق قالمیشدی اؤز ایلقاریندا آه...
او دا نازلیجان کیمی، بیر داها اولمایاجاقدی!...
هئی، بدیرخان.. قاتران گئجه‌لرین هیولاسی!..
هئی، بدیرخان.. قانجیق پوسقولارینبلاسی!...
سن ده بؤیله بیته‌جک آداممی‌یدین دانیش‌سانا،
هئی، بدیرخان هئی.. مزاری قارتال یوواسی!..
مور داغ‌لارین قاچاغی، هئی بدیرخان!.
ماوی گؤزلری شاخان، هئی بدیرخان!.
ظولمتده بیر سوسقون گئجه پیچاغی
آغ کؤینه‌ییمده قان، هئی بدیرخان!.
بیز اوچ نفر ایدیک..
اوچ اینتیحار چیچه‌یی..
بدیرخان، نازلیجان
و من: صوبحی!...

متنی آیدینسا

حیاتین کیتابی

احتیاج یوخسادا تفسیره اگر

یازاجاقلار

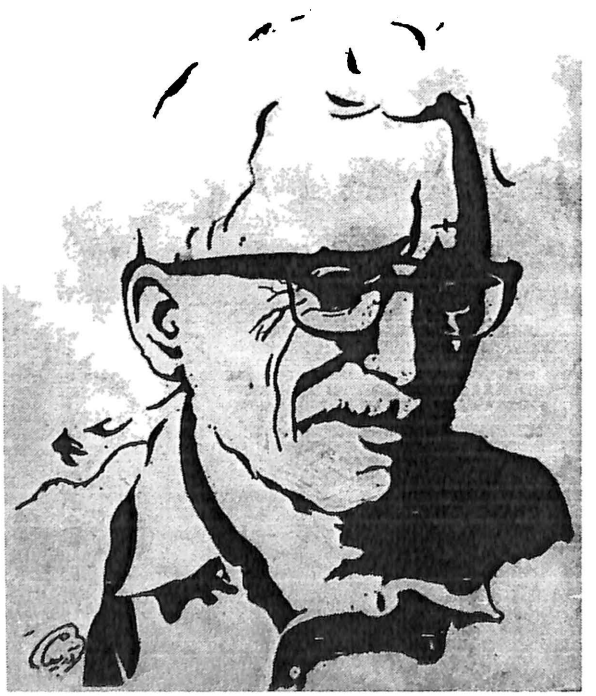
من اؤلندن سونرا

اونا مبهم و اوزون حاشیه-لر



رسول یونان

درینلیک اووچوسو



حبیب ساهرین شکیلینه باخیرام. آریق وخیردا بوی بیر کیشیدی؛ دونیانین بوتون قارلاری ساچلارینا یاغمیش و بیغلاری بیر آغ گؤیرچینه بنز
ه-یبر دوداقلاریندا. قوی بئله دئییم: بیر گؤیرچین اونون اوزونده یووا سالیب واونو گوجلو بیر اووچویا بنزه-درکن، گؤزلرینه سحر باغیشلاییبدیر .

ساهرین گؤزلری ایکی آچیق پنجره-دی رویالارا دوغرو. بو پنجره-لردن ائشیگه باخیب دونیانین ماوی درینلییینی سیرائتمک اولار. اونون یاشامینا دایر چوخلاری معلومات وئریب آنجاق او سؤزجوک-لره سیغماز بیر موتیودی .

یئنی شعرین آتاسی، کؤوشن، لیریک شعرلر، خوشه‌ها، اساطیر، سحر ایشیقلانیر، نمونه‌های ادبیات منظوم ترک، اشعار برگزیده، آرزی و قمبر، میوه-ی گس، افسانه شب و... کیمین یاراشیقلی کیتابلارین صاحیبی اولاراق بیر پارلاق اوسطوره-دی؛ چتینلیکده یاشاماق اوسطوره-سی .

حبیب ساهر، آتاسیندان یادگار قالان قرآندا یازیلان تاریخ اساسینا گؤره، ۱۲۸۲ -جی ایلده دونیایا گؤز آچدی و بو گؤز آچماقلا، بیر ماجرالی اؤیکو یاراتدی. اونون ایلک آغلاماسینی، ایلک کره تبریزین سرخاب محلله-سی ائشیدیبدیر؛ عاییله-سی نئجه ایل اوندان اؤنجه میلیانانین «تَرک» کندیندن تبریزه کؤچموشدور. اؤز دئدییینه گؤره یازین ایکینجی آیی، اکین-لر گؤورن زامان دوغولموشدور. هانسی گونده حیاتا گؤز آچدیغینی کیمسه بیلمیر .

حبیب ساهر ۵ یاشیندا آتاسینی الدن وئریر. اونون آتاسی «میرقوام» آل- وئرچی-ایدی. اونو بیر پاییز گئجه-سی تبریز قاریشیقلیغیندا اؤلدورورلر. میرقوام بیر قوناقلیغا گئتمک اوچون ائودن چیخیر آنجاق هئچ واخت ائوه دؤنمور. بئله-جه حبیب ساهرین یئتیملیک حیکایه-سی باشلانیر. او عاییله-سیله برابر چتینلیکلر گؤرور .

آلتی یاشیندان موللا مکتبخانالاریندا و سونرا یئنی اوصول ایله آچیلان مدرسه-لرده تحصیله باشلاییر. محمدیه مدرسه-سینده، تقی رفعتله تانیش اولور. تقی رفعت فرانسه دیلی و ادبیات معللیمی اولاراق بیر آدلیم شاعیر و یئنی شعرین باشچی-لاریندان ایدی .

حبیب ساهر اونون واسیطه-سیله تورکیه-ده یاییلان «ثروت فنون» و «رسیملی آی» کیمین درگی-لر تانیش اولوب، توفیق فیکرت و جلال ساهر کیمی شاعیرلرین دونیاسینا آیاق قویور و شعرلری یئنی-له-شیر .

1304- جو ایلده دیپلم آلیب، کوردوستاندا، کورد آغالارینین اوشاقلارینا معلّیملیک ائدیب آز چوخ پول قازانماندان سونرا ۱۳۰۶-جو ایستانبولا گئدیر و اوردا جغرافیا بؤلومونده تحصیل آلیر. آلتی ایل اوردا قالیر و بو آلتی ایلده، آمئریکالی-لارین کلوپوندا یاشایارکن، فرانسیز کشیش-لرله دوستلوق ائدیب اونلارین واسیطه-سیله فرانسه-نین یئنی ادبیاتییلا تانیش اولور. هابئله استانبولدا «ثروت فنون» تورک ادبی جمعیتینی یاخیندان درک ائدیب و نهایتده اؤزونو «ساهر» آدلاندیریر و ساهر یعنی گئجه-لری اویمایان، یوخوسوز قالان .

1312-ده لیسانس دیپلومونو آلیب و بیر ایل سونرا باتوم - تیفلیس - باکی – انزلی لیمانینین یولو ایله وطنه قاییدیر و معارف اداره-سینده استخدام اولور. زنگاندا و قزوینده تدریس ائدیر. سونرا تبریزده «نظام» و «فردوسی» و باشقا اوخوللاردا معللیملیک چیراغینی یاندیریر .

1325-جی ایلین قیشیندا، آنا دیلینده شعر و اؤیکو یازماق سوچونا گؤره تبریزدن قووولور و فیکرینه گلمه-ین سورگونلوگو باشلانیر. اونو اردبیله سورگون ائدیرلر. اوچ ایل اوردا تدریس ائدیر. سونرا باغیشلاییبلار دئیه اونو قزوینه گؤندریرلر. قزوینده تام اون-اوچ ایل یاشاییر و سونرا تهرانا دؤنور .

حبیب ساهر تهراندا شعره باغلی اولان یاشاییشینی دوام ائدیر. گوندوزلری، گئجه-لری تام شعره دوشونور. گونش چیخیر، باتیر آنجاق او شعر موتیولرندن آیریلمیر. مومللر ماسا اوسته سؤنور آمما اونون قلبینده کی آلوولانان آتش سؤنمور .

محبتلی اوشاقلاری و مهربان حیات یولداشی «نصرت-الملوک نوری» اونا شعر عالمینده سیر ائتمک اوچون گونو- گوندن چوخ فرصت یارادیرلار و یئنی شعرین آتاسی قیزیل دویغولاری تورا سالیر .

یازیر، پوزور آمما یازدیقلارینی یایا بیلمیر. پهلوی-لرین شوونیستی استبدادی اونو و آنا دیلینده چالیشانلاری اینجیدیر. او بو یاساغا قارشی موباریزه آپاریر، آمما پهلوی-نین شوونیستی افکارینی قورویانلار اونون دونیاسینی بیر دوستاغا چئویریرلر. بوندان بئله حیکایه بوردا سونا چاتمیر. ۱۳۵۷- ده انقلاب اولوب و او آزادلیغین نورو آلتیندا، تورک دیلینده یازدیقلارینی، اولدوز، یولداش، اولکر، چنلی-بئل، دده قورقورد، گونش، انقیلاب یولوندا، یئنی یول، کوراوغلو کیمی درگی-لرده، چاپا وئریر .

ایللر سوروشور و نهایت ۱۳۶۴-جو ایلین پاییزی یولدان گلیر. پاییز گلیر و باشقا دونیالاری اونون یادینا گتیریر. اوکی بو غملی یاشاییشدان بئزیب گئجه - گوندوز فیکره دالیر؛ اوزون وغملی فیکیرلره. اوزاقلارا دوشونور و گؤزلری بولودلار ایچینده یول چکیر .

بیر چوخ خزان گلیب، کئچدی ...

بیر چوخ کروان قونوب کؤچدو .

بیر خزاندا

یئتیم قالدیق .

بیر خزاندا

سئودالاندیق .

بیر خزاندا آلوولاندیق .

آن نهایت،

خولیالارین هاواسیندان

قانادلاندیق .

وصییت نامه-سینی یازیب بیر کیتاب آراسیندا گیزله-دیر .

سونرا کوت - شالوارینی گئییر، کرواتینی باغلایبر و اوزون بیر سفره حاضیرلاشیر. چانتا آردییجا گزمیر؛ بو دونیانین هئچ زادی اونون اوچون دیرلی دئییل. سون پاپروزلارینی بیر- بیر یاندیریب، هاچان گئتمه-یینه دوشونور .

-او فرصت آختاریرمی؟

بلکه ده! کمیسه دوزونو بیلمیر. او گئیدییی پالتاری و باغلادیغی کراواتی آچماق ایسته-میر و بئش – آلتی گون بئله-جه یاتیر، دورور. نهایت آذر آیینین ۲۳- ده گئجه یاریسی عایله-سینی یوخویا وئرندن سونرا سونونجو شعرینی یازیر. اونون سونونجو شعری بیر تابلودور، و او تابلودا بیر پنجره وار، او پنجره-نین چرچیوه-سینده بیر کؤلگه، آغیر- آغیر ترپه-نیر .

او غملی گئجه-ده-، حبیب ساهر دامداکی حیطه حایل اولان نرده-دن اؤزونو آسیر و آغیرلیغی ایله تراسا کدر باغیشلاییر. اونون دوشمه سسی، رسام اوغلونو اؤز افکارلاریندان آییریر؛ او هله یاتمامیشدی و ائولرینده کی اولان آتلیه-ده چالیشیردی. آتاسینین اوتاغینا قاچیر، آمما اونو اوردا گؤرمور. بس او هاردادیر؟ دئییب، اوتاغی نظردن کئچیریر. بیردن گؤزو پنجره-یه دوشور؛ گؤرور بیر کؤلگه اونون آرخاسیندا تووللانیر. اضطراب اورَییینه ال سالیر. تراسا قاچیر و اورادا آتاسینی آسیلمیش گؤرور. گؤزلری یاشا دولارکن آتاسینی آشاغی ائندیریب اونو اوتاغینا آپاریر. گونده کی یاتاغیندا اوزادیر. بیر آز سونرا آناسینی یوخدان اویادیب واونا دئییر :

-آتام قورتاردی ...

آز چکمیر بو قارا خبر بوتون عایله-سینی یوخودان اویادیب و اونلارین رویالارینی غملره قاتیر .

رؤیالارین درین دنیزی بوغدو بیزلری

شعریمده بللی-دیر

گئجه-نین غملی ایزلری

اونون، اؤز اؤزونو اؤلدورمه-سینی کئچیک قیزی «ثریا»دان گیزله-دیرلر؛ او چوخ گنجدیر. یالنیز اونا دئییرلر :

-آتان یوخودا دونیاسینی دَییشیب .

و ثریا فاجیعه-نین درینلییندن باش آچمیر .

او گئجه-نین صاباحی حبیب ساهرین جسمینی تهران شهرینین بهشت زهرا قبریستانیندا باسدیریرلار و بئله-جه اونون فیزیکال یاشاییشی باشا چاتیر، آمما روحونون، آدینین و شعرینین حیکایه-سی دوام ائدیر .

او اؤلوم گلمه-دن اؤنجه اؤزونو اؤلدورب گؤستردی کی اؤلومه باش أیمه-ین بیرموباریزدی و یاخاسینی اؤلومون الینه وئرمه-ین بیر شاعیر؛ نئجه ده کی اؤلوم سونرالار گلدی آمما اونو تاپا بیلمه-ییب الی بوش قاییتدی .

حبیب ساهرین اؤز اؤزونو اؤلدورمه-سی - یاراتدیغی سونونجو شعری- بیر گوجلو اعتراضدی؛ اؤلومه قارشی، غملی یاشاییشا قارشی، پهلوی-لرین شوونیستی دوشونجه-سینی هله ده داشییان-لارا قارشی. منجه اونون سونونجو شعری یاشاماغا دایبردی. منجه او اؤلمه-ییب، نییه کی اونون دیریلییینی من حیس ائدیرم و سسینی ائشیدیرم :

منی بو دونیادا

اولورسا سئون

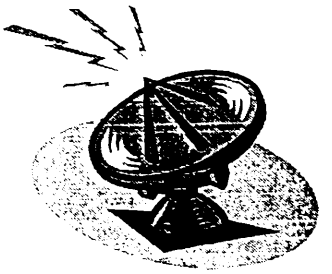
سرخاب داغلارینا

اولورسا گئدن

گئجه یاری-لاری یاندیرسین گون

من قیزیل آلووون ایچینده وارام

حبیب ساهرین شکلینه باخیرام و او پاپروزونو دویغولاریمدا آلیشدیریر ...



خبرلر - چؤزوملر - اولایلار

شب شعر و موسیقی آذربایجانی

با همت جمعی از دانشجویان ترک زبان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران در مورخه۸۸/۲/۸ سه شنبه از ساعت ۳۰/۱۹ الی ۲۴ در تالار بزرگ امام خمینی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران برگزار شد.

این مراسم سومین سال متوالی لست که در این پردیس انجام میشود.که همیشه مورد استقبال دانشجویان واقع شده است. بطوریکه امسال تعداد دانشجویان شرکت کننده و علاقمند آنقدر زیاد بود که ظرفیت تالار ۵۰۰ نفری امام خمینی پر شده بود و بیشتر دانشجویان علاقمند سرپایی به تماشای مراسمپرداختند.وبیش از ۷۰۰ نفر در این مراسم شرکت کرده بودند.

دانشجویان فعال در این زمینه:

مختار غفاری

سعید داداشی(تدارکات)

مهدی محمدی(انتظامات)

یاسر ارتشی(مجری)

محمد علیپور(تدارکات)

در این مراسم گروههای موسیقی آذربایجانی به ایفا و اجرای موسیقی پرداختند.

عاشیق احد ملکی علیشاهی و گروه موسیقی عاشیق وطن داش و یک گروه موسیقی پاپ آذربایجانی با سرپرستی و خوانندگی فرج اسدی اجرای موسیقی کردند.

مختار غفاری به عنوان مسئول اجرایی این مراسم ، بعد از تلاوتآیاتی از قرآن کریم توسط قاری و پخش سرود ملیدرسالن، شروع به سخنرانی و خوش آمد گویی به مهمانان کرد. و از مسئولین دانشگاه خواست که، یک کانون مستقل برای دانشجویان ترک زبان در نظر بگیرندکه، این موضوع با استقبال دانشجویان شرکت کننده واقع شد. . و اظهار امید واری کرد که در سالهای آینده این مراسم ادامه داشته باشد.در این مراسم مهندس مجتبی میراب زاده معاونت دانشجویی و فرهنگی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران به سخنرانی پرداخته و گفت: که این سومین مراسم شب شعر موسیقی آذربایجانی است که در ۳ سال گذشته در اینجا برگزار شده و بهترین برنامه در میان تمام برنامه های فرهنگی دانشجویی پردیس است. و اظهار امید واری کرد که در سالهای آینده این مراسم ادامه داشته باشد. در این مراسم دکتر امید رئیس پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهرانن یز حضور داشتند. سخنران این مراسم آقای دکتر ائل اوغلو بوده و چند تن از دانشجویان، شعر های دانشجویی خود را قراعت کردند . در پایان لوح تقدیر به میهمانان و هنرمندان حاضراهداء شد.

همزمان نمایشگاه کتاب نیز در محل تالار برگزار شد که با استقبال داشجویان مواجه شد.

میر حسین موسوی در همایشی یا نام گفت گوی اقوام ایرانی در حضور نمایندگی از قومیت های مختلف، از تاسیس بنیادی برای حفظ و گسترش زبان های مختلف اقوام ایرانی در دولت احتمالی آینده خود خبر داد.

به گزارش خبرنگار سیاسی ایسنا، عضو مجمع تشخیص مصحت نظام همچنین اجرایی کردن اصل ۱۵ قانون اساسی را از برنامه های خود عنوان و تاکید کرد که نگاه مناسب و غیرامنیتی به اقوام و مطالبات آنها از مهمترین دغدغه هایش محسوب می شود.

شانزدهمین دوره مسابقات فرهنگی و ورزشی سوارکاری عشایر آذربایجان شرقی متفاوت از دوره های قبل با حضور چشمگیر دولت مردان برگزار شد.

مراسم افتتاحیه این رقابت ها با تلاوت قرآن و سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز شد و در شانزدهمین چابکسوار زن ومرد در پنج کورس و به مسافت یک هزار و ۲۰۰ متر، رقابت ادامه یافت، در کورس های اول تا پنجم به ترتیب صمد حاجی خواجه ای، اسد حاجی خواجه لو، خلیل بیانی، عزیز بیانی و ایرج محمدی عناوین اول را کسب کردند.

در بخش زنان نیز مه لقا خانی برای چندمین بار متوالی عنوان قهرمانی را از آن خود کرد و از سوی دبیر فدراسیون برای حضور در مسابقات کشوری دعوت شد و فاطمه خانی به مقام دومی رسید.

از سوی ستاد برگزاری ۳۰ میلیون ریال برای نفرات برتر چابکسواران اهدا شد.

این جشنواره با حضور حدود ۱۰ هزار علاقه مند در روستای صومعه شهرستان کلبیر برگزار شد و تعداد زیادی از مسئولان کشوری، استانی و منطقه ای از نزدیک شاهد این مسابقات بودند و هماهنگی عوامل امنیتی و انتظامی شهرستان در حد بسیار بالایی برگزاری این جشنواره را به عهده داشتند و به همین دلیل نظم محل برگزاری متفاو تر از سال های قبل بود.. اما باز هم مثل دوره های گذشته دریغ از امکانات رفاهی! در عوض باران حشرات تماشاگران را حسابی اذیت کرد به هر حال اکثر تماشاگرانی که از سایر شهرستان ها به این جشنواره آمده بودند ناراضی برگشتند چرا که اغلب آنها به خاطر علاقه به ورزش و فرهنگ عشایر به این جشنواره می آیند و بعد از آمدن با کمبود امکانات رفاهی و اقامتی مواجه شده و از آمدن به این جشنواره پشیمان می شوند و از عدم تحقق وعده های داده شده برای ایجاد امکانات در این منطقه گله مند هستند.

کنگره بزرگداشت استاد شهریار

دانشگاه کردستان

انجمن فرهنگی ادبی حیدر بابا (**دانشگاه کردستان**) با شروع سال تحصیلی جاری، فعالیت خود را برای برگزاری کنگره بزرگداشت استاد شهریار به صورت کشوری با تصویب طرح از طرف وزرات علوم تحقیقات و فناوری آغاز کرد.این انجمن با ارسال پوستر فراخوان به مراکز علمی کشور جامعه علمی را به شرکت در کنگره دعوت کرد. تاریخ برگزاری این کنگره ۸۸/۲/۱۰ بوده و میهمانان در مهمانسرای دانشگاه اسکان داده شدند.این کنگره یک روزه و با حضور اساتیدی از سطح کشور و ارائه مقالات ارسالی در سالن آمفی تاتر مولوی اجرا گردید.در این کنگره بعد از خوش آمد گویی و سخنرانی آقای حاتمی و حاج آقا افشار دعوت شدگان به ایراد سخنرانی و قراعت مقالات خود کردند. مهمانان ویژه-یاین کنگره عبارت بود از:دکتر محمد رضا باغبان کریمی، استاد صاحبدل، رضاهمراز، عابدینی ،حیدربیات، استاد جمشید شیبانی، اوستاد گونئیلی، دکتر بامدادی ،دکتر ائل اوغلو، اوستاد فتح الهی،سیاوش روشن، خانم شریفه جعفریبودند. دراین مراسم گروه موسیقی " ساری تئل "با سرپرستی آشیق قربان پوردل در اجرای هنرمندانه-ی آوازهای آشقی که متبلور غنای فرهنگی آذربایجان بود ایفای نقش کردند.همگامان او دراین برنامه جمیل جمال زاد وقادر یوسفی بود. حسن ختام برنامه اپرای سهندیه بود که توسط گروه آذربایجان به سرپرستی حسن دمیرچی اجرا شد. از مسئولان دانشگاه جناب آقای دکتر شعبانیان همکاری بسیاری با کانون به عمل آورد ه اندکهتوس مجریان و مهمانان گنگره، از ایشان کمال تشکر بعمل آمد..مسئولان و همکاران برگزاری این کنگره : هادی حسنی ، محمد رضا حاتمی ، رشید بخشی ، زهرا حسن زاده ، حمیده شناوری، سالار قشلاقی، خلیل عباس نژادف وحید حمیدی و بسیاری از دوستان و اعضای انجمن ادب حیدربابا بود.

بیانیه بان کی مون به مناسبت
روز جهانی آزادی مطبوعات

دبیر کل سازمان ملل با محکوم کردن حمله به روزنامه نگاران در سراسر جهان از دولتها خواست تا مواردی چون قتل ، حبس و دیگر اقدامات سرکوبگرانه علیه این قشر را متوقف کنند.بگزارش خبرگزاری فرانسه ، بان کی مون در بیانیه ای که به مناسبت روز جهانی آزادی مطبوعات منتشر کرد ، با اشاره به نگران کننده بودن برخی اعمال به کار گرفته شده علیه روزنامه نگاران گفت: بنابر آمار کمیته دفاع از روزنامه نگاران ، سال ۲۰۰۸ حدود ۴۱ روزنامه نگار در حین انجام وظیفه کشته شدند.بان همچنین با اشاره به ترور لاسانیا ویکریماتونگا روزنامه نگار برجسته سریلانکایی در آغاز سال ۲۰۰۸ از دولت این کشور خواست تا اقدامات لازم را برای دستگیری قاتلان و معرفی آنها به دستگاه قضایی ،اتخاذ کند. دبیر کل سازمان ملل همچنین بااستناد به گزارش کمیته یادشده اظهارداشت: بیش از ۱۲۵ تن از روزنامه نگاران در سال ۲۰۰۸ در حبس بودند و برخی از آنان هم از چند سال پیش تا کنون همچنان در زندان بسر می برند.



شعر یمیز

سهراب طاهر

گولوم
بو یوللار باغلی‌دیر منیم اوزومه
گئدیرم اوز توتوم صاباحا، گولوم
منه کؤمک ائیله منه ال یئتیر
یئتیم او دونیادا آللاها، گولوم

من اونون یانینا گئدیم نه اوزله
اویونلار اوینادی بو دونیا بیزله
کیمه نه ائتمیشدیک بو سئوگیمیزله
نییه بیز باتمیشیق گوناها، گولوم

سندن قالدی منه بیر شیرین یوخو
اوزو قارا اولسون الی بوش یوخو
باغلانیب اوزومه یوللارین چوخو
گل دؤنک گئرییه بیر دها، گولوم

دؤنوکلر دیلنچی، کوچه‌لر سفیل
بو باغلی قاپیلار آچیلان دئییل
گل سن ده گؤیدن اِئن، پری‌یه چئوریل
من ایسه چیققاسیز بیر شاها، گولوم

چکر آذر - آذر تزه یول گؤیه
گئدر گیلئیینی آللاها دئیه
داها چاتماق اولمور، اولمور بس نییه
سئوگیدن تیکیلمیش درگاها، گولوم

پاشا قلبی نور

ساری گول

یئره دوشوب سرچه نین
ساری دی‌م‌دیک بالاسی
گؤزل‌رینده
گه لین اؤرپگی کیمی‌ی،
نازیک پرده
نفس آلیر
ط ب ع یت اؤزونون
نئچه مین، نئچنجی مؤعجیزه سینه
تورپاق اوسته
مئه دیلینده لایلا چالیر
سینه سینده دؤیونن
ائله بیل
یومورتا ساری‌سیدی
یوواسینی تاپمادیم،
آناسی دا گؤرونمور

بلکه اوزاقلاردادی،
اوزونو چاتدیراجاق
بلکه گلن یاز آنجاق،
بو ساری گول بیر آز دا،
بیر آز دا سارالاجاق

حمید آصفی
- اللر یوخاری
ترپنمه اجلاف
شعیر یازیر ایچیمده بیری
دیسکینیر قولاغیم
قارا خبردن
بیر اووج سو قیراغیندا
قاندالانیر ایچیم
- اللر یوخاری
ترپنمه...
اوریم جیب لری اورلانیر
و هامینی آجی تامسینیرام
- اللر یوخاری
مفتیله باغلانیر
دووره م
بیاض لیغیم اوچوقلائیر
دوداغیمی چئینه ئیرم
سنین گلمه ینین موشتولوغونا
رحم ائتمه دن
-اللر
اجلاف
یوخاری
اجلاف
غارت اولدو شعریم
اورلاندی اللریم .

(ح.ش سوی تورک)

عاشقین دیلی

تومورجوغوم عوصیان سئوداسیندا
قاریسا دا یاشیم، قوجالسا دا باشیم
ساواش هاراییندا عاشقین دیلی
سؤنموش اوجاقلاریمیزدا
کؤزون کوز، کول آلتیندا بیر اؤز
دارغین، سارسیلمیش، سولموش چیچه‌یم
اورتا آسیادان، قافقازلاردان،
اورتا دوغودان، بالکانلاردان، آنادولودان
اسن، سازیمین تئللرینده،
آنالارین حوزونلو تورکوسونون
ایللر بویو قاپانمیش، صاباحی بللی
اولمایان عاشقین دیلیم،
آتالارین قهرمانلیق داستانی
قابار اولموش، کینه دونموش
قابار اولموش، کینه دونموش
اوفکه آدلی اوره ییم بیر بوداغین دالیندا
قارانلیق گئجه‌نین آیدین صاباحی
صاباحلارین چیرپینان اوره‌یی
کیتابلاردا اوخونان، اوره‌کلرده دویولان
اینجی تک تاریخ ساییندا پارلایان
عاشقین دیلیم،
باخما دیلیم، دیلیم، اوزده بئله‌یم
سال قایلاردان، بیتیشیک تورپاغیمدا
یئنه بیرم،
یام یاشیل اورمانام، پوسگورن وولکانام
گاه آرازام، گاه ایتیل، گاه دا کورم
نه ببلیم، من بویام، بئله‌یم
بئله‌لیگین آدی عاشقین دیلی
باخیشام، آشیغام، اوزانام، یانشاغام
سایایام، شامانام، ان قدیم دده‌یم
من یئر قدر اسکی‌یم، قدیمم
اورمانلار کیمی یاشیل، داغلار کیمی ووقارلی
قلم قدر کؤورک، اورک کیمی چیلغین
یاش کیمی قوجا، باش کیمی حوجا، سو کیمیدورو،
چیچک کیمی یوموشاق روحام

اینجه اینسانلیق باغچاسیندا،
تورکو، تک تورکم، سؤزتک ابدی
وارلیق کیمی حئیرت، عئشق کیمیدورو،
سوزگون، اینجه عاشقین دیلییم
باهارام عؤموردە، یایام ثمردە، پاییزامدویغودا،
دؤزومم ، صبریم قیشین اؤزونده
من اولویام، اؤلومسوز، بیر سونسوزلوقدا
ایگیدلیک، سئوگی و سئومک کیمی
عاشقین دیلییم.

آزرائللی «منوچهر فضلی خلف»

دیدرگین

اؤزومو بولماغا، منه کؤمک اول
سنی ایتیردیکده، من‌ده ایتمیشم
نئچه یول گؤزومون سئلینده اوزوب،
آختاریب، دنیزه قدر گئتمیشم

آی منی اؤزومدن دیدرگین سالان
سنسیزلیک دونیامی ائیله‌ییر تالان
گوندوزوم ده یالان، گئجه‌م‌ده یالان
یوخونو گؤزومدن سیلیب آتمیشام

من آزرائللی‌ام، نه اولور - اولسون
ایسترسه عزراییل بوشونا گلسین
جان وئرن دئییلم فلک‌ده بیلسین
سئوگی تانریسی‌نین الین توتموشام

جمشید شیبانی

اوخویان قلمقاشدی
سئوگیلیم قلم قاشد
یاردان شکیل چکیردیم
هوش گئتدی، قلم قاشدی
آرات ائیله سور یئری
زامان کئچیر، سور یئری
کاروان گئتدی قاباغا
دایانما، یوگور، یئری

خوش گلدین گؤزوم اوسته
دورموشام سؤزوم اوسته
یانمیشام قوتارمیشام
گلیبسن گؤزوم اوسته

آی گئدر باتار ایندی
کاروانیم چاتار ایندی
منزیل-منزیل یول کسیب
نازلی یار یاتار ایندی

یاسدسغیم یه هر اولدو
گون جیخدی سحر اولدو
دؤردیانی دوشمن آلدی
حالیم بیر تهر اولدو

کسگین
ایسته یر
بیلیرم وعده مه گلیب چاتمادیم
کوسموسن باخیشین باریشماق ایسته یر
دوزنمز هیجرانا بو دلی کونول
قوللاریم قوینوا ساریشماق ایسته یر

دورموشام عهدیمده وقارلی داغ تک
آچیبدیر گولشنیم چیچکلی باغ تک
قایناشیر عشقیمیز داماردا یاغ تک
قانیم باخ قانیوا قاریشماق ایسته یر

گل گزه ک قوشاجا بو شان دیاری
یاشایاق کدرسیز بیر عؤمور باری
کونولدن، کونوله آلاق ایلقاری
ندن کؤنول فیکرین دریشماق ایسته یر

هر گلیب گئدندن سنی یوخلارام
سینه مین سئری سان گیزلی ساخلارام
محبت اهلی سن «کسگین» یوخلارام
روحوم باخ جانیوا داریشماق ایسته یر

عزیز فلاحت دوست

قیرخ گون قاباق ایل گؤروشو
ایندی گلیب ایش بایرامی
او خالقیمین شنلیک گونو
بو، ایشچی نین باش بایرامی

ایستیثمار شیره سین چکیب
زحمت کئشه کدر اکیب
ایشچی باحالیقدان چؤکوب
هئچ گلمه دی خوش بایرامی

دؤرد فصیلده یاندیق اودا
قازانجیمیز چاتدی یادا
بیرکس یئتیشمه دی دادا
یای-یاز ، پاییز – قیش بایرامی

بیر ایل ایشچی گودور یولو
بورجو آغیر جیبی خالی
موزدو آرتسا پایین آلی
دئیه ر یئته کاش بایرامی

"عزیز "سیزه شعیر یازدی
سیزین بیرلیگیزه بازدی
ایستر آرتا ایشچی موزدو
حقین آلا ایش بایرامی

صالح صفریان (بولاق)

سوراغلا منی
بیر گون منیمسه ییب داریخاجاقسان،
کئچن خاطیره دن سوراغلا منی
اؤلسه م غریب یئرده، بیر یاد اؤلکه ده
غئیرتلی یوردومدا تورپاغلا منی

دیریکن اؤله نین حالین گؤرنده
ائله بیل جیسمیمی چکیرلر بنده
قیندا قورویارکان غونچا چمنده
یاسلی قوجاقلاردا سوراقلا منی

شعریم غم کدرله دولودور یامان
گؤزوم گلجه یی گؤزلر نیگران
کسنده یوللاری کور چیسگین دومان
قیرمیزی قانیله بویاقلار منی

زامان تانیتدیرار دوستو دوشمنی
اوتاردونیا بیزی ایتیرسن منی
شعریمله سواررام چؤلو چمنی
خالقیم تانیاجاق بولاق لا منی

کیم کیم دیر؟



ممد راحیم

حسین اوف ممد ،عاباس اوغلو (ممد راحیم) – شاعیر،ترجومه چی ۱۹۰۷اینجی ایل آپرئلین ۲۰سینده باکیدا کیچیک صاحیبکار عاییله سینده دوغولموشدور.۱۹۱۷اینجی ایلده آتاسئ اؤلموش،دمیر یولو خیدمتچیسی اولان بؤیوک قارداشئ نین حیمایه سینده یاشامیشدیر.

باکئ شهر مکتبلرینده تحصیل آلیب،۱۹۲۸اینجی ایلده شرق شوناسلیق فاکولته سینه داخیل اولموش،عینی زاماندا ۱۹۲۸– ۱۹۳۱اینجی ایلده آذرنشرده ترجومه چیلیک ائتمیشدیر.پئداقوژی فعالییته بیرینجی باکی بئش ایللیک سووئت مکتبینده باشلامیشدیر(۱۹۳۱– ۱۹۳۵).

۱۹۲۶اینجی ایلده ایلک شعری «گؤردوم» ،۱۹۳۰اونجو ایلده ایسه ایلک شعر کیتابی - «آرزولار» چاپ اولونموشدور.دؤوری مطبوعاتدا فعال چیخیش ائتمیشدیر.۱۹۳۸– ۱۹۴۰یازیچیلار ایتتیفاقیندا شعر بؤلمه سی نین رهبری و تشکیلات کاتیبی،مودافیعه بؤلمه سی نین رهبری (۱۹۴۱– ۱۹۴۶)، هم ده ایراندا خوصوصی اعزامییتده اولموشدور.

۱۹۴۶اینجئ ایلدن یالنیز ادبی یارادیجیلیقلا مشغول اولدوغونا گؤره ایشله مه میشدیر.موعیین فاصیله دن سونرا یئنی دن یازیچیلار ایتتیفاقینا پوئزیا بؤلمه سینه رهبرلیک ائتمیشدیر(۱۹۴۷-۱۹۵۲).

تورکیه یه و آرالیق دنیزینه سفره چیخمیشدیر.خسته لندیگی واختا دک یالنیز یارادیجیلیق فعالییتی ایله مشغول اولموشدور.«خاقانی» (۱۹۵۵) منظوم درامینئ، «سایات نووا»، (۱۹۵۶)، «ناتوان» (۱۹۶۲) پوئمالارینئ یازمیشدیر.

ش.پئتئفی،بئرانژه، آ.تواردوفسکی، آ. بلوک، شیللر،نئکراسوف و ... ترجومه لر ائتمیشدیر.

اونون اثرلری کئچمیش سووئت خالقلارینین دیللرینده و بیر سیرا خاریجی دیله ترجومه ائدیلمیشدیر.ممد راحیم آذربایجان یازیچیلار بیرلیگی نین عوضوو،آذربایجان خالق شاعیری وآذربایجان امکدار اینجه صنعت خادیمی اولموشدور.

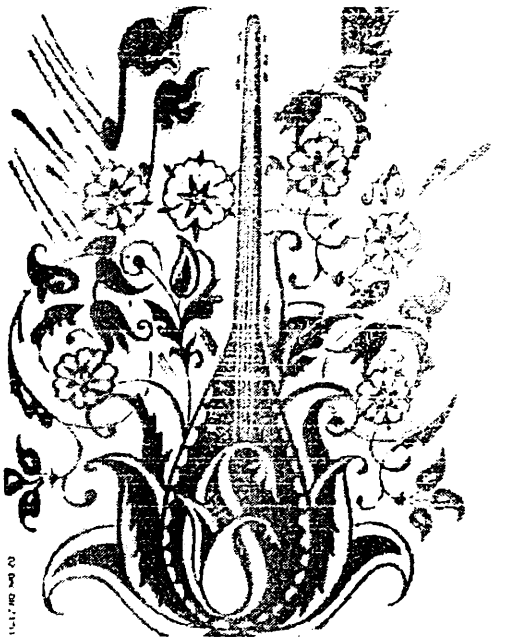
۱۹۴۵و ۱۹۶۷اینجی ایلده لئنین اوردئنینه،۱۹۶۵اینجی ایل «قیرمیزی امک بایراغئ» و ۱۹۷۷اینجی ایل «اوکتیابیر اینقیلابی» اوردئنلرینه و میداللارینا لایئق گؤرولموشدور.

۱۹۷۷اینجی ایل مایین ۶دا باکیدا وفات ائتمیشدیر.فخری خییاباندا دفن اولونموشدور.

اثرلری

۱ .آرزولار (شعرلر)، باکی ۱۹۳۰،۲ ایکینجی کیتاب(شعرلر) ۳ . پارتیزانین توفنگی (شعرلر) ۴ .ایلدیریمین کیتابی ۵ .

آرزو قیز ۶ . وطن سئوگیسی ۷ . سحرین نغمه سی ۸ . اونو دون قوجاقلادی ۹ . اولمز قهرمان ۱۰ . خزر ساحیلینده ۱۱ . لئنینگراد گؤیلرینده ۱۲ . آبشرون تورپاغیندا ۱۳ .بالاجا باغبانلار ۱۴ . محببتین باهاری ۱۵. آرزولار گول آچاندا ۱۶ . تونقال باشیندا ۱۷ .دایاغیم (شعر) و...



آشیق علعسگر

علسگر آل ممد اوغلو (آشیق علسگر) ۱۸۲۱اینجی ایلده ایروان خانلیغی نین گؤیچه ماحالی نین آغ کیلسه کندینده آنادان اولموشدور.گؤرکملی آشیق – شاعیر اولموشدور.

قوشمالار،تجنیسلر،گرایلیلار،دوداقدیمزلر یازیب،اونلاری شؤوقله سازدا ایفا ائتمیشدیر. او،هم ده داستان سؤیله ین اولموشدور.آشیق صنعتینی بؤیوک اوستاد آشیق علی دن اؤیرنمیشدیر.آشیق علسگرین سؤزلرینه یوزلرله ماهنی و رومانسلار بسته لنمیشدیر.پوئزیاسی نین اساس مؤوضوعسو طبیعتین گؤزللیگی،محببت،عاشیقانه و قهرمانلیق داستانلاری اولموشدور.او،گؤیچه آشیق مکتبینه رهبرلیک ائتمیش،اوستاد آشیق اولموشدور.آشیق علسگرین شئعرلری آذربایجان و روس دیللرینده نشر اولونموشدور.۱۹۱۲اینجی ایلده اونون خالاسی اوغلو موللا رحیم ۲۸ایللیک سورگوندن سونرا قاییدیب آغ کیلسه یه گلیر.علسگرین اوغلو بتیر بیلمه دن اونو توفنگله اؤلدورور.

۱۹۱۵اینجی ایلده آشیغین حیاتیندا داها کدرلی بیر حادیثه باش وئریر.قارداشئ اوغلو،هم ده کوره که نی جاوان یاشیندا وفات ائدیر.بیر ایل سونرا اوغلو بشیر کندین کووخاسینئ اؤلدوروب قاچیر.بوندان اؤترو آشیغین قارداشئ خلیلی و اورتانجیل اوغلو عبدوالعزیزی توتورلار.بو حادیثه لر قوجا آشیغین قلبینده درین بیر غوصه، غم- کدر عمله گتیریر.اونون صنعتکار اوره یی ائله توتولور کی،بیر داها الینه ساز آلیب چالا بیلمیر.

۱۹۱۸– ۱۹۱۹اونجو ایللرده داشناکلارین تورکلره تؤرتدیگی قیرغین نتیجه سینده گؤیچه ماحالئ نین وار – یوخو تالانمیش،اهالی اؤز ده ده – بابا یوردونو ترک ائدیب باشقا یئرلره کؤچمه یه مجبور اولموشدور.ایکی ایله قدر «یانشاق» دا یاشایان آشیق – شاعیر سونرا «ترتره» کؤچموش،بیر نئچه آی دا اورادا قالمیشدیر.بو یئرلرین هر بیرینده آشیغئ حؤرمتله قارشیلاسالاردا، اونون اوره یی – گؤزو گؤیچه ده ایدی.قلبی تئز – تئز قوبارلانیر،گؤزونو آچیب گؤردویو دوغما یئرلر:سرینر، موروو،موشوی داغلاری،خاچبولاق یایلاقلاری اوچون داریخیردی.

نهایت،۱۹۲۱اینجی ایلده او،آغ کیلسه یه قاییتمیش،عؤمرونون سون ایللرینی دوغما کندینده یاشامیشدیر.آنجاق اونون چال – چاغیرلی گونلری قورتارمیشدی.عؤمرونو تویلاردا،شادلیقلاردا کئچیرن آشیق ائوده اوتورماقدان داریخیر،قوجالیقدان، خسته لیکدن شیکایتله نیر.او، تئز- تئز کئچمیش گونلری خاطیرلاییر،دونیا و حیات باره ده دوشونوب کدرله نیردی:

سئکسنی،دوخسانئ کئچیبدیر یاشیم
عزراییل همدمیم،مزار یولداشیم.
گور دئیه ترپه نیر بلالی باشیم
داها کؤچ طبیلین چال ،قوجا باختیم.

آشیق علسگر ۱۹۲۶اینجی ایل مارت آیی نین ۷ده دوغولدوغو کندده وفات ائتمیش،آغ کیلسه قبرستانلیغیندا دفن اولموشدور.

۱۹۷۲اینجی ایلده آشیق علسگرین آنادان اولماسی نین ۱۵۰ایللیگی آذربایجانین هر یئرینده بؤیوک طنطنه ایله قئید اولونموش،بو موناسیبتله آذربایجان علملر آکادئمیاسی طرفیندن اونون اثرلری نین ایکی جیلدلیک علمی نشری حاضیرلانمیش و چاپ ائدیلمیشدیر.

ارمنی لر ۹۰ اینجی ایللرین اوولرینده آذربایجانین بؤیوک آشیق – شاعیری نین قبرینی وحشیجه سینه یئرله یکسان ائتمیشلر.

بیر عؤمورون ایشیغی

(استاد حسین اسدی اوچون)

عدالت امّی (دومان)



بو گونکو قونودا اؤز حالال زحمتی نتیجه سینده صنعت زیروه سینی فتح ائتمیش،سئومه یی- سئویلمه یی باجاران خالقین اورگینده ابدی یئر توتموش آدییلا اؤیوندویوموز حقیقتن ده دده لیک مقامینا یوکسلمیش سئویملی بیر صنعتکاردان سؤز آچماق ایسته ییرم. آذربایجان خالقی نین آراسیندا هانسی سا کؤیده- شهرده یاشماسیندان آسیلی اولمایاراق اوستاد حسین اسدینی تانیمایان بیر کسین اولماسینا اینانماسامدا، آنجاق یئنه ده بئله بیر عوضسیز صنعتکارین شرفله کئچدیگی عؤمور یولونا بیر نظر سالیب، اونون حاقیندا بیر نئچه سؤز یازماغی اؤزومه بورجو بیلیرم. ۳۰ ایلدن چوخدور کی، ایران تورکلری آراسیندا هر زامان-هر یئرده سازدان سؤز دوشنده ایستر-ایسته مز هامیدان اؤنجه حسین اسدی یادا دوشور. حسین اسدی ۱۳۴۰ جی ایلده قارا داغین محمد خانلی ماحالی نین کیریشان کندینده موسیقی سئوه ر بیر عائیله ده دوغو لوب.

ان کیچیک یاشلاریندان بئله موسیقی یه حددسیز دره جه ده ماراغی اولان حسین،آتاسی محمد علی کیشی نین دیققتینی اؤزونه چکیر. اوره یی قدر سئودییی اوغلوندا بو ایستعدادی حیسس ائدن آتا هئچ بیر تویا، ائلین ساز-سؤز مجلیسینه حسین سیز گئتمزدی .

آشیقلارین چالیب اوخوماسینا تام ووجودی ایله دینشک کسیلن ،ا ؤزوندن چیخمیش کیمی ، چاغیرسان بئله ائشیتمه ین کؤرپه یاشلی حسین سانکی هانسی سا عا لمه یول آچیر، آرزو لارینین آردیجا گئدیردی. اودورکی، محمد علی کیشی بو اوشاقدا نه سه وار دئیه اوغلونا ساز آلماق فیکرینه دوشور. حسین ۱۲ یاشینا چاتار- چاتماز آتاسیندان اونا قالان ان ده یرلی و قییمتلی وارلیق حساب ائتدیی،میللی -معنوی ده یرلریمیزین سئمبولو، اوزان یادیگاری تئللی سازینا قووشور. سازی الینه آلاندا اوره یی سازین تئللری کیمی اسیم -اسیم اسن هیجانلی، ایستعدادلی حسین سازا آلیشماق اوچون کیمدن سه اؤیرنملی ایییدی.

آشیقلار یوردو قارا داغدا واختییلا تانینمیش، خالق آراسیندا سئویملی آشیق کیمی آد قازانمیش آشیق هیممت ین اوغلو " عزیز مئهر پور"ا شاگیرد اولور. همیشه سایقی و ائحتیراملا یاد ائتدیی عزیز مئهرپوردان سازین ایلکین سیرلرینی اؤیرنمکله سازین- سؤزون سیرلی-سئحیرلی دونیاسینا قدم قویور. طبیعی کی چئوره سینده اولان آشیقلار ایله ده مومکون قدر علاقه و ایلگیده اولماقلا اونلارین سازلی- سؤزلو مجلیسلریندن یاخشیجا فایدالانیر. آما آنا دیلینده تحصیل و ائیتیم آلمادیقیندان گونو-گوندن ساوادسیزلیغا،بیلگیسیزلییه اوغرایان خالیقین موسیقیسی و ادبییاتیداکاسیبلاماغا دوغروگئدیردی. آذربایجان آشیق مکتبلری آراسیندا اؤزه ل یئری اولان، واختییلا دده قوربانیلر یئتیرن قاراداغ

آشیق موحیطی ده باخمایاراق کی سای باخیمیندان هئچ واخت آشیقی آز اولمامیشدی، آما آرتیق یو خاریدا دئدیگیم سببلر ین اوجباتیندان آشیقلارین ایفا سوییه سی زامانیمیزا ، دؤورروموزه گؤره هئچده راضی ائدیجی دئییلدی. آشیقلیقدا هئچ بیر یئنیلیک گتیرن اولماماقی او یاندا قالسین ، اونودولوب آرادان گئتمک اوزره ایدی چون کی موسیقی مکتبی هله بیر یانا! عادی یازیب اوخوماق ایمکانسیزلیقیندان سازیمیزدا سؤزوموزکیمی گئت-گئده ایره لییه دئیل بلکه گئریییه دوغرو گئدیردی آما آتالار یاخجی دئییبلر کی ان سوندا اومود اؤلور . سو گلن آرخا بیرده گلر!. اوزونه قارانلیق چؤکموش سازیمیز ظولمتلر ایچینده بوغولار کن اولو تانری بیزلره بیر ایشیق ارمغان گؤندردی. ساز دونیامیزدا حسین نقاش،حسین کیرشانلی،حسین اسدی آدلاریلا تانینماغا باشلایان ۱۸-۲۰ یاشلی دولغون ، چیلغین بیر ایستعداد آل گونش کیمی پار- پار پاریلدادی .و سازیمیزی یئنیدن حیاتا قایتاردی. خاطیرلادیم کی اؤلمز سازیمیزا یئنیدن اؤلمزلیک قازانان اؤلمزصنعتکار،سازدا اؤتکم اولدوغو کیمی تارد دا اوتکم اولدو .

موغام دونیامیزین دینه ن دیلی،چیرپینان اوره یی تاردا یئنی-یئتمه چاغلاریندان بری چوخ گوزل ماهنیلار چالماقینا باخمایاراق ، اوستاد گؤرمه یه نین ایشی خام قالدی دئیه واختیلا باکیدان گلمیش رحمتلیک میرزه فتحعلی نین نتیجه سی عادیل آخوندزاده نین تار آلتی اوزره مکتبینده بیر موددت ائیتیم آلمیش و موکمل تار اوستادیکیمی ده یئتیشمیشدیر.

آرتیق ۱۰ ایلدن چوخدورکی سازلا یاناشی تارین دا چوخ گؤزه ل و ماهیر اوستادی اولاراق ائلین شنلیکریندە، (عشقین اولسا سیه نن اوسته تاردا بیردی سازدا بیردی) دئیه سئوه -سئوه ایشتیراک ائدره ک سئوناورکلری،دویان کؤنوللری اوخشاییر.موسیقی و مدنییتیمیزین کئشییند لاییقینجه دایانان، آغیر زحمتلره قاتلاشان اوستاد اسدی نین صنعت یوللاریندا چکدیی شرفلی زحمتین بهره سیده گؤز قاباغینداد اونون دونیا شؤهرتلی، سازیمیزی دونیا موسیقی مئیدانلاریندا یوکسک زیروه لره قالدیران عزیز شاگیردی چنگیز مئهدی پورون آدی سؤزوموزون سوبوتودور. باخمایاراق کی اوندان باشقا یوزلرله سازیمیزین مسئولییتینی داشییانلار اونون اؤزوندن،یا یئتیرمه لریندن اؤیرنیبلر.

ائلجه ده هونر مئیدانیندا دئمه یه سؤزو اولان آدلی-سانلی احمد حمیدی،حسن شرفی اکبر باقری کیمی صنتکارلارین دا بیر اوستاد کیمی یئتیشمه سینده امه یی- زحمتی آز اولماییب. اوستاد اسدی گئرچکدن بیر ایکی صحیفه لیک مقاله یه سیغاجاق بیر هونرمند اولمادیقنی سند سئورلر یاخجی بیلیر لر. چون کی نئچه کی اینسان و اینسالیق وار،صنعت و صنعتچی وار ! اونون حا لال زحمتی نین بهره سی بشرییتین خیدمتینده اولاجاق. اوستادا اوزون عؤمور،جان ساغلیقی آرزوسو ایلا ، هله لیک.



دکتر م. جعفرزاده

بودا نارا ناغیلینین باشقا بیر واریانتی :
بو واریانتی بهرنگی" و دهقانی توپلامیشلار کی عینا " رحمتلیک م. ع. فرزانه" نین همتی ایله باسیلان کیتاب دان نقل اولور :

نارا خاتین

"بیر دانا ننه وارایدی بیر دانا قیز . قیزین آدی نارخاتین ایدی . ننه ده بیر دانا دئوه عاشیق اولوب گتیریب سالمیشدی بیر دانا اوتاغا.
بیر گون آچار قالمیشدی یئرده . قیز گئدر اوتاغی آچار گورسون نمنه وار .آچار گورر بیر دانا دئو دی . آچار لاری گتیرر قویار یئرینه . آخشام ننه سی گلر گئدر دئوی گورسون .
دئوه دییر : نه سن گوزل نه من گوزل ، ایللاه کی آقا دئو گوزل
دئو دییر : نه سن گوزل نه من گوزل ، ایللاه کی آقا دئو گوزل
دییر : سن نارا خاتینی هاردا گوردون ؟
دییر : گلمیشئدی بورایا .
آرواد چیخاردار قیزی اوتورر ائشیگه قیزدا گئدر ، گورر آخشام اولدو ، بیر قاپی آچیق دی ، گئدر اورا . گئدر دولانار هر یانی . گورر هچ کس یوخدو . آدام ۰زاد دا یوخدو . اوتورموشدو گورر یئددی دانا اوغلان گلدی .دئمه یئددی قارداش ایمیشلار. دیرلر : قیز سن بورادا نییلیرسن ؟
دئیر : بوجور ، ننه م دئوه عاسشیق اولموشدو ، دئو منی گوروب ، ننه م منی اوتوروب ائشیگه . دا بیر یانیم یوخدو ، گلمیشم بورایا من ده .
دییرلر : لاپ یاخشی سن ده بیزیم باجیمیز .
بویول اوغلانلار گونوز گئدیردیلر ایشه ، آخشام باجیلارایلا یئییردیلر ایچیردیلر.
یئنه بیر گون آرواد گئر دئوین یانینا . دییر : نه سن گوزل نه من گوزل ، ایللاه کی آقا دئو گوزل!
دئو دییر : نه سن گوزل نه من گوزل ، ایللاه کی نر خاتین گوزل

دییر : وای کوپک اوغلو نارانی ائشیگه اوتوردوم ده ال چکمدین ؟ ایندی گئدیب یئددی قارداشلارا باجی اولوب .
آرواد ، بویول دئوین یانیندان چیخار گلر (نارا خاتیندا ساققیزی چوخ سئورمیش) بیر آز ساققیز آلار ، گتیرر زهر بونا وورار . گلر ، بویول ناراخاتین اولان یئری تاپار ، یئدی قارداشلارین یئرین.
قاپی دویولر . قیز گئدر قاپی یا گورر ننه سی دی . ننه سی هر نه ائلر کی ، آچ قاپینی آچماز . بویول ننه سی ساققیزی قاپینینن آلتیندان سالار . دییر : ساققیز آلمیشدیم سنه .گوتور آپار چئینه .
بویول گوتورر ساققیزی ، گلر حووض باشینا ساققیزی چئینر اوردا . ساققیزدا آخی زهرلی ایدی . بو ، بویول ، بیخیلار اورادا ، حووض باشیندا قالار . آخشام قارداشلار گلر قاپی دویر گورر کی آچان اولمادی ، بیر — بیرینه دییر لر کی ، بودا بیزه باجی اولمادی ، ائو ائشیگیمیزی ده گوتوردو آپاردی .
دووواردان دوشرلرگلرلر گوررلر باجیلاری حووض باشیندا یاتیبدی . دبردرلر گوررلر بو اولوب دا . زهر وئریبلر . حکیمه — زادا آپارارلار. حکیم دییر : دا ، علاجی اولماز . بونا زهر وئریبلر .
بویول ، بونلار گلر . حیفلری گلر کی باجیمیزی نئجه قویلویاق .؟ بیر خورجون گتیررلر. بیر تایینا قیزیل دولدورارلار . بیر تایینادا بو قیزی قویارلار . سالارلار آتین اوستونه گوتوررلر چوله ، هر کیم علاج ائیلیه بیلسه ، بو قیز بودا پول !
پادیشاه چیخمیشدی شیکارا ، گورر بیر آت ، بیر خورجین قیزیل ، بیر ده قیز . گوتورر پادشاه بونو آپارار . مین گویولدن بیر گویوله اولویه ووروولار. حکیملر دییر : یئددی حووض سوت وئر دولدورسونلار.
بونو ، بویول ، باسارلار بیر حووضا ، بیر آز قالار ،، اورادان او بیری حووضا . آخیرداکی حووضدا گورر بو بیر آز آیلیر ، دوزه لیر . نار خاتین دییلر . پادشاه بونو آلار .بیر ایلدن سونرا بیر جوت اوغلو اولار .اوشاقلار بیر آز بویوموشدو ، گونده گئدردیلر پادشاها سلاما .

یئنه ده بیر گون نارخاتینین ننه سی گئدر دئوین یانینا . دییر : نه سن گوزل نه من گوزل ، ایللاه کی آقا دئو گوزل!
دئو دییر : نه سن گوزل نه من گوزل ، ایللاه کی نار خاتین گوزل .
دییر : وای ؛ سن نارانی اولدوردون ده ال چکمدین ؟
دییر : اولمه ییب ، ایند ی پادشاهین آروادی دی . بیر جوت ده اوغلو وار .بو ننه بو یول دورار گلر .آز گلر چوخ گلر . گلر بو پادشاهین ائوین تاپار. دییر کی من ، نار خاتینین ننسی یم .
بیر گون قالار : قیز دییر پادشاها : من ننه مدن قورخورام .ساخلامایین بورادا. پادشاه دییر : قیز ننه ن دی .. دا !نه ییندن قورخورسان ؟
گئجه ، بو یول یاتمیشدیلار . قیزین ننه سی دوورار ، اوشاقلارین ایکیسینین ده باشین کسر .پیچاغی دا گتیرر قویار نارخاتینین جیبینه . سحر اولار گورلر کی ، بو اوشاقلار پادشاها سلاما گئتمئدی . پادشاه آدام گوندرر کی اوشاقلار گلمه ییب . گلرلر گوررلر اوشاقلارین باشین کسیبلر . دا ، نارخاتین دا بیلمز کی پیچاقی قویوبلار جیبینه . بو یول نارخاتینین ننه سی دییر کی هامینین جیبین آختارین ، هر کیمین جیبیندن قانلی پیچاق چیخسا ، بیلین او کسیبدی .
هامینین جیبین آختارارلار . هئچکسدن چیخماز. بو یول دییر کی آخی نارخاتینین دا جیبن آختارین .
دییر لر : نیه ننه ده بالاسینین باشین کسر؟
پادشاه دییر : آختارین
آختارارلار بونون جیبیندن چیخار قانلی پیچاق . ننه لرینین جیبیندن پادشاه دا اوزونون ده گوزلرین چیخاردیرار. اوشاقلاریندا اولوسون وئرر بونون قوجاغینا . شهریندن اخراج ائیلر . دییر : گوتور ، گئت بوردان .
بو گئدر مچیده ، یئر تاپاماز . مچیده آغلار – آغلار ، ییخلار اورگی پیس اولار . یوخودا گورر بیر نفر گلر بونا دییر : نیه آغلیرسان ؟ دییر : دا ، نیه آغلایاجایام ؟ بوجور دا اوشاغیمین باشین کسیبلر، پادشاه دا اوزومون گوزلریمی چیخاردیب ، گلیب قالمیشام بورادا .
یوخودا گورن آدام الین چکر بونون گوزلرینه ، اوشاقلارین دا باشینا . بیر اوغوج دا تورپاق توکر اتگینه . دییر : دور آیاغا هئچ زادین دگیل .
بو یول یوخودان آیبیلار گوررلر اوشاقلار مچیدین ایوانیندا اویان – بویانا قاچیرلار .اوزونون ده گوزلری دوزلیب .باخار گورر اتگینده کی تورپاق دا اولوب جواهرات – قیزیل . دورار بو یول اوشاقلارین دا گوتورر گئدر .چولده بیر دام دوزلدر اوتورار . جواهراتی دا خرجله دیکجه آزالمیردی نه قدر ایدی اله اوقدر قالیردی . نارخاتین اوشاقلارین قویار مکتبه . اوشاقلار بیر آز بویوموشدو . درس اوخوردولار . گتیرر چولده بیر عمارت سالدیرار نه گوزلیکده . یوز دفعه پادشاهین کیندان آرتیق ، بیر کرپیچی قیزیلدان ، بیر کرپیچی گوموشدن .
اوشاقلار چیخارمیش چولده – زاد دا اوینارمیشلار . پادشاه بولویموش ، شیکارا – زادا گئدنده اوشاقلاری گوررمیش ، عمارتی ده گودرمیش گونده ، بو یول وزیریلن کئچنده دییرمیش : وزیر بو عمارت گوررسن کیمین دی بوجور دوزلدیب ؟
پادشاه اوشاقلاری چوخ سئورمیش . گلیب – کئچنده دیندیررمیش ایکیسینده . نارخاتین اویردردی اوشاقلارا کی پادشاه سیزی دیندیرنده ، سووواشین قیچلارینا کی گل گئدک بیزه .
بیر گون پادشاه کئچنده اوشاقلار ال چکمزلر.پادشاه : دییر : آخی سیزین ائویز هاردادی ؟
دییرلر کی ، بس او عمارت بیزیم دی .
اوشاقلار چوخ ائلر پادشاه گئتمز . کئچرلر گئدرلر . وزیر دییر : قبله عالم ساغ اولسون گرک ایدی گئدیدین اوشاقلار مایوس اولدو . بو دفعه دئسلر گئدک . یئنه ده بیر دفعه پادشاه اورادان کئچنده بو اوشاقلار ال چکمز کی گل گئدک بیزه !
وزیر دییر : قبله عالم ساغ اولسون .اورکلرینی سیندیرماغا گلمز . گرک آیاق اوسته باش ووراق .
گئدرلر پادشاهایلان وزیر . پادشاه گوررکی قریب بالام بورا یاخشی دی ، عمارت دی ، قریب دستگاه دی . بیر آز اوتورارلار ، دورار بونلار گئتسین . اوشاقلارین دا ننه سی اویرتمیشدیر. " قیزیل چای قاشیغین آپارین ، سالین پادشاهین باشماغینین ایچینه " .
بونلار دورارلار گئتمگه . اوشاقلار دییر : آختاراجاییق .!
هامی نی آختارارلار پادشاهین باشماغین ایجیندن قاشیق چیخار .
نارخاتین دا دورموشدو پرده دالیندان قولاق آسیردی .
وزیر دییر : اوغلان پادشاه دا اوغورلوق ائلر ؟
اورادان نارخاتین دییر : پس ننه ده بالاسینین باشین کسر .
وزیر دییر : بو نه جور سوزدو ؟
بو یول اوشاقلارین ننه سی چیخار پرده دالیندان ائشیگه دییر : بس بونلار سنسن اوغلانلارین دی من ده سنسن آروادین نارخاتینام . آچار باشینین قضیه سین ناغیل ائلر پادشاها . پادشاه بونون ننه سین ده تاپار اولدورر ، او دئوی ده اولدورر . "

سحیرلی سونبول

(خالق فولکولوروندان)

بئله روایت ائدیبلر کی، کئچمیش زامانلاردا بیر پادشاه وار ایمیش. بو عدالتلی پادشاه ایدی. اونون یانینا شیکایته گلن آدام ناومید قاییتمیردی. پادشاه جاماعاتجانلی آدام ایدی. بو پادشاه همیشه فاغیرا، یوخسولا ال توتوردو. گونلرین بیر گونو شاه گؤردو اونون ائلچی داشی نین اوستونده بیر شئی وار. وضعیری چاغیریب دئدی:

- وضعیر، گئت گؤر ائلچی داشی نین اوستوندگی کیمدی، راضی سال، قاییت.

وضعیر گئدیب گؤردو ائلچی داشی نین اوستونده کی بیر یئکه ایلاندی. وضعیر برک قورخدو، پادشاهین یانینا قاییدیب دئدی:

- قیبلئیی-عالم، ائلچی داشی نین اوستونده کی بیر یئکه ایلاندی.

پادشاه چوخ بیلیکلی ایدی. او ساعات باشا دوشدو کی، ایلان اونا ندنسه شیکایته گلیب. اوزونو وضعیره توتوب دئدی:

- او ایلان منه شیکایته گلیب، تئز بیر هئیوان دیلینی بیلن آدام تاپ، گتیر.

وضعیر دئدی:

- شاه ساغ اولسون، دئییرلر رمدار درویش هئیوانلارین دیلینی بیلیر.

پادشاه دئدی:

- وضعیر، رمدار درویشی بورا چاغیر.

وضعیر آدام گؤندردی، رمدار درویشی پادشاهین هوزورونا گتیردیلر. پادشاه رمدار درویشدن سوروشدو.

- ائی رمدار، دئییرلر سن هئیوانلارین دیلینی بیلیرسن.

رمدار دئدی:

- پادشاه ساغ اولسون، بیلمیرم.

پادشاه دئدی:

- ائی رمدار، سنه چوخ خلت وئره جگم، بوینوندان آتما، گئدک، گؤرک ائلچی داشی نین اوستونده اوتوران ایلانین منه نه شیکایتی وار.

رمدار درویش باخدی کی، پادشاه اونون هئیوانلارین دیلینی بیلدیگینی یقین ائله ییب. او ایدی کی، بیر سؤز دئمه ییب پادشاهلا، وضعیر-وکیلله ایلانین یانینا گلدیلر. رمدار درویش نه شیکایته گلدیگینی ایلاندان سوروشدو. ایلان احوالاتی اؤز دیلییینن اونا دئدی.

رمدار درویش پادشاها دئدی:

- پادشاه ساغ اولسون، ایلانلار پادشاهی بیر مارالی اودماق ایسته یئده بوینوزلاری کناردا قالیب بوغازیندان کئچمیر. بو ایلان پادشاهین وضعیریدی. گلیب سندن بیر دولگر ایسته ییر کی، آپارسین، مارالین بوینوزلارینی کسسین، ایلانلار پادشاهی اؤلومدن قورتارسین.

پادشاه او ساعات بیر یاخشی دولگر چاغیریب بونا قوشدو. ایلان دوشدو قاباغا، دولگر ده اونون دالینجان یول گئتمه یه باشلادیلار. آز گئتدیلر، چوخ گئتدیلر، بیر داغین دامه نینه یئتیشدیلر. او قدر ایلان وار ایدی کی، داشین، چینقیلین سایی اولاردی، آنجاق ایلانین سایی اولمازدی. دولگرله گلن ایلانی گؤردوکده هامیسی اونا رسم-تعزیم ائله ییب یول وئردیلر. ایلان قاباقجا، دولگر ده اونون دالینجا گئدیردی. اونلار داغین لاپ باشینا چیخدیلار. دولگر نه گؤردو؟ گؤردو داغین باشیندا بیر یئکه قارا داشین اوستونده گؤزل بیر ایلان مارالی اودموش، آما مارالین بوینوزلاری اونون آغزیندان کئچمیر. ایلانین گؤزلری آز قالیب پیرتلاییب چیخسین. دولگر او ساعات داشین اوستونه چیخدی، مارالین بوینوزلارینی کسدی. ایلان او ساعات مارالی اوددو. ایلان سوروشوب داشین دیبینه دوشدو و بیر یوغون آغاجا دولاندی. بو زامان مارالین اینیلتیسی ایلانین قارنیندان ائشیدیلدی. ایلان اؤلومدن قورتاریب یئنه داشین اوستونه چیخدی. دولگری گتیرن ایلانین اوزونه باخیب اؤز دیلینجه نه ایسه دئدی. دولگری گتیرن ایلان تئز گئتدی. بیر آزدان سونرا آغزیندا یئددی دنه تاخیل سونبولو گئری قاییتدی. سونبوللری دولگره طرف اوزاتدی. دولگر سونبوللری اوندان آلاندان سونرا، یئنه ده ایلان دوشدو قاباغا، دولگر دالینجا گئدیب داغین دیبینه یئتیشدیلر. اورادان ایلان دولگره یول گؤستریب گئری قاییتدی. دولگر یولا دوشدو، آز گئتدی، چوخ گئتدی، شهره چاتدی. دئمه، پادشاهین آداملاری شهرین قیراغیندا اونو گؤزله ییرلرمیش. اونو شاهین یانینا آپاردیلار. دولگر احوالاتی اولدن آخیرا قدر شاها ناغیل ائتدی.

آنجاق سونبول حاقیندا اونا بیر سؤز دئمه دی. پادشاه مهتتل قالدی. او، یاخشی بیلیردی کی، ایلانلار پادشاهی اونو انامسیز بوراخماز. دولگره دئدی:

- اوغلوم، سن بیر شئیی مندن گیزله دیرسن. سن بؤیوک بیر پادشاهی اؤلومدن قورتاریبسان. یقین کی، او دا سنه بؤیوک بیر انعام وئریب. سن اونو مندن نییه گیزله دیرسن؟

دولگر باش آیيب دئدی:

- قیبلئیی-عالم، چوخ کیچیک اولدوغو اوچون سنه دئمک ایستمیردیم.

سونبوللرین یئددیسینی ده جیبیندن چیخاردیب شاهین قاباغینا قویدو. شاه سونبولون بیرینی الینه گؤتوروب گؤردو چوخ آغیردی. بارماغی ایله سونبولدن بیر دن چیخاردی، نه گؤردو؟ دنلرین هر بیری زوغال بؤیوکلوگونده بیر دورر دنه سیدی. اؤزو ده چیراق کیمی یانیر. شاه اوزونو مجلیسده کی لره توتوب دئدی:

- من ائله بیلیردیم کی، دونیادا منیم کیمی وارلی، دؤولتلی شاه اولماز. ایلانلار شاهی نین دولگره باغیشلادیغی یئددی سونبولون بیری نین قییمتی منیم خزینمده یوخدو. کیم منه بو سونبول دوررلرین نه جور عمله گلمه سیندن خبر وئرسه، او آداما اؤزو آغیرلیغیندا قیزیل وئره جگم.

بیر نئچه گون کئچدی. بیر گون دونیا گؤرموش بیر قوجا شاهین یانینا گلدی. باش آیيب سونبوللرین احوالاتینی ناغیل ائده جگینی شاها بیلدیردی. شاه یئریندن قالخیب قوجانین الیندن توتدو، اؤز یانیندا آیلشدیردی. قوجا ناغیلا باشلاییب دئدی: - ائی بؤیوک شاه، بو دوررون عمله گلمه سینی ایندی سیزه سؤیلیه جگم. بو اؤلکهده کئچمیش زامانلاردا بیر زالیم پادشاه وار ایدی. اؤزونون ده گؤزونون آغی، قاراسی بیرجه قیزی وار ایدی. قیز پردئیی-عیصمتده ساخلانیلیردی. اون دؤرد گئجه لیک آی کیمی ایدی. گؤزللیکده میثلی-برابری یوخ ایدی. قیز ائودن چیخان زامان گرک دوکان-بازار تامامیله باغلانایدی، یوللاردا، دؤنگه لرده اولانلار اؤز ائولرینه چکیلیدی. اگر کوچه ده قالان اولسا، باشینا شال سالیب شاهین یانینا آپاراردیلار، یادا همین ساعات باشینی بدنیندن گؤتورردیلر.

او شهرده بیر پالانچی واردی، آدی دا ایبراهیم ایدی. ایبراهیمین اون سککیز یاشی وار ایدی. بیر نئچه ایل ایدی کی، اونون آتاسی پالانچی ادهم اؤلموشدو. او دا آتاسی کیمی پالان تیکیب ساتار، آناسینی دولاندیراردی. بیر گون شاه قیزی حاماما گئده جکدی. آداملار قاچیب ائولره دولوردولار. ایبراهیم دوکانین قاپیسینی باغلاییب دوکاندا قالدی. فرراشلار دا چکیلیب گئتدیلر. سوپورگه چیلر یوللاری سوپوروب فرش دؤشه دیلر. پادشاهین قیزی قیرخ کنیزله گلیردی.

ایبراهیم ده قاپی نین آراسیندان باخیردی. ائله کی، ایبراهیمین گؤزلری قیزین گول جامالینا ساتاشدی، بیر کؤنولدن مین کؤنوله اونا عاشیق اولدو. بیهوش اولوب دوکانا یيخیلدی. آناسی اونون یولونو گؤزله ییردی. ایبراهیم گلیب چیخمیردی.

بو مونوالنان اوچ گون، اوچ گئجه ایبراهیم گلیب چیخمادی. اوچ گوندن سونرا ایبراهیم ائوه گلدی. اونون رنگی ساپ-ساری زعفران کیمی اولموشدو. آناسی اوغلونون باشینا دولاندی، اونون دردیندن حالی اولماق ایسته دی.

آنجاق ایبراهیم دردینی آناسینا دئمه دی. ایبراهیم یاخشی بیلیردی کی، بیر داها قیزین اوزونو گؤرمیه جکدیر.

بو فیکیرله ده ایبراهیم گونو گوندن سارالماقدا اولسون، قاییداق گؤرک قیز نئجه اولدو؟

بلی، شاه قیزی حامامدا چیمیب ائولرینه قاییداندا بیر آز کئفسیز ایدی، اونا سویوق دیمیشدی. قیزین خسته لیگی گئتدیکجه آرتیردی. حکیم، طبیب، مومکون اولمادی، قیرخ گون یاتاندان سونرا قیز اؤلدو. شهر قارا بزندی. قیزی آپاریب دفن ائله دیلر. قیزین اؤلمه سی ایبراهیمه چوخ تعسیر ائلمیشدیسه ده، دردینی کیمسه یه سؤیله یه بیلمیردی. بئله قراره گلدی کی، گیزلی گئدیب قبیری آچسین، اونون اوزونه دویونجا باخسین. آناسینا تاپشیردی کی، سفره گئدیر، اوندان نیگاران اولماسین. بیر کولونگ، بیر ده بیر بئل گؤتوروب گیردی دوکانینا، قاپیسینی باغلادی، ایکی گونده دوکاندان لاغیم آتیب قیزین قبرینه چاتدی کفه نی قاتلاییب قیزین اوزونه باخیردی. اونا ائله گلیردی کی، قیز اؤلمه ییب، یاتیبدی. قیزی کفنده گؤتوروب لاغیملا دوکانا گتیردی. نه یئییر، نه ایچیر، نه یاتیردی. گؤزلرینی دیکمیشدی قیزین اوزونه، ائله هئی گؤزلری نین یاشینی تؤکوردو. هردنبیر قیزین آلنیندا تره بنزر بیر شئی پارلاییر، یئنه یوخ اولوردو. شهرده قوجا بیر دللک وار ایدی. ایبراهیم دوکانی باغلاییب همین قوجا دللگین یانینا قاچدی. اونون آیاقلارینا ییخیلیب آغلادی. کاسیب بیر پالانچی اوغلو اولدوغونو، آتا-آناسی اؤلدویونو، بیر باجیسی ایله پالانچی دوکانیندا یاشادیقلارینی اونا سؤیله دی. ایندی بیردن-بیره باجیسی نین دا اؤلدویونو اونا سؤیله دی. خواهیش ائله دی کی، اؤلونو دفن ائلمکده اونا کؤمک ائلسین. قوجا دللک ایبراهیم ایله برابر دوکانا گلدی. قیزا باخیب باشینی بولادی.

دئدی:

- ائی اوغلان، قیزی قان آپاریب، اؤلمه ییب. من بونون دابانینا نئشتر ووراجاغام. اول ساری سو آخاجاق، اگر ساری سویون دالینجا قان آخارسا، قیز آیيلاجاق، قان آخمازسا اؤله جک.

جیبیندن نئشترینی چیخاریب قیزین دابانلارینا سوخدو. نئشترین یئریندن ساری سو آخدی. دللک دئدی:

- بیر ساعات گؤزلرسن.

دللک چیخیب گئتدی. ایبراهیم گؤزله ییردی، گؤردو ساری سویون گئت-گئده رنگی قیزاردی. آخیردا چای کیمی قان آخماغا باشلایاندا قیز گؤزونو آچدی. ایبراهیم دللگین وئردیگی درماندان نئشترین یئرینه سورتوب باغلادی. بو زامان قیز هر طرفه باخیر، گؤز گزدیریر، هئچ بیر شئی باشا دوشموردو. آنجاق کاسیب ائوی گؤروب تعجوب ائله ییردی. بیردن اونون قاشلاری چاتیلدی. غضبله ایبراهیمین اوزونه باخیب دئدی:

- من هارادایام؟ سن کیمسن؟ نه جورعتله منیم اطرافیمدا دولانیرسان؟ ایبراهیم گؤز یاشلارینی تؤکه-تؤکه بوتون احوالاتی اولدن آخیرا کیمی اونا دانیشدی. ایبراهیم دانیشدیقجا، قیز قولاق آسیر، گؤز یاشی آخیدیردی. ایبراهیمه باخیب دئدی:

- منی قبیردن چیخاردیب اؤلومدن قورتارمیسان. سنه اؤلونجه دوعاچییام. قیز اوغلانین اوزونه باخیردی. گؤردو کاسیب اولاندا نه اولار؟ چیچک کیمی اوغلاندی. بیر کؤنولدن مین کؤنوله اونا عاشیق اولوب دئدی:

- بو سیرری سندن باشقا کیم بیلیر؟

اوغلان دئدی:

- هئچ کس.

قیز سوروشدو:

- آدین ندی؟

اوغلان دئدی:

- ایبراهیم.

قیز دئدی:

- کیمین وار؟

اوغلان دئدی:

-بیرجه آنام وار.

قیز سوروشدو:

- او بو سیرری بیلیرمی؟

اوغلان دئدی:

- یوخ.

قیز دئدی:

- قوی بیلمه سین. سن ده بو سیرری هئچ کسه دئمزسن. دور گئت، منه قادین پالتاری تاپ گتیر.

ایبراهیم دئدی:

- گئجه دی، خانیم، قورخارسینیز.

قیز دئدی:

- قورخمارام. دور گئت.

ایبراهیم ائولرینه چاتاندا آناسی اوتوروب گؤز یاشی تؤکوردو. ایبراهیم ایچری گیردی. آناسی نین بوینونو قوجاقلاییب اؤپدو. آنا اوغلونو چوخ شاد گؤردو.

- اوغلوم، آللاه سنی شاد ائلسین.

ایبراهیم دئدی:

- آنا، کنددن بیر قیز قاچیرمیشام، اؤزو ده لوتدور. دور پالتار تاپ، تئز اول.

آناسی ایندییه قدر ساخلادیغی توی پالتارینی چیخاریب اونا وئردی. ایبراهیم سئوینه-سئوینه بوخچانی گؤتوروب قاچدی قیزین یانینا. قیز گئیینندی. ایبراهیمله گلدی اونون آناسی نین یانینا. محبتلی یاشامالی اولدولار.

دوققوز آی، دوققوز گون، دوققوز ساعاتدان سونرا ایبراهیمین بیر اوغلو اولدو، آدینی قویدولار ادهم.

ادهم اون یاشینا چاتدی. او، مکتبده اوخویوردو. بیر گون شاه اوودان قاییداندا، ادهم ده مکتبدن چیخیب ائولرینه گلیردی. شاه ادهه می گؤرنده، اورگی برک دؤیونمه یه باشلادی، آتیندان دوشدو. اوشاغی برک-برک باغرینا باسدی. هامی شاها تعجوبله باخیردی. او، وضعیرینی چاغیریب دئدی:

- وضعیر، نه سیرریدیر کی، من بو اوشاغا بیردن-بیره بو قدر محبت یئتیردیم؟ ایستردیم بو اوشاق همیشه منیم یانیمدا اولسون.

وضعیر هئچ بیر سؤز دئیه بیلمیردی. شاه ادهه می اؤز آتینا میندیریب عیمارتینه آپاردی. هامی ائله بیلیردی کی، شاهین قوجالیقدان باشی خاراب اولموشدور. ادهمین آناسی اوغلونون گئج گلدیگینه گؤره چوخ ناراحات ایدی. چؤله چیخیب ایچری گیریردی. ایبراهیم ایشدن گلیب گؤردو آروادی نین گؤزلری باهار بولودو کیمی یاش تؤکور. او اؤزونو ایبراهیمین اوستونه آتیب، آغلایا-آغلایا دئدی:

- ادهم ایندییه قدر گلیب چیخماییب. من اونسوز یاشایا بیلمرم. بو ساعات اونو تاپمالیسان.

ایبراهیم مدرسه یه گئتدی، باخدی کی، هئچ کس یوخدو. چوخ آختاردی، گؤردوم دئین اولمادی. ایبراهیم " ادهم " - دئیه، کوچه ده چیغیریر، او طرفه-بو طرفه قاچیردی. آخیردا بیر نفر اوندان کیمی گزدیگینی خبر آلدی، ایبراهیم:

- اوغلومو ایتیرمیشم،- دئدی:

او آدام دئدی:

- شاه آپاران اوشاق اولاجاق یقین.

ایبراهیم دئدی:

- شاه اوشاق آپاریبمی؟

آدام دئدی:

- بلی، گون باتان چاغی شاه بیر اوشاغی اؤز آتینا میندیریب آپاردی.

ایبراهیم داها دا برک قورخوب قاچدی آروادین یانینا، احوالاتی دانیشدی. اونلار سیررلری نین آچیلماسیندان قورخوردولار.

آخیردا قیز دئدی:

– سن دور گئت شاهین یانینا، دئینن یالنیز بیر اؤولادیمیز وار، اونو دا سن گتیرمیسن. ایندی آناسی اؤزونو اؤلدورور. بلکه رحمه گلیب وئردی. آنجاق سیرری مؤحکم ساخلا.

ایبراهیم گئتدی شاهین یانینا. شاه اونو یاخشی قبول ائله دی. آنجاق آند ایچدی کی، ادهه می اونون اورگی بو قدر ایستمه سی نین سببینی بیلمگینجه اونو وئرمییه جک.

ایبراهیم چوخ گئدیردی شاهین یانینا، او یئنه اولکی سؤزونو دئییردی. آخیردا قیز ایبراهیمه دئدی:

– آخیرینجی دفعه گئت آتامین یانینا. او، یئنه سنه همین سؤزو دئسه، سن ده اونا دئینن، باباوین تاجینا آند ایچ کی، منه، آروادیما، اوغلوما غضبین کئچمییه جک، بیز اوچوموزو هئچ واخت بیر-بیریمیزدن آییرمایاجاقسان. سببینی دئییم. اگر آند ایچسه، قورخما، دانیش. اگر آند ایچمه سه ، گل، بیر ده اونون یانینا گئتمه. بیز ده اوغولسوز یاشایاریق. گؤررسک آخیردا نه اولار.

ائله کی، سحر آچیلدی، اوغلان یئنه پادشاهین یانینا گلدی، اوغلونو اوندان ایسته دی. پادشاه دئدی:

– سؤزوم سؤزدو، اورگیم اوشاغی توتماغی نین سببینی بیلمه سه م، اوشاغی وئرمه یهجم.

ایبراهیم پادشاها دئدی:

– شاه، باباوین تاجینا آند ایچ کی، منه، آروادیما، اوغلوما غضبین توتمایاجاق، بیزی بیر-بیریمیزدن آییرمایاجاقسان، سببینی دئییم.

شاه دؤنه-دؤنه باباسی نین تاجینا آند ایچیب دئدی:

– شاه بابامین تاجینا آند ایچیرم کی، سنه، آروادیوا، اوغلووا غضبیم توتمایاجاق. سیزی بیر-بیرینیزدن آییرمایاجاغام.

ایبراهیم احوالاتی اونا ناغیل ائله ییب دئدی:

– شاهیم، منیم اوغلوم ادهم سنین دوغماجا نوندی، من سنین کورکه نینم، قیزین دا حال-حاضیردا ائویمیزده دی.

شاه چوخ شاد اولوب دئدی:

– وضعیر، دی دور گئت قیزیمی قول، قاراباشلا بورا گتیر.

شاه تاجینی باشیندان گؤتوروب ایبراهیمین باشینا قویدو، دئدی:

– اوغول، قوجالیق منی الدن سالیب. ادهم بؤیوینه قدر سن شاهلیق ائله، من ده دینجه لیم.

او گوندن ایبراهیم اؤلکهنین شاهی اولدو. آنجاق باشقا شاهلار کیمی گئجه لر رقاصه لرله عیش-عیشرته مشغول اولمادی. چوخ عدالتلی بیر شاه اولدو. ریتله یاخشی رفتار ائله دی. یوللار چکدیردی، کؤرپولر سالدیردی. بیر دفعه بیر اکینچی بیر پارچا اکین یئرینی باشقا بیر اکینچییه ساتدی. یئر آلان جوتونو قوشوب، یئری شوملاماغا باشلادی. آنجاق ایکیجه دفعه او باش بو باشا گندیب-گلدی. اوچونجو دفعه اونون خیشی بیر شئیه ایلیشدی. اکینچی نین خیشی ایلیشن زنجیر ایدی. یئرین آلتیندا یئددی کوپ قیزیل بیر-بیرینه باغلانمیشدی. اکینچی اؤکوزلرینی اورادا قویوب گئتدی، یئر ساتانی گتیردی، اونا دئدی:

– قارداش، بو قیزیللاری چیخارت، آپار، بو سنیندی.

یئر ساتان دئدی:

– من بورا قیزیل باسدیرمامیشام. اؤزوم ده یگیرمی-اوتوز ایل همین بو یئری سورموشم. منیم اولسایدی، من سورنده چیخاردی. منیم باختیما چیخمادی. ایندی سن گلیب خیشینی یئره سالان کیمی سنین خیشینا ایلیشدی، سنین باختینا چیخدی، اولدو سنین. منه دخلی یوخدور.. سؤزلری چوخ اوزاندی، آخیردا ایبراهیم شاهین یانینا گئتدیلر، احوالاتی اونا دانیشدیلار. ایبراهیم شاه قاباقجا یئر آلاندان سوروشدو:

– سنین فیکرینجه قیزیللار کیمه چاتار؟

یئر آلان دئدی:

– یئر ساتانا.

شاه سوروشدو:

– اؤولادین وارمی؟

یئر آلان دئدی:

– بیر قیزیم وار.

سونرا دا یئر ساتاندان سوروشدو:

– سنین فیکرینجه قیزیللار کیمه چاتار؟

یئر ساتان دئدی:

– یئر آلانا.

شاه سوروشدو:

– اؤولادین وارمی؟

یئر ساتان دئدی:

– بیر اوغلوم وار.

ایبراهیم شاه دئدی:

– یئر آلان قیزینی وئرسین یئر ساتانین اوغلونا. هر ایکیسی قیزیللارا صاحیب اولسونلار. راضیسینیزمی؟

اکینچیلر باش آیدیلر. راضی اولدوقلارینی بیلدیردیلر.

– پادشاهلارینا دوعا-سنا ائله ییب ائولرینه گئتدیلر.

اکینچیلر قوهوم اولوب، یئری شریکلی اکدیلر. اکینچیلر همین ایل او یئره تاخیل اکدیلر، دورر بیتدی...

ایلانلار دا همین او دورر سونبوللردن آپاریب اؤز خزینه لرینده ساخلاییبلار. سونبوللری دولگره وئرن ایلان دا یقین ایلانلار پادشاهی نین خزینداری ایمیش.

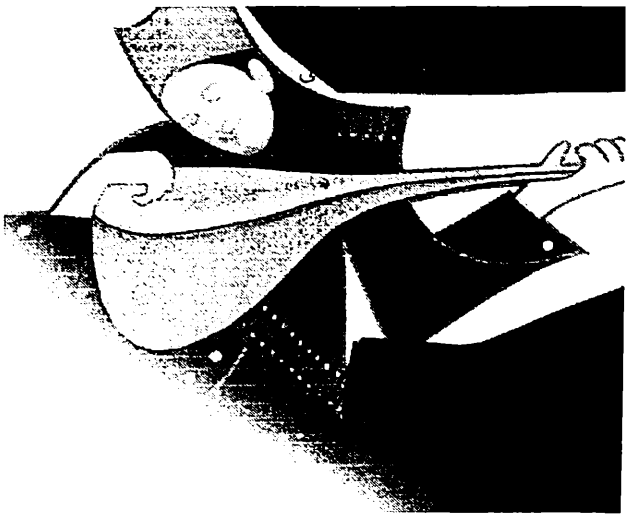
سؤز بو یئره یئتنده، شاه قوجانین الینی سیخیب دئدی:

– آنا! سن بو سونبوللردن خبر وئرمکله حؤکمورانلیغین دا قایداسینی منه اؤیرتدین.

دولگر دئدی:

– شاهیم، من بو سونبوللری سنه باغیشلاییرام، قوی خزینه ده قالسین.

هامی دولگره آفرین دئدی. قوجا ایسه اؤزو آغیرلیغیندا قیزیلی آلمایيب، شاهین عؤمرونه دوعا-سنا اوخودو. ش سوروب، دؤوران کئچیردیلر.



ع. اسماعیل اف

شاعیر آغاجان

(۱۸۸۶—۱۹۵۱)

جابارلی آغاجان جابیار اوغلو ۱۸۸۶جی ایلده گومرو ماحالی نین قاراکیلسه کندینده آنادان اولوب. صفالی داغ کندینده یاشایان جابیار کیشی آرا- سیرا شعرلر یازاردی. او، اوغلو آغاجانی دا یازیب اوخویان گؤرمک ایسته ییردی. بو مقصدله اوغلونو موللا یانینا شاگیرد قویور. آغاجان درین دینی تحصیل آلیر، عرب، فارس دیللرینی اؤیرنیر. بو، سونرالار آغاجانین شعرلرینده ده اؤزونو گؤسترییر.

سؤز قوشماغا ائرکن باشلاییب، چوخ گنج کن آذربایجاندا، تورکییه ده، ایراندا و گورجوستانین بورچالی ماحالیندا مشهورلاشان شاعیر آغاجانین ایلک اثرلری کنجلیک روحو ایله یازیلمیش آلوولو محبت شعرلری اولموشدور.

بئله روایت ائدیرلر کی، آغاجان نئچه مودت کؤلکه کیمی ایزله دیگی سئودیگی قیزی گونلرین بیرینده بولاق باشیندا تکلیکده گؤرور. اونا یاخینلاشیب سو ایسته ییر. قیز بیر قاب سو وئریب اوزونو یانا چئویریر. سو ایچمه یه یانغیسی اولماسا دا، اونو محببت آلووو یاندیریردی. اوراداجا قیزا «آجئیرانیم» ردیفلی بیر قوشما دئییر. همین شعرین سونلوغو بئلودیر:

من دؤزمه دیم، سن ده دؤزمه.
بیرجه سؤز دئ، چکیم نظمه.
ایندن بئله آغا کزمه.
آغاجانام، آ جئیرانیم.

محبت حسرتی کنج عاشیقی گوندن-گونه سارالدیر. حسساس آتا قلبی بونو دویمایا بیلمزدی. اودور کی، جابیار کیشی شاعیر اوغلونو شعر دیلی ایله دیندیرمک قرارینا کلیر:

سؤیله کؤروم. نه بلایا اوغرادین،
کزیردین قارشیمدا سالامات، اوغول!
نه سؤیلرسن ائله دیوانه کیمی،
آچیرسان باشیما علامت، اوغول!
یاخشی اوغول دوشمنیندن باج آلار،
هر یئرده آدلانار، آدی اوجالار،
یقین بیل کی، آتان واختسیز قوجالار،
دؤنوب اولسان اکر بداولاد، اوغول!
جابیار دئیر، کل دانیشاق یازانی.
دؤور ائله ییب بو دونیانی کزونی
اوغول کرک مالی اؤزو قازانی،
آتادان اوغولا نه دؤولت، اوغول؟!

چوخ ائرکن آناسینی ایتیرمیش، اوشاقلیق ایللری آغیر کئچمیش، ایلک محببتی اولان گولزارلا قووشا بیلمه میش آغاجان اوچون آتاسی نین نه دئمک ایسته دیگی آیدین ایدی...

آغاجان ۱۹ یاشیندا عاییله قورور، گولخانیم آدلی بیر قیزلا ائوله نیر. بیر ایلدن سونرا قیزی زهرا دونیایا کلیر. کؤرپه نین آیاغی سایالی اولور، گولین گنج ارینی ایکی اوغوللا سئویندیریر. لاکین...

آغاچان آیله سئوینچیندن دویمامیش، ائرمه نی قولدورلاری باشی مین بلا چکمیش خالقی اؤز دوغما ائل اوباسیندان پرن - پرن سالیر. ۱۹۰۶جی ایلدن ده آغاچانین عاییله سی گومرو دن چیخمالی اولور، چیخمالی اولور یوخ، دیدرکین دوشور، عاییله عوضولری ده بیربیریندن خبرسیز. جلالدلارین تؤرتدیگی وحشیلیکلر چالینچارپاز داغ چکیر آغاجانین اورگینه؛ عؤمورگون یولداشیندان و اوچ کؤرپه سیندن خبرسیز بورچالی ماحالی نین قوشچو کندینه پناه گتیریر. اوزون آختاریشلاردان، اذیتلردن سونرا عاییله سی نین و قوحوملاری نین ایراندا و تورکییه نین

ایستامبول شهرینده مسکن سالدیقلارینی اؤیرنه بیلیر. اورگینده اؤولاد نیسگیلی قالان شاعیر بیر ده اونو اؤیرنه بیلیر کی، بؤیوک اوغلو قمبر عذاب -اذییتلره دؤزه بیلمه ییب، دونیاسینی دییشیب. درد اوستوندن درد یوکله نیر شاعیره...

شاعیر آغاجان ۱۹۱۷جی ایلده ایکینجی دفعه اؤز عمیسی قیزی زهرا ایله ائوله نیر و عؤمرونون سونونا قدر اونونلا یاشییر. ایکی اوغلو — انورله، شمیستان و ایکی قیزی— ترلانلا گؤیچک دونیایا کلیر... لاکین... آغاجان قوشچو کندینده ده چوخ یاشایا بیلمیر. او، عرب و فارس دیللرینی کامیل بیلدیگیندن کندین ناشی موللالاری نین ساوادسیزلیغینی ثبوت ائدیب، اونلارین یالانلارینی خالقا باشا سالدیغیندان، جاماعاتین گؤزوندن دوشؤن «موللا»لار یاخینلیقدان کئچن آرخین سویونو آچیب، گئجه ایلن، آغاجانین ائوینه دولدورورلار. ائله او واختدان آیله سی ایله بیرلیکده قونشو قاچاغان کندینه کؤچور. همین حادیثه دن تاثیرلنن شاعیرین قاینار سینه سیندن آنا سودو قدر تمیز، داغ چئشمه سی کیمی شففاف شعرلر آخماغا باشلاییر.

شاعیر آغاجان قاچاغان کندینده ده یئرسیز تعقیب لره معروز قالیب. دفعه لره قانداللانیب، لاکین گوناهسیز اولدوغوندان آزاد ائدیلیب. لاکین کین -کدورت داش قلبلردن سیلینمیمب.

۱۹۴۳چو ایلده شاعیر آغاجانی گوناهی اولمادان یئنه حبس ائدیرلر. او، حبسخانادان خالق شاعیری صمد وورغونا اوز توتوب بئله بیر مکتوب یازیر:

شاعیر دورا بیلمیر، حاضیردی حاضیر،
صمد وورغونلویا سالاملار یازیر.
ائشیدین، دوستونوز آزادمی کزیر،
ایندی دوشوب قازاماتدا ساخلانیر.

س. وورغون مکتوبو آلان کیمی بورچالییا گلیر و آغاجانی آزاد ائتدیریر. باشی بلالی شاعیر «چیچکله نن اؤلکه میز»ده بئله «آغ گونلر» گؤرور. سینی نین او واختیندا اذیتلره» قاتلاشیر، عذابلار، آجلیق سوسوزلوق چکیر، سویوق اوزلر گؤرور، سویوق قیشلار کئچیریر. چوخ کئچمیر کی، آغاجان« داحا بیر حؤکمله، همده قطعی قرارلا «توشلاشیر». او، ۱۹۴۹چو ایلده آیله سی ایله بیرلیکده روسییانین تومسک ویلایتینه سورگون ائدیلیر.

شاعیر آغاجانین ۸۶ یاشلی قیزی زهره ننه ۱۹۹۲ جی ایلده صؤحبت زامانی او گونلری نملی گؤزله، قیریق- قیریق سؤزلرله بئله خاطیرلاییردی:

«اوزونه گون دوغمادی آتامین. یورددان- یوردا، ائلدن- ائله دوشدو، بیر کومه ده ایسینمه میش، آیاغینی قاتلاییب راحاتلانمامیش باشقا یئره کؤچورولدو. ان ظولمتلی ده آخیرینجی سورگون اولدو. اوزاق، کیمسه سیز، یاد ائل، یاد خالق، اؤزکه میلت، یاد طبیعت قوینوندا مسکن سالدیق. دؤزنمیردی سیننی نین قوچا واختیندا، یاشی نین اؤتکم چاغیندا، دئیردی «بالالارین یانیندا گوناهسیز گوناها باتیرام، خوشبخت ائتمه ییم بیر یانا قالسین، راحاتلیغا دا مؤحتاج قویدوم بالالاریمی».

اوزاق ائلده، یاد تورپاقدا ائعتیبارلی، صداقتلی، وفالی، غئیرتینه، هونرینه بلد اولان عؤمورگون یولداشیندان شاعیر آغاجانین بیرجه دیلگی اولوب:

«زهرا، وطنه قاییداسی اولسانیز، سوموبوم چؤللرده قالماسین. بو دونیام وطن حسرتلی کئچدی، او دونیام وطنسیز قالماسین».

عؤمرو بویو حیاتی قارلی - بورانلی کئچن شاعیر عؤمرونو ده قیشدا ائولادلارینا باغیشلادی.

۱۹۵۱جی ایلین یانوار آیی نین ۲۶دا یادلار آراسیندا، قریب، سینه سی دولو، سؤزلو- صؤحبتلی بیر شاعیر ابدیته قووشدو. سویوق قیش کئجه سینده، سویوق صیفتلر ایچینده قریب بیر شاعیر حیاتدان کؤچدو. اینسانلار کیمی تورپاق دا سویوبوب بوزا دؤندو. عؤمرو چتینلیکله کئچن شاعیرین قبری ده چتینلیکله قازیلدی.

بئله جه بوز باغلامیش تورپاقدا اویویور بیر مودت شاعیر آغاجان. سونرا ایسه موروتلی قادینی سورگوندن آزاد ائدیلنده آغاجانین سوموکلرینی قریب تورپاقدا قویمور. چتینلیکله ده اولسا، قبری قازیر، سوموکلئری بیر ساندیغا ییغیب اؤزو ایله قاچاغانا کتیریر. ایللرله هئچ کسه بو باره ده هئچ بیر شئی دئمه ییر. ۱۹۵۸چی ایلده اوغلو انور وفات ائدنده سوفره اوچون قند آختارارکن آغاجانین سوموکلرینی تاپیرلار. اونا کؤره ده آغاجانین ایکینچی دفنی انورله بیر گونده اولدو. او، ائل عادتیله مقدس تورپاغا تاپشیریلدی. آغاجانین سوموکلوری ایندی صداقتلی حیات یولداشی زهرا ایله بیر باشداشی آلتیندا، قاچاغان کندی نین قبیرستانلیغیندا اویویور. روحلاری شاد اولسون!..

...به لی، آغاجان جابیار اوغلو بو دونیایا کلندن - کئدنه کیمی درد داغارجیغی اورگیندن آسیلی یاشاییب. اونون اوزو کولمه ییب اصلا. فقط نه درده تسلیم اولوب، نه قمه باش آییب. بو عالمه کیشی کیمی گلیب، کیشی کیمی ده گئدیب. ایلک تحصیلینی موللاخانادا آلان شاعیر دینه سون درجه ائعتیقادلی اولوب و عؤمرو بویو موللالیق ائله ییب. عرب، فارس و تورک دونیاسینا دریندان بلد اولوب.